





سیری در معارف اسلام

# هشت امتحان الهی

(تفسیر آیه ۸۳ سوره بقره)

متن سخنرانی های

استاد حسین انصاریان

تهران - مسجد رسول اکرم ﷺ - دهه اول جمادی الاول - ۱۳۹۵ هـ ش



[www.erfan.ir](http://www.erfan.ir)

**هشت امتحان الهی (تفسیر آیه ۸۳ سوره بقره)**  
(سیری در معارف اسلامی)

- مؤلف: استاد حسین انصاریان .....
- پیاده‌سازی سخنرانی‌ها: مرکز تایپ سبحان .....
- ویرایش: زینب حیدری .....
- صفحه‌آرا: ف. جانباز و ابوالفضل کریمی .....
- ناظر فنی: سید ضیاءالدین پورمحمودیان .....
- لیتوگرافی، چاپ و صحافی: دارالعرفان .....

کلیه حقوق محفوظ و در انحصار ناشر است.

مرکز نشر دارالعرفان: قم - خیابان شهیدفاطمی (دور شهر) - کوچه ۱۹ - پلاک ۲۷  
تلفن تماس: ۰۲۵۳۷۷۴۰۴۲۷ همراه: ۰۹۱۹۶۵۲۲۰۲۴

## فهرست مطالب

- جلسه اول: شناخت نماز و آثار آن ..... ۱۳
- همه موجودات عالم در حال نماز و تسبیح ..... ۱۵
- معرفت به معانی اذکار و آیات قرآن در نماز ..... ۱۶
- عدم دیدن و شنیدن به معنای عدم وجود نیست ..... ۱۶
- نماز کل موجودات عالم از درخت گرفته تا رعدوبرق ..... ۱۸
- انواع متفاوت نماز برای انواع موجودات ..... ۱۸
- معنی عرش الهی ..... ۱۹
- دعای مداوم فرشتگان ویژه عرش خداوند برای دو طایفه ..... ۲۰
- برقرار بودن رابطه دیدن و شنیدن و سخن گفتن میان اهل بهشت و جهنم ..... ۲۱
- ترک نماز موجب جهنمی شدن ..... ۲۱
- سختی‌های دنیایی اهل ایمان و کافران ..... ۲۲
- بی‌نماز، از کل موجودات بیگانه است ..... ۲۲
- مقام نماز و شفاعت در قیامت ..... ۲۳
- روضه حضرت زینب علیها السلام در فراق ابا عبدالله علیه السلام ..... ۲۴
- جلسه دوم: نماز سند معرفی اهل تقوا، مؤمنین و انبیاء ..... ۲۷
- آشنایی و اتصال با نمازگزار ..... ۲۹



هشت امتحان الهی (تفسیر آیه ۸۳ سوره بقره)

- ۲۹ ..... ایمان و یقین به غیب و ویژگی مؤمنین و اهل تقوا.
- ۳۰ ..... خردورزی، از ویژگی‌های بارز مؤمنان.
- ۳۱ ..... شناساندن خدا اولین وظیفه انبیاء.
- ۳۱ ..... محور اصلی آیات سوره‌های مکی.
- ۳۲ ..... نیاز همه موجودات عالم به آفریننده و محرک.
- ۳۲ ..... دقت در آفرینش همه موجودات.
- ۳۳ ..... ویژگی‌های اهل تقوا.
- ۳۴ ..... استمرار متقین بر نماز تا لحظه مرگ.
- ۳۴ ..... معانی مختلف یقین.
- ۳۵ ..... یک مسئله فقهی در خصوص نماز.
- ۳۵ ..... تربیت نماز محور در خاندان عصمت.
- ۳۵ ..... نماز از خصلت‌های اهل تقوا و مؤمنان.
- ۳۶ ..... نمونه‌ای از مراتب بالای تقوا.
- ۳۸ ..... مسئله رویگردانی از نماز.
- جلسه سوم: اعمالی که ترک آنها موجب عذاب غیر قابل تخفیف ..... ۴۱**
- ۴۴ ..... مسئولیت اعمال هر شخص با خود شخص.
- ۴۵ ..... مودت با اهل بیت، پاداش رسالت پیامبر اسلام ﷺ.
- ۴۵ ..... پاداش همه انبیاء به عهده خداوند.
- ۴۶ ..... بررسی معنای مودت.
- ۴۷ ..... حکم شراب.
- ۴۷ ..... اقتدا به اهل بیت و پرداخت پاداش رسالت پیامبر ﷺ (بازگشت به موضوع اصلی).
- ۴۸ ..... بی‌نماز، در قیامت هم نمی‌تواند سجده کند!



## فهرست مطالب

- ۴۹ ..... فایدهٔ پرداخت پاداش رسالت پیامبر ﷺ
- ۵۰ ..... فطرت انسان، جهت‌گیری به‌سوی خداوند متعال
- ۵۱ ..... خدا همیشه یک دین داشته است
- ۵۲ ..... معنای درست احسان
- ۵۲ ..... نتیجه رویگرانی از خواسته‌های الهی
- ۵۳ ..... ماجرای گریهٔ پیامبر اسلام ﷺ
- ۵۴ ..... «لَا يَوْمَ كَيْومِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ»
- ۵۵ ..... **جلسه چهارم: مالک حقیقی**
- ۵۷ ..... آفرینش انسان، آفرینشی بر اساس مملوکیت
- ۵۷ ..... انسان در دنیا مالک هیچ چیز نیست
- ۵۸ ..... اگر میتوانی کاری کن خورشید از مغرب طلوع کند
- ۵۹ ..... ادب مملوک در برابر مالک
- ۶۰ ..... توصیهٔ امام حسین علیه السلام برای کسی که می‌خواست گناه نکند
- ۶۱ ..... تنها خالق، خداوند است
- ۶۱ ..... همه اراده‌ها و توانایی‌ها از جانب خداست
- ۶۲ ..... مملوکیت و مربوبیت ما پیمان پروردگار
- ۶۳ ..... وجود انسان، پیمان بندگی است
- ۶۴ ..... پیمان با بنی‌اسرائیل (کل انسان‌ها) در آیه ۸۳ سورهٔ بقره
- ۶۵ ..... علت دستور خداوند به حضرت موسی علیه السلام در خصوص سخن نرم با فرعون
- ۶۶ ..... فراق حضرت فاطمه زهرا علیه السلام
- ۶۹ ..... **جلسه پنجم: اهمیت و جایگاه نماز (۱)**
- ۷۱ ..... نماز و تسبیح کل موجودات هستی



هشت امتحان الهی (تفسیر آیه ۸۳ سوره بقره)

- ۷۱ ..... دعای دائمی برای مؤمنان نمازگزار
- ۷۲ ..... عدم تخفیف در عذاب روی گردانان از نماز
- ۷۲ ..... علت نماز نخواندن روی گردانان از نماز
- ۷۳ ..... علاقه به نماز از توفیقات الهی
- ۷۴ ..... معنای صحیح شکر
- ۷۵ ..... بی نماز بیماری کبرِ ابلیسی دارد
- ۷۶ ..... عدم تخفیف در عذاب بی نماز و بی بار بودن او در قیامت
- ۷۷ ..... آشنای قیامت، منبع عظیم مهربانی و محبت
- ۷۸ ..... اندازه ی بهشت
- ۷۹ ..... تمام هشت مقام بهشت در اختیار صدیقه کبری علیها السلام
- ۷۹ ..... اهمیت نماز
- ۸۰ ..... ارزش نماز مستحب برای اهل بیت
- ۸۱ ..... **جلسه ششم: سیر حرکت انسان از دنیا تا قیامت**
- ۸۳ ..... هر جا عبادت نباشد، فساد حاکم است
- ۸۳ ..... درخواست انسان برای بازگشت به فنا و نیستی و مخالفت خداوند
- ۸۴ ..... درخواست انسان برای آزاد بودن و انجام هر کاری! و مخالفت خداوند
- ۸۵ ..... تفاوت چهره‌ها در قیامت!
- ۸۵ ..... تغییر قیافه مؤمنان قبل از ورود به بهشت
- ۸۶ ..... حسابرسی اعمال در قیامت
- ۸۷ ..... علت تشکیل دادگاه قیامت
- ۸۷ ..... مجرم باید جریمه شود
- ۸۸ ..... تنها راه نجات گوش دادن به اوامر الهی
- ۸۹ ..... محور اصلی دعای اولیاء خدا





## فهرست مطالب

- ۸۹ ..... عبادت، بذر بهشت!
- ۹۰ ..... روشنایی راه بهشت برای اهل ایمان و عبادت
- ۹۱ ..... عاقبت کشت بذر فساد در دنیا
- ۹۲ ..... هرچه بکاریم همان را درو می‌کنیم
- ۹۳ ..... از بین بردن بذر فساد قبل از تبدیل شدن به آتش جهنم!
- جلسه هفتم: اهمیت نماز (۲) و نظام پاداش و عذاب در قیامت** ..... ۹۵
- ۹۷ ..... ضرر رساندن به خود حرام است!
- ۹۸ ..... از صفات بارز خداوند، ظلم نکردن خداوند به بندگان
- ۹۹ ..... مقدار پاداش مؤمنان و کیفر بدکاران
- ۹۹ ..... سه گروه عذاب مضاعف دریافت می‌کنند!
- ۱۰۲ ..... استخاره برای ازدواج!
- ۱۰۲ ..... امر به اقامه نماز
- ۱۰۴ ..... پانزده نشانه اهل صدق و تقوا در آیه ۱۷۷ سوره مبارکه بقره
- ۱۰۴ ..... اهمیت مسجد
- ۱۰۵ ..... شهادت جان‌سوز حضرت علی اصغر علیه السلام
- جلسه هشتم: پرستش غیر خدا خسران محض و احسان به والدین** ..... ۱۰۷
- ۱۰۹ ..... آیاتی از قرآن فقط مخصوص نماز!
- ۱۱۰ ..... معنای لفظ جلاله «الله»
- ۱۱۱ ..... زور تو به یک پشه هم نمی‌رسد
- ۱۱۱ ..... ماجرای ابلیس و ادعای خدایی کردن فرعون!
- ۱۱۲ ..... ماجرای عین الدوله و دو گدا
- ۱۱۴ ..... پرستش خداوند، پادشاهی است



## هشت امتحان الهی (تفسیر آیه ۸۳ سوره بقره)

- ۱۱۴..... نیکی به والدین
- ۱۱۶..... به بهشت رفتن مردم مؤمن
- جلسه نهم: جایگاه خاص نماز در بین عبادات و بررسی اجزاء نماز..... ۱۱۹**
- ۱۲۱..... نماز بالاترین عمل
- ۱۲۲..... اصول الهی موجود در تشهد و سلام نماز
- ۱۲۳..... عظمت سوره مبارکه حمد
- ۱۲۴..... احتجاجی با مذاهب چهارگانه اهل سنت
- ۱۲۴..... ادامه داستان دانشمند سنی افغانی
- ۱۲۵..... عظمت نماز جماعت با ۱۱ نفر!
- ۱۲۶..... دو روایت مهم در خصوص قدرت نماز!
- ۱۲۷..... بار معنوی نماز
- ۱۲۸..... قبولی نماز، شرط قبولی باقی عبادات
- ۱۲۸..... سجده بر تربت ابی عبدالله علیه السلام
- ۱۲۹..... دفن پیکر مطهر شهدای کربلا
- جلسه دهم: هدف خدا از امتحان، علم به وضعیت بندگان نیست..... ۱۳۱**
- ۱۳۴..... مفهوم امتحان الهی
- ۱۳۵..... پاداش قبول شدگان و تکلیف رد شدگان در امتحان خداوند
- ۱۳۶..... امتحانات الهی موجود در آیه ۸۳ سوره بقره
- ۱۳۶..... اولین امتحان آیه ۸۳ سوره بقره: عبادت ویژه خداوند
- ۱۳۶..... اجابت دعوت نامشروع، عبادت غیر خداوند و شرک است
- ۱۳۷..... گناه بعد از شیمانی بخشیده می شود ولی شرک هرگز
- ۱۳۸..... اجابت دعوت حق، عبادت خداوند است



## فهرست مطالب

- ۱۳۹..... چه کسی مشرک به حساب می‌آید؟
- ۱۴۰..... اجابت دعوت نامشروع، عبادت ابلیس است
- ۱۴۰..... دومین امتحان الهی در آیه ۸۳ سوره بقره، احسان به والدین
- ۱۴۱..... رسیدگی به ذی القربی، ایتم و مساکین
- ۱۴۱..... هفتمین و هشتمین امتحان الهی، اقامه نماز و پرداخت زکات
- ۱۴۲..... عاقبت روی گردانی از امتحانات الهی
- ۱۴۲..... لطف و کمک از جانب خدا و پاداش برای بنده!
- ۱۴۳..... چند روز قبل از شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام





جلسه اول

شناخت نماز و آثار آن



آخرین باری که در این خانه خدا و بعد از نماز با عظمت صبح که در بین نمازهای شبانه روز یک نماز خاصی است یک نماز ویژه‌ای است، با همدیگر صحبت می‌کردیم صحبتیمان، حرفمان، سخنمان، درباره نماز بود.

### همه موجودات عالم در حال نماز و تسبیح

این عبادتی که بر اساس قرآن تمام فرشتگان الهی در مدارش هستند، گرچه ما نمی‌فهمیم ولی تمام موجودات اهلش هستند. کتاب خدا می‌فرماید کل موجودات هم در تسبیح هستند هم در نماز هستند. تسبیح یعنی چه؟ یعنی همه موجودات عالم بی‌استثنا، این بی‌استثنا در سوره مبارکه اسراء است، یعنی حتی یک سنگریزه، حتی یک عنصر کوچک‌تر از سنگریزه، حتی یک عنصری که با چشم دیده نمی‌شود، عنصری که با چشم مسلح هم دیده نمی‌شود، همه تسبیح خدا را دارند. یعنی پروردگار عالم را از هر عیب و نقصی ستایش می‌کنند. می‌گویند خدا، آفریننده و به وجود آورنده ما، کمبود و نقصی ندارد. البته این تسبیح موجودات، در نمازهای شبانه روز ما هم هست، در رکوع و سجود، در رکعت‌های سوم و چهارم.



## معرفت به معانی اذکار و آیات قرآن در نماز

و چقدر زیباست نمازگزار به معانی قرآن، قبل از ورود به نماز معرفت پیدا کند. وقتی نمازگزار به رکوع می‌رود می‌گوید «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» وقتی به سجده می‌رود می‌گوید «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ» به او اجازه می‌دهند وارد رکعت سوم بشود و بگوید «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» بفهمد که وجود مقدس او از هر کمبود و عیبی پاک است، پس این کمبودها و عیب‌ها کار کیست؟ قرآن مجید می‌فرماید کمبودها و عیب‌ها که باعث مشکلاتتان می‌شود، باعث سختی و رنجتان می‌شود، گاهی باعث آبروریزی می‌شود، از خودتان است، «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ»، هر چه خوبی در این عالم است از سوی من است، «وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ» هر چه مشکل و کمبود است، عیب و نقص است، تیره‌بختی، شقاوت و جهنمی شدن است از جانب خودتان است.

## عدم دیدن و شنیدن به معنای عدم وجود نیست

کل موجودات بی‌استثنا اهل تسبیح نماز هستند، خب تسبیحشان را ما نمی‌شنویم. ما یک سنگریزه را می‌بینیم که جماد است حرکت، سخن و زبانی ندارد؛ ما نمی‌بینیم، نمی‌فهمیم ولی وقتی پروردگار عالم در قرآن می‌فرماید همه تسبیح‌گوی هستند. «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»<sup>۱</sup> یا می‌فرماید «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ»<sup>۲</sup> شما متوجه نمی‌شوید، این که شما متوجه نمی‌شوید دلیل نمی‌شود که تسبیحی در موجودات وجود ندارد. مگر هر چه را ما متوجه نمی‌شویم یا نمی‌بینیم، یا نمی‌فهمیم نیست؟! مگر ملاک موجود بودن هر چیزی چشم ماست؟ چه کسی گفته؟ یک‌زمانی تقریباً

۱. نساء: ۷۹.

۲. جمعه: ۱؛ تغابن: ۱.

۳. اسراء: ۴۴.





از اوایل قرن نوزدهم میلادی به عللی عالمان اروپا گرفتار این مسئله شدند که هر چه را ما نمی‌بینیم وجود ندارد. یعنی تمام حقایق غیرقابل مشاهده را منکر شدند، حتی گفتند ما یک کسی را که شکم، قلب، مغز و کلیه‌اش را عمل می‌کنیم، می‌بینیم این حرکتی که در بدن هست حرکات فیزیکی و شیمیایی است بنابراین مسئله‌ای به نام روح وجود ندارد چون ما نمی‌بینیم ولی بعد از مدتی خودشان فهمیدند حرفشان غلط و اشتباه است. در همین عالم طبیعت انرژی‌هایی هست که سودرسانی می‌کند ولی این‌ها نمی‌بینند اما آثارش در عالم هست. چشم، هیچ روزگاری ملاک نبودن موجودات و حقایق عالم وجود نبوده، گوش هم همین‌طور؛ شما الآن در این مسجد نشستید چه صدایی را می‌شنوید یک صداست آن‌هم صدای گوینده است، یک معلمی دارد درس قرآن و روایت می‌دهد. شما این صدا را می‌شنوید، اما آیا صداهای دیگری که ما نمی‌شنویم وجود ندارد؟ شما الآن قوی‌ترین گیرندگی را از صدای و سیما بگویید بیاورند در این مسجد بگذارند متخصص هم کنارش بنشینند شروع کند دکمه‌ها را این طرف و آن طرف کردن، همین‌جا می‌شنوید از صد و هشتاد کشور دارد صدا پخش می‌شود و این صداها همه در مسجد است ما نمی‌شنویم، صدای برخورد سنگ‌های آسمانی با جو زمین که اگر یک دانه‌اش را ما بشنویم نه اینکه گوشمان پاره می‌شود اصلاً رگ قلبمان هم پاره می‌شود ولی ما نمی‌شنویم. این که صدایی را ما نشنویم بگوییم پس وجود ندارد این یک حرف دروغی است یا چیزی وجود دارد می‌گوییم چون من نمی‌بینم پس نیست. این حرف دروغی است، درحالی که خود آن‌هایی که می‌گویند چیزی که نمی‌بینیم نیست در حول و حوش خودشان خیلی چیزها هست که نمی‌بینند، ولی به دروغ می‌گویند نیست در یک کتاب علمی می‌خواندم، که در این تپه‌های خاکی در بیابان‌ها و جاده‌ها، موجود زنده زندگی می‌کند ولی بعضی از این موجودات زنده این قدر ریز هستند که به چشم ما نمی‌آیند تعدادشان هم خیلی زیاد است این‌ها را خیلی الآن راحت اندازه‌گیری می‌کنند، نوشته بود اگر ما پنج شش میلیارد جمعیت کره زمین وارد این تپه بشویم و بعد از یکی دو ساعت هر شش میلیارد بیرون بیاییم تعداد موجودات تپه‌ها این قدر زیاد است که نه رفتن ما در خودشان را می‌فهمند و نه خارج شدنمان را. یعنی ما هفت میلیارد پیش آن‌ها عددی نیستیم.

## نماز کل موجودات عالم از درخت گرفته تا رعد و برق

این که ما تسبیح موجودات را نمی‌شنویم و نمی‌فهمیم دلیل بر این است که نیست؟ یا تسبیح موجودات را نمی‌بینیم در وجودشان، ما می‌بینیم سنگ است کوه است ابر است، رعد و برق است. همه این‌ها را قرآن می‌گوید تسبیح می‌کنند ولی ما نمی‌شنویم و زبان‌شان را نمی‌بینیم حرکاتشان را نمی‌بینیم اما موجودند هم تسبیح‌گوی هستند و هم اهل نماز هستند. این اهل نماز را آیات سوره نور می‌گوید و جالب این است که پروردگاری که جهان را آفریده می‌فرماید کل این موجوداتی که تسبیح می‌گویند و نماز دارند ﴿كُلُّ قَدْعَلِيمٍ صَلَاتُهُ وَتَسْبِيحُهُ﴾ هم آگاه به تسبیح خودشان هستند و هم معرفت به نمازشان دارند. یعنی درختی که دارد تسبیح می‌گوید و نماز می‌خواند - که اسم هم می‌برد پروردگار، شجر، تسبیح دارد، نماز دارد - خودش تسبیح و نمازش را می‌فهمد، این نظام عالم خلقت است.

## انواع متفاوت نماز برای انواع موجودات

نماز به کل ملائکه و موجودات عالم داده شده و به جنس دو پا هم ارائه شده؛ این را من از نهج البلاغه می‌گویم، فرقی که بین نماز ما و نماز فرشتگان و جن و کل موجودات هست این است که نماز ما انسان‌ها کامل‌ترین نماز است یعنی فرشتگان هم نمونه نماز ما را ندارند. این دو رکعت نمازی که صبح خواندید را فرشتگان ندارند. پروردگار عالم لطفی به انسان کرده، عنایت و محبتی به انسان کرده که نمازی که به او ارائه کرده یک نماز کامل است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید نماز بخشی از فرشتگان فقط قیام است، نماز بخشی فقط رکوع است، نماز بخشی فقط سجود است، نماز بخشی فقط تشهد است اما این نمازی که به انسان داده یک نماز جامع، کامل و فوق‌العاده و ویژه است. طبق آیات قرآن نماز برای کل



موجودات است. برای فرشتگان و اجنه است. جن مؤمن، چون در قرآن هست جن هم مثل انسان مؤمن و کافر دارد.

حال این نمازی که برای کل موجودات است، اگر من انسان بیایم بگویم نماز نمی‌خوانم، من نماز فقط مخالفت با خدا نیست پشت کردن به کل موجودات عالم و غریبه شدن و بیگانه شدن با آنهاست.

### معنی عرش الهی

آنهایی که نماز می‌خوانند آشنای با کل فرشتگان اند و فرشتگان دعایشان می‌کنند. من آیات دعای فرشتگان را نخوانم چون بخوانم و معنی بکنم دو سه روز طول می‌کشد ولی آدرس می‌دهم بعد از منبر می‌توانید ببینید جزء بیست و سوم قرآن، آیات هفتم تا دهم سوره مؤمن<sup>۱</sup>. آیه هفت می‌گوید هر چه فرشته عرش خدا را حمل می‌کند، عرش خدا یعنی تدبیر خدا. کلمه عرش در فارسی به معنی تخت است، تخت حکومت، که در سوره نمل است حضرت سلیمان علیه السلام وقتی که هدهد گفت من از یک جوی پرواز می‌کردم که پادشاه آن کشور زن بود و یک عرشی داشت یعنی تخت که نمونه این تخت را من هیچ جا ندیدم. حضرت سلیمان علیه السلام به بارگاه نشینانش برگشت گفت **﴿أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بَعْرَشَهَا﴾** عرش یعنی تخت، اما عرش خدا نه به معنای تخت است به معنای تدبیر و فرمانروایی و حکومت پروردگار بر همه عالم هستی است که خدا تدبیرش را - که در عالم چه جریاناتی صورت بگیرد - بخشی از آن را روی دوش فرشتگان گذاشته. **﴿فَالْمُدِيرَاتِ أَمْرًا﴾** تدبیر کنندگان امر من، یعنی یک مسئولیت‌هایی دارند که اراده و تدبیر خدا را به جریان بیندازند. مثلاً پروردگار عالم اراده کرد یک خانمی در این عالم بدون شوهر کردن بچه‌دار بشود، این تدبیر خدا، اما حالا این تدبیر را چه کسی به جریان انداخت؟

۱. نام دیگر سوره غافر.

۲. نمل: ۳۸.

۳. نازعات: ۵.

در سورهٔ مریم می‌خوانید که حضرت مریم علیها السلام در خلوت عبادتش **﴿فتمثل لها بشرا﴾**، یک‌مرتبه یک انسان نامحرمی را در مقابل خودش دید، گفت من پناه می‌برم به خدا ای مرد، من زنی هستم که نامحرمی با من تماس نداشته. گفت مریم من مأمور پروردگارم، که به تو فرزند بدهم، این فرشته تدبیر خدا را به جریان انداخت. حاملان عرش یعنی آن‌هایی که تدبیر الهی را در کل هستی به جریان می‌اندازند، یعنی بالاترین فرشتگان‌اند.

### دعای مداوم فرشتگان ویژهٔ عرش خداوند برای دو طایفه

بالاتر از تدبیر و فرمانروایی خدا نیست. در آیهٔ هفتم سوره مؤمن پروردگار می‌فرماید، این فرشتگان ویژهٔ انتخاب‌شده به دو طایفه دائم دعا می‌کنند نه یک‌بار، بلکه دائم در حال دعا هستند. یک دعا به مردم مؤمن است، خب مؤمن چه کسی است؟ ما در آیات قرآن مجید وقتی که خدا مؤمن را معرفی می‌کند دقت می‌کنیم مؤمن این است: **﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾** مؤمن هم ایمان باطنی دارد یعنی خدا و قیامت را باور دارد و هم ایمان بیرونی دارد ایمان بیرونی یکی نماز است، دیگر ایمان بیرونی هم واجبات دیگری است که دارد انجام می‌دهد. نماز جلوهٔ ایمان است. فرشتگان حمل‌کننده تدبیر الهی به مردم مؤمن دعا می‌کنند. حالا آن کسی که نماز نمی‌خواند فرشتگان دعایش نمی‌کنند؟ کاری به او ندارند. دعا بکنند که چی؟ فرشتگانی که می‌دانند این مرد و این زن و این جوان و این دختر و این دولتی و این ملتی را خدا می‌خواهد ببرد جهنم، چه دعایی بکنند؟ مگر آن‌ها خلاف خدا هم دعا می‌کنند؟! آن‌ها دعا می‌کنند برای کسانی که دعایشان اثر داشته باشد و نتیجه‌اش در وجود آن‌ها تجلی کند. ملائکهٔ عرش که خودشان را معطل نمی‌کنند به ترامپ و به اوباما و به یک‌مشت یهودی و به یک‌مشت صهیونیست و به یک‌مشت کافر و به یک‌مشت نزول‌خور و یک‌مشت دزد دعا بکنند برای چه به آن‌ها دعا بکنند؟ آن‌ها می‌دانند که خدا

۱. مریم: ۱۷.

۲. رعد: ۲۹.



این‌ها را هیزم جهنم قرار داده دعا بکنند یعنی چه؟ یعنی خدایا از آن اراده ازلی خود راجع به کافران چشم بپوش، اصلاً همچین چیزی نمی‌شود.

آن کسی که هم ایمان باطنی و هم ظاهری دارد یعنی عمل صالح دارد، فرشتگان دعایش می‌کنند. یعنی ما باید خیالمان طبق این آیه راحت باشد که هرروز تعدادش را که ما نمی‌دانیم حاملان عرش میلیونی هستند میلیاردی هستند عدد که خدا نداده، ولی یک تعداد عظیمی هرروز به ما دعا می‌کنند. این یکی از منافع نماز است.

## برقرار بودن رابطه دیدن و شنیدن و سخن گفتن میان اهل بهشت و جهنم

آن کسی که اهل نماز نیست و خدا هم در قرآن فرموده روز قیامت بهشتی‌ها با جهنمی‌ها رودررو می‌شوند که باهم حرف بزنند، در زمین محشر؟! نه، همه جهنمی‌ها که رفتند جهنم بهشتی‌ها که رفتند بهشت خدا، بین بهشتی‌ها و جهنمی‌ها هم رابطه دیدن و هم رابطه حرف زدن برقرار می‌کند. خود جهنمی‌ها بهشتی‌ها را که می‌بینند با بهشتشان از عذاب جهنم بیشتر می‌سوزند که برای سی چهل سال گناه و لذت نامشروع کجا را از دست داده‌اند، خود این یک عذاب است. این که پروردگار پرده بهشت را کنار می‌زند بهشتی‌ها جهنمی‌ها را ببینند، جهنمی‌ها بهشتی‌ها را ببینند یک خوشحالی اضافه برای بهشتی‌ها است، چون عذاب‌های هفت طبقه را که می‌بینند چقدر شاد می‌شوند که کاری کردند گیر این هفت طبقه نیفتند و اما جهنمی‌ها بهشتی‌ها را که می‌بینند که برای چهل پنجاه سال لذت شکم و شهوت خودشان را درگیر کجا کردند و کجا را از دست دادند چه عذابی می‌کشند.

## ترک نماز موجب جهنمی شدن

در این رودرروی بهشتی‌ها از دوزخیان سؤال می‌کنند، ﴿مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ﴾ سَقَر یکی از طبقات بسیار رنج‌آور جهنم است که عذاب سقر خیلی عذاب سنگینی است به آن‌ها می‌گویند

چه دلیلی، چه کاری، چه حرکتی، این حرف «ما» حرف سؤالی است «ما سَلَكُكُمْ فِي سَقَرٍ» چه چیزی شمارا وارد دوزخ کرد؟ این‌ها چهارتا جواب دادند که در قرآن است من اولین جوابشان را بگویم سه تای دیگر باشد برای یک وقت دیگر، به بهشتی‌ها می‌گویند ﴿قَالُوا لَوْ أَنكَ مِنَ الْمُصَلِّينَ﴾ نماز نخواندیم. این معنی‌اش یعنی چه؟ معنی‌اش این است که آن کسی که نماز نمی‌خواند نه در فرشتگان و در انبیا کمک دارد، نه در ائمه، جنّ مؤمن و مردم مؤمن یار دارد، چون در قیامت هم فرشتگان، هم جن، هم انبیا، هم ائمه، هم مؤمنین، دارند نگاه می‌کنند که بی‌نماز را به جهنّم می‌برند و هیچ عکس‌العملی نشان نمی‌دهند.

### سختی‌های دنیایی اهل ایمان و کافران

خیلی ساده بخواهیم بگوئیم وقتی ملائکه، انبیا، ائمه، مؤمنین می‌بینند دارند یک بی‌نمازی را به جهنّم می‌برند می‌گویند به درک که دارند می‌برند، چشمت کور می‌خواستی خدا را بندگی کنی، یار ندارند. بی‌نماز یعنی بی‌یار، این‌ها نه از جنس فرشتگان یار دارند نه از جنس جن، نه از جنس آدمیان. قیامت یار ندارند و در دنیا هم دعاگو ندارند. لذا شما یقین بدانید گرفتاری‌های دنیایی ما خیلی کمتر از بی‌دین‌ها و کافرهاست این یک خرده گرفتاری هم که ما در دنیا داریم اشتباه خودمان است، اگر طمع نکنیم، حرص نخوریم، حسادت نکنیم و بخل نورزیم ما هم گرفتار نمی‌شویم ولی گرفتاری‌های اهل ایمان خیلی کم است. بعضی از مردم مؤمن هم که گرفتاری ندارند، یعنی آن اتصالی که به پروردگار دارند آن‌هایی را که دیگران گرفتاری می‌دانند آن‌ها گرفتاری نمی‌دانند آن‌ها اگر گرفتاری داشته باشند آن گرفتاری‌ها را مردم به آن‌ها تحمیل می‌کنند ابداً تولید خودشان نیست، تولید مردم بدکار است.

### بی‌نماز، از کل موجودات بیگانه است

«كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ» کل موجودات نماز دارند. بی‌نماز یعنی بیگانه از کل موجودات، یعنی یک وصله ناهماهنگ، یک وصله ناجور، ملائکه عرش و حول عرش برای مردم



مؤمن، مؤمن در قرآن یعنی آن کسی که ایمان قلبی و عملی دارد، دعا می‌کنند بی‌نماز دعاگو ندارد. وقتی در قیامت بی‌نماز را می‌کشند ببرند جهنم یک فرشته، یک پیغمبر، یک امام بالایش در نمی‌آید، چون بیگانه است، انگار ملائکه، انبیا و ائمه این فرد را نمی‌شناسند، یک تافته جدا بافته است.

### مقام نماز و شفاعت در قیامت

این مقام نماز است که ببینید همین دو رکعت نماز صبح هشت رکعت نماز ظهر و عصر، هفت رکعت نماز مغرب و عشا با ما چه کار می‌کند؟ چه می‌کند: اولاً همه فرشتگان عرش دعاگوی ما هستند، ثانیاً در قیامت نمازخوان اگر یک مشکلی در پرونده‌اش باشد چون فرشتگان به اهل ایمان، انبیا و ائمه علاقه دارند، فرشتگان برمی‌گردند به خدا می‌گویند: ﴿رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ﴾<sup>۱</sup> خدایا ما از تو می‌خواهیم این‌ها را به بهشت ببری، این‌ها حالا یک‌گیر در پرونده‌شان دارند برای تو قابل‌بخشش است. بی‌نماز را نمی‌بخشی اما این بنده‌ات که یک عمری نماز خوانده، یا انبیا و ائمه شفاعت می‌کنند و خود قرآن هم شفاعت می‌کند، وقتی قرآن مجید در بیش از صد آیه مسئله نماز را مطرح می‌کند و من آدمم به حرف قرآن گوش دادم و نماز خواندم، تا آخر عمرم خود قرآن شفیع من می‌شود «فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُّشَفِّعٌ»<sup>۲</sup> در اصول کافی آمده است پیغمبر می‌فرماید قرآن، در قیامت شفاعت می‌کنند و خدا هم شفاعت قرآن را قبول می‌کند. این دورنمایی از نماز بود، که ببینید ما را به کجاها وصل می‌کند به چه منابع دعایی وصل می‌کند. ما را به شفاعت قرآن و انبیا وصل می‌کند ما را آشنای همه موجودات قرار می‌دهد. تا ببینیم نگاه قرآن کریم به نماز چه چیزی است.

۱. غافر: ۸.

۲. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۵۹۹.

### روضه حضرت زینب علیها السلام در فراق اباعبدالله علیه السلام

«أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَ قُدْسِكَ وَ أَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَ أَسْمَائِكَ أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً، وَ بِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً (وَ أَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً، حَتَّى يَكُونَ أَعْمَالِي وَ أَوْرَادِي كُلُّهَا وَرِدًا وَاحِدًا، وَ حَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا)».

گریه می کند و با خدا حرف می زند تا به اینجا می رسد:

«يَا رَبِّ قُوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَ اشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي وَ هَبْ لِي الْجِدَّ فِي خَشْيَتِكَ وَ الدَّوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ حَتَّى أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ وَ أُسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ (المبارزين) وَ أَشْتَأَقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُسْتَأَقِينَ وَ أَدْنُو مِنْكَ دُنُوًّا

الْمُخْلِصِينَ وَ أَخَافُكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ وَ أَجْتَمِعُ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ»<sup>۱</sup>.

خدایا ما هم دلمان می خواهد قیامت کنار پیغمبرت صلی الله علیه و آله باشیم، کنار امیرالمؤمنین علیه السلام باشیم، کنار صدیقه کبری علیها السلام و امام مجتبی علیه السلام و ابی عبدالله علیه السلام باشیم «وَ أَجْتَمِعُ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ». دیگر برای زینب کبری علیها السلام یقین شده که این بار که ابی عبدالله علیه السلام به میدان می رود دیگر بر نمی گردد ابی عبدالله علیه السلام آرام آرام دارد می رود حضرت زینب علیها السلام روی خاک نشست:

کجا رفتی که رفت از دیده ام دل	به دنبال غمت منزل به منزل
کجا رفتی که خونم خورد هجران	کجا رفتی که کارم گشت مشکل
به دریایی فکندی خویشتن را	کزان موجی نمی آید به ساحل
الا ای هم نشین دل کجایی	نمی دانی مگر حال من و دل

۱. مصباح المتهجد، شیخ طوسی ص ۸۴۴ / إقبال الأعمال، سید ابن طاووس، ص ۷۰۶ / مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، ص ۶۲ (دعای کمیل).





## جلسه اول / شناخت نماز و آثار آن

حدود پانزده شانزده ساعت برادر را ندید اول طلوع آفتاب صبح یازدهم وقتی میان بیابان، آمد بچه‌ها دیدند عمه حالت جست‌وجو دارد خدایا عمه چی گم کرده؟ آگه از او می‌پرسیدند عمه چی گم کردی جواب می‌داد:

گلی گم کرده‌ام می‌جویم او را      به هر گل می‌رسم می‌بویم او را  
اگر جویم گلم در این گلستان      به آب دیدگان می‌شویم او را

خدایا همه گذشتگان ما را غریق رحمت بفرما. شهدای آتش‌نشانی، حرم، جنگ و ایام دهه فجر قبل از انقلاب را غریق رحمت بفرما خدایا ما و زن بچه‌ها و نسل ما را از نماز جدا نکن، آثار نماز را به ما مرحمت بفرما، امام زمان را دعاگوی ما قرار بده.





جلسہ دوم

نماز سب معرفی اہل تقوا،

مؤمنین و انبیاء



يك بحث را درباره نماز شنديد بحثی كه از آیات كتاب خدا و روایات اهل بیت استفاده می شود كه شخص نمازگزار در این جهان هستی يك انسان آشنایی است، آشنای با ملائكه، آشنای با جن مؤمن، آشنای با همه موجودات عالم هستی به چه صورت آشناست؟

### آشنایی و اتصال با نمازگزار

فرشتگان همه اهل نمازند، جن مؤمن، چنانچه در سوره جن می خوانیم اهل نمازند، تمام درختان و موجودات زنده، چنانچه در سوره نور می خوانیم اهل نمازند، پس يك نمازگزار در صف همه موجودات عالم است و با نمازش متصل و آشنا است.

بحث دیگری كه در قرآن است و در نماز مطرح است این است كه پروردگار مهربان عالم در بخشی از آیات قرآن صفات انبیاء، اولیاء و مؤمنان را كه بیان می كند كه نماز از جمله ویژگی های همه انبیاء، مؤمنان و اولیائش است. چند آیه در این زمینه برای نمونه برایتان قرائت كنم.

### ایمان و یقین به غیب و ویژگی مؤمنین و اهل تقوا

سوره مباركه بقره دومین سوره قرآن است، آیه دوم سوره بقره بعد از «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ﴿الر﴾ «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» این آیه دوم است، این قرآن

۱. بقره: ۱ تا ۳. ﴿الر﴾ «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...﴾

نسخه مفیدی برای اهل تقواست، داروی هدایت برای اهل تقواست، بعد خود پروردگار «مُتَّقِينَ» را در آیه سوم معرفی می‌کند، «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» یک ویژگی اهل تقوا این است که خداپاور هستند، یعنی در این زمینه هیچ شکی ندارند. در سوره حجرات می‌خوانیم ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَرْتَابُوا﴾ مؤمنان واقعی هیچ تردیدی نسبت به خدا و پیامبر ﷺ ندارند علتش هم این است که این‌ها اهل انصاف، عقل، مطالعه، تحقیق و گوش دادن هستند، این‌ها همه در قرآن است.

### خردورزی، از ویژگی‌های بارز مؤمنان

مؤمنان واقعی اهل خرد هستند نزدیک به هزار آیه درباره خردورزی در قرآن است، که کمتر از پنج دقیقه فکر می‌کنند این عالم این آدم، به دست خودش به وجود آمده؟! یعنی جهان باعث به وجود آمدنش خودش بوده؟! این حرف صد درصد غلط است، اگر بگوییم بله خودش بوده این به این معنی است که جهان بوده، بعد باعث شده که خودش را بسازد. اگر بوده دیگر ساختن خودش لازم نیست، بود. این آدم خودش را ساخته اگر منظور از خودش را ساخته یعنی بوده، اگر بوده چه نیازی داشته خودش را بسازد؟! الآن ما همه بودیم و فکر بکنیم که خودمان خودمان را ساختیم، اگر این حرف راست باشد که ما خودمان خودمان را ساختیم یعنی ما بودیم و بعد خودمان نشستیم خودمان را ساختیم. اگر بودیم که دیگر ساختن خود لازم نیست، در نتیجه جهان خودش را نساخته چون معنی ندارد. آدم خودش را نساخته چون این حرف دروغ است پس يك کسی بوده که سازندگی کرده؛ آن کسی که سازندگی کرده کیست؟ اولش آدم نمی‌شناسد فقط می‌فهمد که یک کسی سازنده عالم و آدم است. این را می‌فهمد و به قول علمای بزرگ فهم این مسئله فطری است یعنی هرکسی چند لحظه فکر بکند به این نتیجه می‌رسد که جهان عالم، سازنده دارد، این سازنده چه کسی هست؟ این را ما نمی‌توانیم بشناسیم.



## شناساندن خدا اولین وظیفه انبیاء

پروردگار عالم محبت کرده صد و چهارده کتاب فرستاده، صدویست و چهار هزار پیامبر فرستاده است. کار اول این‌ها این بوده که خدا را بشناسانند. کار اولشان این نبوده مردم را به زیارت کعبه، نماز، روزه، و واجبات دعوت بکنند. شما جزء بیست و نهم و سی‌ام قرآن کریم را ببینید که در مکه نازل شده. سوره‌هایی که در مکه نازل شده را ببینید. سوره روم، عنکبوت و یس. در این سوره‌ها هیچ آیه‌ای وجود ندارد که خدا مردم را به دفعات دعوت به عبادت کرده باشد چون قبل از اینکه مردم خدا را بشناسند دعوت کردنشان به عبادت معنی نداشته. چه کسی را عبادت بکنند؟

## محور اصلی آیات سوره‌های مکی

محور بیشتر آیات سوره‌های نازل شده در مکه توحید، قیامت، اخلاق و یا تشویق به مطالعه در آثار خلقت است. مثلاً یکی از سوره‌هایی که در مکه نازل شده سوره غاشیه است که از سوره‌های بسیار مهم قرآن می‌باشد. این سوره دو بخش است: يك بخش سوره، راجع به قیامت است و بخش دیگر سوره راجع به پروردگار است که آن بخش مربوط به پروردگارش این آیات است: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ» ﴿١﴾ «وَأَلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ» ﴿٢﴾ «وَأَلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ» ﴿٣﴾ «وَأَلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ» ﴿٤﴾. دقت بکنید که شتر چگونه آفریده شده، این را فکر نکردید؟ چون عرب‌ها بیشتر با شتر سروکار داشتند پروردگار عالم از بین حیوانات آن روزگار مردم را دعوت به دقت به چهارپایی کرده که هرروز با او سروکار دارند «أَفَلَا يَنْظُرُونَ» آیا دقت نکردید شتر چگونه آفریده شده؟ چه چیزی بوده که از خاک شتر درست کرده و چه کسی بوده که این شتر را به گونه‌ای آفریده که هیچ جراثیمی در کره زمین دقیق‌تر از وجود شتر و فیزیکی‌تر از شتر نیست؟ این را دقت نکردید؟ دقت نمی‌کنید؟



## نیاز همه موجودات عالم به آفریننده و محرک

اگر درباره شتر دقت کنید دو مسئله درباره شتر مطرح است یا باید به این نتیجه برسید که شتر با این دقت در آفرینشش خودش خودش را ساخته که وقتی فکر می‌کنید می‌بینید نه این هم از یک نر و ماده به وجود آمده است. آن نر و ماده قبلی اش هم از نر و ماده دیگر به وجود آمدند تا برسد به نر و ماده اولی که آن‌ها را به وجود آوردند. آن نر و ماده اولی هم خودش را نساختند چون اگر نر و ماده اولی بودند همیشه بودند و بعد هم باید می‌بودند اما ما می‌بینیم که موجودات یک‌زمانی نبودند، یک‌زمانی هستند و یک‌زمانی هم نخواهند بود پس یک دستی هست که در زمانی که نبودند به وجودشان آورده زمانی که به وجود آورده کارگردانی کرده است و یک‌زمانی هم می‌برد ﴿هُوَ الَّذِي يَخْلُقُ وَيَمِيتُ﴾ همه چیز در عالم در چهارچوب حرکت است. نه فقط دانشمندان امروز، بلکه تمام دانشمندان تاریخ از روز پیدایش دانش تا الآن می‌گویند متحرک به محرک نیاز دارد. ماشین اگر بخواهد حرکت کند به موتور که محرکش است نیاز دارد. کارخانه اگر بخواهد بیافد و حرکت بکند سوزن‌هایش محرک می‌خواهند. در جهان، وجود ساکن وجود ندارد. کل جهان در حرکت است این حرکت، محرک می‌خواهد.

## دقت در آفرینش همه موجودات

«أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ» آیا دقت نمی‌کنید شتر چگونه آفریده شده؟ خودش که خودش را نساخته است. کسی هست که ساخته؛ چه کسی؟ آیا در مجموع این آسمان‌ها دقت نمی‌کنید که چگونه این کُرّاتی که میلیاردها میلیارد تن وزنش است بردند بالا در فضا رهایش کردند دور خودش می‌چرخد با منظومه‌اش می‌چرخد با کهکشانش می‌چرخد و نمی‌افتد. نه زنجیری دارد که به بالا بسته باشند نه ستونی دارد که رویش گذاشته باشند. دقت نمی‌کنید که چگونه است این همه کُرّات با میلیاردها میلیارد تن وزن در فضا قرار گرفته؟





دقت نمی‌کنید که زمین را چه کسی به این پهنی درست کرده که بتوانید رویش زندگی کنید جایتان تنگ نباشد؟ دقت نمی‌کنید که این کوه‌های به این سنگینی را چه کسی روی زمین نصب کرده و از زیر همه را به هم قفل زده که کره زمین در حرکت کردنش تکه‌پاره نشود؛ همیشه زلزله نداشته باشد؛ چه کسی این کار را کرده؟ ما تا اینجا را می‌توانیم بفهمیم که کسی بوده که این کارها را کرده از اینجا به بعدش را انبیا به ما معرفی می‌کنند که چه کسی این کار را کرده است.

### ویژگی‌های اهل تقوا

خب اهل تقوا چه کسانی هستند؟ «یؤمنون بالغیب» خدا باورند، در خدا شك نمی‌کنند. به دلیل این که در عالم خلقت مطالعه می‌کنند به این نتیجه می‌رسند که خلقت محرك دارد، به وجود آورنده دارد یا این که از طریق دلایل و براهین دنبال علم می‌روند و حکمت‌ها خدا را پیدا می‌کنند، یا این که می‌آیند به قول امیرالمؤمنین علیه السلام گوششان را وقف علم می‌کنند «وَقَفُوا أَسْمَاعَهُمْ عَلَى الْعِلْمِ النَّافِعِ لَهُمْ» با شوق می‌گردند ببینند کجا یاد می‌دهند می‌روند می‌نشینند، گوش می‌دهند، یاد می‌گیرند و باور در آن‌ها ایجاد می‌شود.

اهل تقوا هم خدا باورند هم قیامت باورند، قیامت باوری‌شان را در آیه بعد می‌گوید. اولاً خدا باورند «یؤمنون بالغیب». چقدر نماز مهم است که پروردگار بعد از خدا باوری نماز را مطرح می‌کند، اهل تقوا خدا باورند «و یقیمون الصلوة» چرا ترکیب آیه ترکیب با جمله مضارع است؟ مضارع یعنی آینده، ما خودمان هم در حرف‌هایمان راجع به آینده هر روز حرف می‌زنیم. همسرمان می‌گوید قند نداریم می‌گوییم می‌خریم یعنی همین دو ساعت دیگر پنج ساعت دیگر، بروم بازار بروم مغازه، این را می‌خرم، آینده است. می‌آیم، این آینده است این کار را انجام می‌دهم، این آینده است.



## استمرار متقین بر نماز تا لحظه مرگ

قرآن بعد از مطرح کردن خدا باوری می گوید «يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ»، «يُقِيمُونَ» دو تا دلالت دارد يك دلالت بر آینده دارد و يك دلالت بر استمرار دارد معنی اش این است که اهل تقوا بدون تعطیل همواره پیوسته نماز می خوانند. این همواره پیوسته نماز می خوانند تا کی؟ ده سال بیست سال، تا کی نماز می خوانند؟ تا کی نماز می خوانند را زیارت وارث به ما می گوید البته خود «يُقِيمُونَ» به ما می گوید تا کی، حالا روشن ترش در زیارت وارث است «أَشْهَدُ أَنَّكَ» خطاب به حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام است من با همه وجودم شهادت می دهم گواهم «أَشْهَدُ أَنَّكَ» ببینید تا کی نماز می خوانند؟ «قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَطَعْتَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ» شش تا مطلب است «أَقَمْتَ الصَّلَاةَ» «آتَيْتَ الزَّكَاةَ» «أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ» «أَطَعْتَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ»، این شش تا را تا کی انجام می دهند؟ «حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ» تا شمر سرت را از بدن جدا کرد این «حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ» یعنی تا آن لحظه ای که از دنیا رفتی.

## معانی مختلف یقین

یکی از اسامی مرگ یقین است. یقین فقط معنی اش باور نیست. لغات عرب خیلی سفره اش گسترده است. شما يك لغت در کتب لغت عربی می بینی (عین) عرب این لغت را هجده نوزده جا استعمال می کند. عین یعنی چشم. عین یعنی چشمه آب. عین یعنی يك وجود مشخص انسان. یقین هم همین طور است یقین يك معنی اش باور کردن است يك معنی اش هم مرگ است. امام حسین علیه السلام که نعوذ بالله در نماز و امر به معروف و نهی از منکر و اطاعت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله شك نداشته است تا بگوییم این یقین مقابل شك است. امام علیه السلام از وقتی به دنیا آمده باورهایش همه صد درصد بوده. او اهل تردید نبود پس یقین در اینجا کلمه اش مقابل شك و تردید نیست به معنی مرگ است همان که اهل لغت می گویند «يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ» یعنی اهل تقوا تا چه زمانی نماز می خوانند؟ تا وقت مرگ.



## یک مسئله فقهی در خصوص نماز

ما در فقه یک مسائل خیلی جالبی داریم. می‌گویند کشتی دارد غرق می‌شود سر کشتی که فرورفت در آب و مؤمن یقین کرد رفتنی است، چه ساعتی است؟ الان که کشتی دارد فرو می‌رود یعنی ده ثانیه دیگر آب کل کشتی را می‌گیرد کل مسافرها را می‌گیرد، مؤذن دارد می‌گوید «اللَّهُ أَكْبَرُ» حالا در کشتی رادیو یا یک تلفن همراه هست که مؤمن روی اذان تنظیم کرده و الان دارد می‌گوید «اللَّهُ أَكْبَرُ» حالا کجا برود وضو بگیرد کجا بایستد نماز بخواند، این یکی دو ثانیه دیگر خفه می‌شود، فقه ما می‌گوید باید نیت نماز ظهر کند و بمیرد چون اگر نیت نکند یک نماز ظهر گردش است. قیامت دادگاه دارد. اهل تقوا تا کی نماز می‌خوانند؟ تا لحظه مرگ.

## تربیت نماز محور در خاندان عصمت

روضه طفلان مسلم را زیاد شنیدید. اگر مسلم ابن عقیل این دو تا بچه را داشته و به دست مأموران ابن زیاد کشته شدند. دو تا پسر داشت که کربلا شهید شدند این دو تا که در حرم مطهر ابی‌عبدالله علیه السلام اسمشان جزو شهدا بالای سر قبر هفتادودو تن هست این یقینی است. دوتای دیگرشان ده دوازده‌ساله یا سیزده چهارده‌ساله بودند که در کوفه اسیر شدند نه در کربلا. با بابا بودند. شنیدید نوشتند که وقتی دیدند حارث مصمم بر این است که سر هر دوی‌شان را ببرد به او گفتند به ما مهلت بده ما نماز بخوانیم. بچه‌هایی که هنوز مکلف نشده بودند. یعنی در خاندان عصمت و طهارت این جور وابسته به نماز تربیتشان کرده بودند، گفتند سر ما را می‌خواهی ببری ببر اما به ما مهلت بده ما نماز بخوانیم.

## نماز از خصلت‌های اهل تقوا و مؤمنان

ما خیلی از شهدای عاشق ائمه طاهرین را در کتاب‌ها می‌بینیم که وقتی برایشان قطعی شد که می‌خواهند اعدامشان بکنند گفتند به ما مهلت بدهید ما نماز بخوانیم. پس نماز از خصلت‌های اهل تقوا و مردم مؤمن است. حالا اهل تقوا رده‌ای بالاتر از اهل ایمان هستند،

اهل ایمان گاهی يك لغزش‌هایی دارند ولی این‌هایی که رده‌شان خیلی بالاست قرآن می‌گوید «متقین» رده بعدشان مؤمنون هستند. خب مردم مؤمن: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾ اهل ایمان که حتماً خدا ما را می‌گوید حالا ما که درجه تقوایمان خیلی بالا نیست گاهی یک‌گیرهایی می‌کنیم.

### نمونه‌ای از مراتب بالای تقوا

يك نمونه از درجه تقوای بالا را برایتان بگویم که یکی از مشهورترین عالمان اهل تسنن (ابن ابی الحدید سنی) نقل می‌کند است رده‌اش هم سنی معتزلی است این آدم باینکه سنی بوده از نهج‌البلاغه خیلی خوشش آمده نشسته نهج‌البلاغه امیرالمؤمنین علیه السلام را شرح داده، شرحش دیدنی است. حالا در شرحش يك لغزش‌هایی هم دارد ولی باز غیر از لغزش‌هایش علمای بزرگ شیعه کارش را خیلی می‌پسندند. کار خیلی کار قوی است. این آخوند سنی يك جلد نهج‌البلاغه را در بیست جلد شرح داده و همه ما این شرح‌ها را داریم چون به این کتاب نیاز داریم.

این عالم سنی در این شرح نهج‌البلاغه نوشته عثمان يك غلامی داشت به غلامش گفت این کیسه پر از طلا را - حالا من نمی‌دانم يك کیسه پر از طلا یا دینار در قدیم يك کیلو بوده، نیم کیلو بوده، يك کیلو و نیم بوده. بالاخره يك کیسه پر از طلا الآن بیاورند من که خیلی راحت قبول می‌کنم، خیلی پول است، شیرین است - به غلامش گفت این کیسه پر از طلا را بردار ببر شنیدم ابوذر به نان شب محتاج است اگر این کیسه پر از طلا را به او بقبولانید که سه هزار مثقال بوده، سه هزار دینار یعنی می‌شود سه کیلو، چون مدینه بعد از فتح ایران و مصر و شامات ثروتش به آسمان کشید. گفت این سه کیلو طلا را ببر به ابوذر بقبولان که جلوی دهانش را ببندد دیگر این طرف و آن طرف ننشیند به ما انتقاد نکند داد



بکشد و علیه ما بگوید شما خلاف قرآن و پیامبر ﷺ و اسلام هستید. اگر قبولاندى من تو را آزاد مى‌کنم.

غلام هم خیلی خوشحال شد و در خانه ابوذر آمد. يك در چوبی کهنه بود. دو تا اتاق خشتی گلی در اوج تهی‌دستی ابوذر. ابوذر آمد دم در باز تأکید بکنم این را يك عالم سنی مشهور نوشته، غلام سه کیلو طلا را تعارف کرد، ابوذر گفت که برای خودت است گفت نه من پولم کجا بود اگر تو قبول بکنی من را آزاد مى‌کنند گفت برای چه کسی است؟ گفت شاه فرستاده، عثمان. این که نمى‌گویم خلیفه چون تمام روایات پیامبر ﷺ را ما داریم سنی‌ها هم روایات پیامبر ﷺ را دارند یکی از کتاب‌هایشان کنز العمال است من دارم، هجده جلد است هر جلدی پانصد صفحه است یعنی نزدیک ده هزار صفحه. فقط قال رسول الله ﷺ در آن است این یک کتابش است. کتاب صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابن ماجه، مسند احمد بن حنبل، مقطع مالک، همه این‌ها را من دیدم يك روایت در این مجموعه کتاب‌ها وجود ندارد که پیامبر ﷺ فرموده باشند بعد از من به این لفظ خلیفه من، یا ابوبکر یا عمر یا عثمان است. به لفظ خلیفه درباره این سه تا ما اصلاً روایت نداریم ولی تا دلتان بخواهد در کتاب‌های آن‌ها و کتاب‌های ما لفظ خلیفه در مورد امیرالمؤمنین ﷺ وجود دارد. در کتاب‌های آن‌ها من تا حالا هشتادوپنج تا روایت سنددار پیدا کردم، این‌ها پیش من هست که پیامبر ﷺ به امیرالمؤمنین ﷺ گفت «أَنْتَ خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي»<sup>۳</sup> اما درباره دیگران لفظ خلیفه وجود ندارد این است که من در سخنرانی‌هایم به خاطر اینکه لفظ خلیفه حتی در کتاب‌های اهل سنت نیست این سه تا را مى‌گویم اعلی‌حضرت همایونی، شاه، مثل شاه خودمان شاه خودمان چطورى بودند این‌ها هم مثل شاه خودمان بودند.

۱. تألیف محمد بن اسماعیل بخاری (۱۹۴-۲۵۶ق)، از معتبرترین کتاب‌های روایی اهل سنت و یکی از شش کتاب موسوم به صحاح سته است.

۲. مهم‌ترین کتاب حدیثی اهل سنت پس از صحیح بخاری. این کتاب ۷۲۷۵ حدیث نبوی را در بر دارد.

۳. «أَنْتَ خَلِيفَتِي فِي كُلِّ مَوْءِنٍ مِنْ بَعْدِي» الشَّيْبَانِي، عمرو بن ابی عاصم الضَّحَّاك (م ۲۴۲هـ) السَّنَّة ج ۲ ص ۶۰۳ وبا عبارتی نزدیک: نسائی ابو عبد الرحمن احمد بن شعيب بن علی (م ۳۰۳هـ) خصائص امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ج ۱ ص ۵۰ (ط مكتبة المعلى - الكويت) طبعة الاولى ۱۴۰۶.

گفت این پول را به ابوذر بقبولان من آزادت می‌کنم. ابوذر به او گفت این پول برای خودت است؟ گفت نه، گفت برای کیست؟ گفت برای عثمان است. گفت عثمان روزها رفته کار کرده این پول را گیر آورده؟ بنایی کرده، معماری کرده؟ گفت نه، گفت از پدرش ارث رسیده گفت نه، گفت پس این پول‌ها برای کجاست؟ گفت برای بیت‌المال است گفت برگرد پیش ایشان و بگو این که سه هزار مثقال طلاست، چیزی نیست. من یک سرمایه‌ای دارم با هیچ پولی در این عالم قابل عوض کردن نیست، غلام به او گفت، می‌گویند تو گرسنه هستی، چه سرمایه‌ای داری که با هیچ پولی قابل مقایسه نیست. گفت «ولایت مولایم امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب علیه السلام» و غیر از آن هیچ نیازی ندارم.

این یک نشانه مردم باتقوا که رده بالاتر هستند. حالا اگر پول را برای من بیاورند این سه هزار مثقال را یک‌جوری بالاخره کلاه‌شرعی درست می‌کنم که قبول بکنم اما اهل تقوا کلاه‌شرعی هم درست نمی‌کنند از اول می‌گویند نه. ولی مؤمن گاهی یک لغزشی دارد اما فکر نمی‌کنم لغزشش در پول یا در شهوات حرام و گناهان کبیره باشد یک لغزش کم دارند ولی اهل نمازند. تا کی؟ تا مرگ. «يَقِيْمُوْنَ الصَّلَاةَ» و اما انبیا خدا، دیگر بالاتر از این نمی‌شود که ابراهیم پدر انبیا بعد از خودش بیاید به دیوار کعبه تکیه بدهد ناله و دعا کند به پروردگار التماس بکند «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي»<sup>۱</sup> خدایا من و نسلم را تا قیامت بر نماز پابرجا بدار. این نماز.

### مسئله رویگردانی از نماز

این هم یک مسئله در قرآن و یک مسئله که دیروز توضیح داده شد این بود که نمازگزار آشنای با کل موجودات است غریبه نیست یک مسئله که امروز بیان شد خدا وقتی می‌خواهد اهل تقوا، مؤمنون و انبیا را معرفی بکند در یک‌بخشی از معرفی با نماز معرفی می‌کند. مطلب سوم که خیلی مهم و سنگین است. سنگین یعنی چه؟ یعنی نه خودم تحملش را

۱. ابراهیم: ۴۰.



دارم نه شما ولی قابل توضیح است. در آیه هشتاد و دوم تا هشتاد و ششم سوره بقره مطرح است من تبتئرش را می گویم آیاتش را خدا محبت بکند فردا برایتان می خوانم و این بخش رویگردانی از نماز است.

خدا نظرش به آدمها به زنها به مردها، به جوانها به دخترهایی که بهشان می گویند نماز بخوان می گویند نمی خوانیم دوست نداریم و از نماز روی گردانند، در آیه هشتادودو تا هشتادوشش سوره بقره چیست؟ کوههای کره زمین طاقت این چند تا آیه را ندارند.

﴿لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ ما قرآن را اگر به کوهها نازل می کردیم داغون می شدند این تحمل را به انسان دادیم، قرآن را به انسان نازل کردیم.

خدایا به حقیقت زینب کبری علیها السلام که امروز با ولادتش دل پیامبر صلی الله علیه و آله و دو برادرش با اینکه هر دوی شان کوچک بودند را شاد کرد، نماز را از ما و زن و بچهها و نسل ما نگیر.

این لیاقت خیلی مهم است، خب درست است روز ولادت است نباید من به قول معروف روضه بخوانم اما کنار این اسم مبارک حضرت زینب علیها السلام که دل هر مؤمنی از بعد از عاشورا تا حالا برایش سوخته و آتش گرفته، نمی توانم نخوانم، کنار بدن نشسته بعد از اینکه بدن را پیدا کرد و شناخت. این شعرای ایران و شعرای ترک و شعرای عرب در بیان حال زینب کبری علیها السلام معرکه کردند اول شعرای ترک و بعد شعرای ایران و بعد هم شعرای عرب، یعنی این سه طایفه در بیان حال زینب کبری علیها السلام غوغا کردند و زبان شعر زیباترین زبانی است که می تواند حال درون افراد را نشان بدهد.

دست برد زیر بغل آن بدن قطعه قطعه روی دامن گذاشت.







جلسہ سوم

اعمالی کہ ترک آنها موجب عذاب

غیر قابل تخفیف



در آیه هشتاد و سوم سوره مبارکه بقره چند مسئله بسیار مهم مطرح است که پروردگار عالم رویگردانی از این چند مسئله را سبب دچار شدن به عذاب غیرقابل تخفیف می‌داند و اینکه روی گردان از این چند مسئله در قیامت یک نفر یار و مددکار در قیامت نخواهد داشت. ممکن است در دنیا این آدم روی گردان قوم‌خویش‌های زیادی داشته دوستان و رفقای داشته است ولی در متن آیه شریفه هست که در قیامت در کمال غربت و تنهایی است؛ یعنی یک قوم‌خویشی، یک رفیقی، یک دوستی که او را یاری بکند و از عذاب نجاتش بدهد نخواهد داشت.

گرچه آیه شریفه درباره قوم حضرت موسی عليه السلام است، ولی قرآن مجید در واجبات و احکام و اخلاقیات، آیاتش اختصاص به یک قوم ندارد، همین مسائلی که در این آیه هشتاد و دو مطرح است در آیات و سوره‌های متعددی درباره امت پیامبر اسلام صلى الله عليه وآله وسلم هم مطرح است. تا آنجایی که من دقت کردم همین مسائل درباره امت پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم در آیات ۱۵۲ و ۱۵۳ سوره انعام<sup>۱</sup> و آیه ۱۷۷ سوره مبارکه بقره<sup>۲</sup> مطرح است.

۱. «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ».
۲. «لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي

←



## مسئولیت اعمال هر شخص با خود شخص

حرفم دو کلمه است؛ واجب است این مسائل در زندگی رعایت شود چون به نفع دنیا و آخرت خود مردم است و رویگردانی از این مسائل، روی گردانان را در قیامت دچار کيفر و عذاب خواهد کرد. یک سلسله آیات هم داریم که حتماً در قرائت قرآن به این آیات برخورد کردید که پروردگار عالم می‌فرماید: اعمال شما مسئولش خودتان هستید. اعمال امت‌ها مسئولش خودشان هستند، این طور نیست که اگر آن‌ها در مسائلی مسئول باشند شما نباشید نه شما هم مسئول اعمال هستید و همچنین این خیلی مهم است که چون امت پیامبر ﷺ هستید، اگر اعمال را انجام ندهید کاری به کارتان نداشته باشم، این جور نیست. در قرآن هم به پیامبر ﷺ دستور داده به یهودی‌ها، به مسیحی‌ها، به مجوسی‌ها بگو ﴿لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ﴾ شما درگرو اعمال خودتان هستید ما هم درگرو اعمال خودمان هستیم، اگر انجام داده باشیم اهل نجات هستیم؛ اگر هم انجام نداده باشیم اهل نجات نیستیم. دین را خداوند متعال برای این قرار داده که مردم آرام، راحت، با امنیت، بدون دردسر و بدون ضرر زدن به دیگران زندگی بکنند، خداوند متعال از این دین نه خودش سود می‌برد نه فرشتگانش. امیرالمؤمنین ﷺ می‌فرماید: اسلام سودش برای خود مردم است «لَا تَنْفَعُهُ طَاعَةٌ مَنْ أَطَاعَهُ» خداوند متعال از دین‌داری مردم چیزی نصیبش نمی‌شود چون غنی بالذات<sup>۳</sup> است احتیاجی ندارد که مردم به دین عمل بکنند سود ببرد، یا در مقامی نیست که اگر کل مردم بی‌دین شوند خدا ضرر بکند.

→  
الرَّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالصَّرَاءِ وَحِينَ  
الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ».

۱. شوری: ۱۵.

۲. خطبه ۱۹۳ نهج البلاغه.

۳. یعنی ذاتاً بی‌نیاز است و به کسی محتاج نیست.

## مودت با اهل بیت، پاداش رسالت پیامبر اسلام ﷺ

از فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از آیات قرآن خیلی روشن است که دین یکپارچه منفعت است و منفعتش برای مردم است. بی دینی یکپارچه ضرر است و ضررش برای مردم است، یک آیه ای برایتان بخوانم خیلی آیه عجیبی است خیلی، عجیب این است که این آیه اصلاً درباره کل انبیاء خدا مورد ندارد، موردش فقط یک نفر است آن هم پیامبر عظیم الشان اسلام علیه السلام است. ما اسم بیست و هفت پیامبر را در قرآن مجید می بینیم که پنج تای شان اولوالعزم هستند یعنی دینشان در زمان خودشان جهانی بوده، یعنی مأمور به کل مردم عالم بودند، الا رسول خدا که دینش تا قیامت جهانی است. می دانید که تمام انبیا غیر از حضرت مسیح زن و بچه داشتند.

شما در قرآن می خوانید اهل لوط، یعنی زن و بچه حضرت لوط علیه السلام. اهل ابراهیم، یعنی زن و بچه حضرت ابراهیم علیه السلام حتی به تعبیر اهل بیت برای حضرت ابراهیم هم آمده، ولی خداوند متعال در آیات شریفه اش درباره اهل بیت هیچ پیامبری به امت هایشان سفارشی ندارد مگر اهل بیت پیغمبر اسلام علیه السلام سفارش اش چیست؟ درباره اهل بیت پیامبر علیه السلام؟ ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾<sup>۱</sup> به مردم اعلام بکن من برای نبوت، برای این بیست و سه سال زحمتم پاداشی نمی خواهم، نه کم و نه زیاد، هیچ پاداشی نمی خواهم.

## پاداش همه انبیاء به عهده خداوند

به همه انبیا هم همین خطاب شد. به همه انبیا خدا فرمود: به امت هایتان بگویند ﴿مَا سَأَلْتُمْ مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنِ اجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ﴾<sup>۲</sup> همه صدوبیست چهار هزار پیغمبر به امتها گفتند ما درباره رسالتمان، زحماتمان حتی حضرت نوح علیه السلام که نه صد و پنجاه سال واقعاً جان کند بین مردم، به مردم بگو من پاداشی نمی خواهم، پاداش من به عهده خداست.

۱. شوری: ۲۳.

۲. سبأ: ۴۷.

## بررسی معنای مودت

اما خداوند به پیامبر اسلام ﷺ فرمود از مردم طلب پاداش کن که مزد رسالت تو را بدهند و پاداش رسالت تو «الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» است، به جای کلمه محبت، مودت. محبت ریشه اش (حُب) است سه حرفی است (حَبَب) که حالا تشدید گرفته شده حُب، (مودت) هم ریشه اش سه حرفی است (وُدَد) دو تا دال است باهم ادغام شده تشدید گرفته شده وُد (وَدَد) بوده. مودت یعنی چی؟ خود من هم نمی دانستم فرق بین مودت و محبت چیه تا در یکی از کتاب های قوی مصری ها که دیگر آن ها زبان مادری شان است و زبان نسلی شان است، آنجا دیدم این استاد عربی و استاد تفسیر قرآن که در دانشگاه الازهر مصر آدم مطرحی بوده یک چهره معروفی است در کشور مصر به نام محمد رشید رضا، ایشان به کلمه مودت که رسیده مودت را این جور معنی کرده. می گوید محبت یک امر قلبی است همین، کار دیگری نمی کند. مودت، یعنی محبت توأم با اطاعت «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» معنی اش این است که پاداش من محبت به اهل بیت من و اقتدای به اهل بیت من است، این پاداش رسالت است، یعنی اگر مرد و زنی به اهل بیت محبت داشته باشند و در حد خودشان به اهل بیت اقتدا بکنند، یعنی دستوراتی که اهل بیت دادند عمل بکنند، چیزهایی را که اهل بیت حرام دانستند عمل بکنند، چون نه همه واجبات در قرآن است نه همه محرمات. مثل حکم شراب

## حکم شراب

مثلاً عرب ها خرما زیاد داشتند خرما را می انداختند در خمره و شراب درست می کردند می خوردند و مست می کردند و عربده می کشیدند، خودشان اسم این شراب را گذاشته بودند خَمْر، خب وقتی آیات حرمت خمر نازل شد و پروردگار فرمود خمر یک عمل شیطانی است. خب همه عرب ها می فهمیدند که این شراب خرما است، اما پیامبر اکرم ﷺ آمدند اعلام کردند چون این اجازه را خدا به پیامبر ﷺ داده بود که قانون تشریح بکند، فرمودند «كُلُّ



مُسْكِرٍ حَرَامٍ» فقط شراب خرما حرام نیست، شراب انگور هم حرام است و هر مُسْكِرِی حَلا ممکن است آشامیدنی نباشد مسکر کشیدنی باشد، بو کردنی باشد فرق نمی کند هر چه که شمارا به مستی ببرد من تا قیامت حرام اعلام می کنم، اینجا قران مجید می فرماید اطاعت از پیامبر ﷺ واجب است، ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾ هم اطاعت خدا و هم اطاعت پیامبر ﷺ واجب است.

### اقتدا به اهل بیت و پرداخت پاداش رسالت پیامبر ﷺ (بازگشت به موضوع اصلی)

حالا خدا می فرماید پاداش طلب کن، اگر من به اهل بیت محبت داشته باشم، در حد خودم هم اقتدا بکنم، یعنی مأموم اهل بیت باشم چه کار کرده ام؟ پاداش رسالت پیامبر ﷺ را پرداختم؛ اما اگر اقتدا به اهل بیت نکنم، مثل این یک میلیاردی که الان در دنیا هستند و کاری به کار اهل بیت ندارند و می گویند مسلمان هم هستیم، می شویم. دیدید که در مکه، مسجدالحرام، مسجدالنبی در نماز جماعت راه نیست؛ اما آن نمازی که آن ها می خوانند نماز اهل بیت نیست، نمازی است که بعد از مرگ پیامبر ﷺ ساختند «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را حذف کردند، تشهدشان جور دیگر است و رکعت سوم جوری دیگر است. نماز میت هایشان چهارتا تکبیر دارد. حششان هم بدون ترتیب و موالات است یعنی هنوز منا نرفتند می آیند یک گوشه مسجدالحرام سرشان را تیغ می زنند به جای چهار روز دیگر که منا باید تیغ بزنند؛ یعنی یک حجی غیر از حج اهل بیت، یک نمازی غیر از نماز اهل بیت. یک عده ای هم که اصلاً نماز نمی خوانند روزه نمی گیرند، مسکرات را می خورند، این ها روز قیامت به عنوان بدهکار به پیامبر ﷺ و رسالت پیامبر ﷺ گرفتار می شوند، آنجا هم که نمی شود بدهی را پرداخت کرد می شود؟

۱. کنز العمال، ح ۱۳۱۳۹.

۲. نساء: ۵۹.

## بی نماز، در قیامت هم نمی تواند سجده کند!

در قران مجید است قیامت به بی نماز، خطاب می رسد یک دانه سجده بکن یک دانه، بیشتر هم نه. در سوره قلم است ﴿وَهُرُّ يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ﴾<sup>۱</sup> از همه بی نمازها دعوت می شود یک سجده بکنید قیامت زمین است دیگر، انسان هم روی همین زمین محشور می شود خب به نظر می رسد همان جا زانو بزند و پیشانی اش را بگذارد روی زمین و یک «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» بگوید «وَأُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ» دعوت می شوند یک دانه سجده کنید، قران می فرماید ﴿فَلَا يَسْتَطِيعُونَ﴾<sup>۲</sup> نمی توانند چون هفتادسال سجده نکردند این حالت سجده نکردن در قیامت هم بر آن ها حاکم است.

می گویند تاریکی ترس دارد، خب مؤمن که در روایات است برزخش به اندازه ای که از هر طرف چهل تا قوی ترین نورها باشد روشن است، خب مؤمن ترسی ندارد از تاریکی، چون بعد از مرگش تاریکی ندارد حالا فرض بکنید بعد از مرگ برای مؤمن تاریکی باشد باز هم نمی ترسد چون مؤمن در تاریکی دنیا سحرها در آن نمازها، در آن گریه ها در آن دعای کمیل ها عادت داشته به آن تاریکی یک تاریکی که برای خدا بوده، مگر آن وقت که در دنیا بود از آن تاریکی های سحر می ترسید؟ در برزخ هم اگر تاریکی باشد نمی ترسد که تاریکی هم ندارد، بدهکاری به پیغمبر، آن هم پاداش رسالتش مگر در قیامت ممکن است؟ وقتی خدا می فرماید یک سجده نمی توانند بکنند چطور می خواهند شصت سال عمر تکلیف را که بدهیشان را به پیغمبر ندادند آنجا ادا بکنند؟ امکان ندارد یعنی آن روحیه وجود ندارد بدن هست، اما اینکه در دنیا شصت سال بهش می گفتند نماز بخوان می گفت نمی خواهم بخوانم این نمی خواهم بخوانم هم قیامت با آنها هست و نمی توانند سجده کنند.

۱. قلم: ۴۲.

۲. قلم: ۴۲.



## فایده پرداخت پاداش رسالت پیامبر ﷺ

پاداش معلوم شد، یعنی ما هفتادسال شصت سال، هشتاد سال، خدا را عبادت بکنیم، در مسیر مستقیم باشیم، این می شود پاداش پیامبر ﷺ. پیغمبر اکرم ﷺ از پاداش پاداش دهندگان چه گیرش می آید؟ شما دو سه ثانیه فکر بکنید. خدا واجب کرده به امت، پاداش پیغمبر را بدهید، حالا یک عده، یک بدنه از امت که شیعه است دارد پاداش پیغمبر را می پردازد از زمانی که پیغمبر از دنیا رفته تا حالا که ۱۵۰۰ سال است ما شمار شیعیان را که نداریم میلیاردها شیعه در این هزار و پانصد سال آمده و رفته و پاداش پیغمبر را پرداخته، حالا به نظر شما پیغمبر از این پاداش چی گیرش می آید؟

خدا به پیغمبر می گوید بگو «لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ» من از شما پاداشی نمی خواهم پاداش من «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» این است که به اهل بیت محبت داشته باشید و اقتدا بکنید بعد خدا به پیغمبر می گوید بگو باز «وَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ»، این پاداشی که من از شما خواستم بازگشت کل سود این پاداش به خودتان است. «مَا سَأَلْتُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ». این دین است، نه پیغمبر می خواهد جیش را پر کند نه ملائکه و نه پروردگار عالم. اگر خداوند متعال در قرآن گفته مُسْكَر، خمر حرام است مگر ضرر این خوردن مشروب به خدا می رسد؟ به ملائکه می رسد؟ به پیغمبر می رسد؟ نه گناهان همه ضرر دارند ولی ضرر برای گناه کار است. عبادات منفعت دارد ولی منفعتش برای عبادت کننده است حالا آیه را گوش بدهید آیه هشتادوسه که باز تکرار بکنم این حرفها مخصوص به قوم موسی ﷺ نیست.

## فطرت انسان، جهت گیری به سوی خداوند متعال

امام عسکری ﷺ می فرماید این واقعیات الهی مربوط به همه است ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ﴾ ما از قوم موسی ﷺ پیمان گرفتیم، حالا این پیمان یا پیمان فطری است که

۱. بقره: ۸۳ ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا...﴾

خود این یک پرونده و بحث جدا دارد، من وارد بشوم خسته‌تان می‌کند. پیمان فطری یعنی خداوند متعال وجود انسان را به گونه‌ای آفریده که نسبت به خودش جهت‌گیری دارد. اگر یک نفر هیچ کلمه‌ای از دین به گوشش نرسیده باشد فرض کنید مادرش او را زاییده، برده گذاشته در یک غار و به شهر برگشته، بچه هم به یک‌شکلی بزرگ‌شده حالا سیزده چهارده سالش که می‌شود مثلاً در غار می‌افتد و او از غار بیرون می‌آید تا حالا نه آدمی را دیده نه مادر و پدر را دیده، هیچ‌کس را ندیده از غار که بیرون می‌آید، آسمان و زمین و اشیا را می‌بیند. فطرت، معنی‌اش این است به خودش نگاه می‌کند می‌گوید من بودم؟ کاملاً می‌فهمد نبوده، پس من نبودم. این کوه‌هایی که من در غار بودم این‌ها هم نبوده؛ من نبودم این‌ها هم نبودند دیگر این آسمان و زمین هم نبوده، پس یکی هست که این‌ها را درست کرده. این فطرت است، یعنی خدا جویری انسان را آفریده که اگر تک‌وتنها بی پیامبر، بی امام، یکجا ره‌ایش بکنند وجودش به طرف صاحب عالم جهت‌گیری دارد. یا پیمان فطری گرفتیم از شما که می‌دانید شکر مُنعم لازم است، هیچ‌کس هم که به شما نگوید اگر کسی به شما خوبی کرد درون شمارا جهت می‌دهد که این خوبی را تشکر بکنید، یک امر فطری است. یا نه موسی علیه السلام را فرستادیم تورات را فرستادیم، شبانه‌روز موسی علیه السلام شمارا دعوت کرد، آیات تورات شمارا دعوت کرد شما هم دیدید حرف‌های موسی علیه السلام حق است، آیات تورات حق است، هر وقت موسی علیه السلام با تورات به این مسائل دعوت کرد گفتید روی چشم، این مسائل خیلی عالی است عمل می‌کنیم. این معنی «وَأِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ» است.

### خدا همیشه یک دین داشته است

پیمان برای چی گرفت؟ حالا پیمان‌ها را می‌گوید برای چی گرفتیم، «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» این حرف‌ها درباره ما امت پیامبر هم هست دیگر در قرآن دیدید، حالا برای نمونه من یک قطعه آیه را بخوانم به ما دارد می‌گوید



﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ یعنی دین خدا همیشه یک دین بوده، خدا دو تا دین نداشته، از زمان آدم علیه السلام تا الآن، الآن تا قیامت خدا فقط یک دین دارد. تفاوت دین در زمان پیامبر و زمان انبیای گذشته این بوده که انبیا گذشته به اندازه نیاز مردم دین را اظهار کردند زمان پیامبر اظهار دین، کامل بوده. زمان حضرت نوح علیه السلام جمعیت که این قدر در دنیا نبوده که یک دینی به این گستردگی خدا بهشان عنایت کرده باشد. به اندازه نیاز دین را عنایت کرده چقدر محتاج به حلال و حرام بودند، خیلی چیزها نبوده که خدا به ملت بگوید حرام است، بعداً که پیدا شد خدا فرمود حرام است، ولی زمان نوح علیه السلام خیلی گناهان هنوز اختراع نشده بود خدا هم هیچ حرمتی را اعلام نکرد چون نبود، یا واجبی در زمان نوح پیش نیامد که خدا به ملت بگوید واجب است. حج در زمان نوح نبوده اعلام هم نشد واجب است، به تدریج هر چی که پیش آمد حلال و حرام و واجب روی پیشامدها آمد تا تکمیل شد، خب ما پیمان گرفتیم که «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ» جز خدا را عبادت نکنید نپرستید، من اول آیه را می‌خوانم شماره مسائل را هم با انگشتم می‌شمارم تا با خواست خدا فردا متن آیه را برایتان توضیح بدهم.

### معنای درست احسان

«لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» احسان به معنی احترام تنها نیست، احترام، اکرام است. خدا بلد بوده چه لغاتی را به کار بگیرد. احسان یعنی نیکی کردن، یعنی پدرت که دارد هی سرفه می‌کند زود بیر دکنتر، مادر که دارد نفس نفس می‌زند بیر دکنتر، پول نسخه ندارد پول نسخه‌اش را بده گرچه بهت سخت بیاید، خودت هم درآمدت کم است اما دیگر جمع‌وجور کن و به پدر و مادر نیکی کن. یا پدر و مادرت تا حالا مشهد نرفتند آرزو دارند تو هم می‌توانی بفرستی‌شان. اکرام غیر از احسان است «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» چند تا شد؟ دو تا و به چه کسانی دیگر احسان کن «وَذِي الْقُرْبَىٰ» به قوم و خویش‌هایت، اکرام، نه احسان «وَالْيَتَامَىٰ» و

المساکین» چند مورد شد؟ پنج تا «و قولوا للناس حسنا» زبانتان با مردم زبان زیبایی باشد، فحش، غیبت، تحقیر، تهمت و با زبان تو سر مردم زدن ممنوع، این هم ششمین مورد.

### نتیجه رویگرانی از خواسته های الهی

«و اقيموا الصلاة» این آیه درباره بنی اسرائیل است یعنی چند هزار سال قبل از پیامبر ﷺ، خدا نماز را به بنی اسرائیل و امت های قبلش واجب کرد «و اقيموا الصلاة و اتوا الزكاة»، زکات بپردازید «ثم توليتم الا قليلا» اما بعد از این پیمان گرفتن بیشترتان روی گردان شدید، زیر پیمان زدید و نه من را عبادت کردید نه به پدر و مادر نیکی کردید، نه به قوم و خویش، نه به یتیم، نه به مسکین، نه خوب حرف زدید، نه نماز خواندید، نه زکات دادید «توليتم الا قليلا و انتم معرضون». اصلاً اخلاق شما این بوده که از خواسته های من رویتان را برگردانید. این رو برگردانی نتیجه اش چیست؟ نتیجه اش را در آیه ۸۶ می گوید، یعنی دنباله آیه یک حرف هایی دارد با بنی اسرائیل بعد می گوید این هایی که روی گردان از مسائل من هستند «أولئك الذين اشتروا الحياة الدنيا بالآخرة» این ها پاک آخرت را دور انداختند فقط چسبیدند به دنیا «فلا يخفف عنهم العذاب ولا هم ينصرون» قیامت یک ذره تخفیف در عذابشان نمی دهد «و لا هم ينصرون» یک نفر هم پیدا نمی شود این ها را یاری کند که از عذاب نجات بدهد این متن آیه بود حالا تا توضیح هر کدامش.

لبه تیز آیه هم همین رو برگردانی است. نمی خواهیم. نمی خواهیم عبادت بکنم، نمی خواهیم به پدر و مادر نیکی بکنم، به من چه خودشان می دانند بی خود من را به دنیا آوردند، این ها را می گویند در همه امت ها بوده، می گویند نمی خواهیم نماز بخوانم، به من چه که به یتیم برسم؟

### ماجرای گریه پیامبر اسلام ﷺ

اهل بیت در خانه بودند که از بیرون صدای پیامبر ﷺ را شنیدند، پیامبر ﷺ در زدند این بود. هیچ وقت آن چکش در را به در نمی زد. خانه ها کوچک بود صدا می رسید



پیامبر ﷺ همیشه می آمد روبروی در می ایستاد و این جواری در می زد «السلام علیکم یا اهل بیت النبوه و معدن الرساله» تا صدیقه کبری ﷺ صدای پیامبر ﷺ را شنید آمد در را باز کرد. فرمود فاطمه جان نهار چی داری؟ گفت بابا ام ایمن یک مقدار آرد و روغن برای من هدیه آورده؛ فرمود من امروز آمدم نهار پیش شما باشم همین را درست کن. از اینجا به بعد حضرت زهرا ﷺ می فرماید، روایت در کتاب کامل الزیارات است که قوی ترین کتابمان درباره زیارت و گریه بر اهل بیت است. می گوید پدرم آمد نشست ما چهارتا هم روبرویش نشستیم من و علی ﷺ و حسن و حسین ﷺ حالا هنوز حرف شروع نکرده پیغمبر، فقط دارد به قیافه ما نگاه می کند. خوب که ما را نگاه کرد از جا بلند شد رفت گوشه اتاق دو رکعت نماز خواند بعد از سلام نماز مثل آدم داغ دیده شروع کرد گریه کردن. عظمت پیامبر ﷺ اجازه نمی داد پیرسیم چه شده؟ ولی تا پیامبر ﷺ گریه اش را شروع کرد حسین ﷺ از جا بلند شد، رفت کنار شانه راست پیامبر ﷺ، او هم شروع کرد گریه کردن، من در کتاب های سنی ها دیدم این روایت را که پیامبر ﷺ هیچ وقت طاقت گریه ابی عبدالله ﷺ را نداشت. سنی ها نقل کردند هر وقت از دم در خانه زهرا ﷺ رد می شد صدای گریه ابی عبدالله ﷺ می آمد می ایستاد می گفت فاطمه جان این بچه را ساکت کن، من تحمل شنیدن گریه اش را ندارم.

### «لَا يَوْمَ كَيْومِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ»

تا حسین ﷺ گریه شروع کرد پیامبر ﷺ برگشت بغلش گرفت آورد روی دامن نشاند فرمود حسین جان چرا گریه می کنی؟ گفت بابا به گریه شما گریه می کنم مگر شما مهمانی نیامدید چرا گریه می کنید فرمود عزیز دلم من امروز شماها را که نگاه می کردم، بعد از خودم را هم نگاه می کردم می دیدم که بین درودیوار صدای ناله مادرتان بلند می شود، می دیدم در

### هشت امتحان الهی (تفسیر آیه ۸۳ سوره بقره)

سحر ماه رمضان فرق پدرت را می‌شکافند، می‌دیدم به بدن برادرت کنار مسجد حمله می‌کنند، این‌ها مصیبت‌های کمی نیست ولی برگشت به حسین گفت «لَا يَوْمَ كَيْؤْمِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ!».



جلسہ چہارم

مالک حقیقی





## آفرینش انسان، آفرینشی بر اساس مملوکیت

پیش از آنکه به هشت مسئله آیه هشتادوسه سوره بقره پرداخته شود لازم هست برای توضیح جمله اول آیه «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ» ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم یک نکته بسیار مهم قرآنی مورد توجه قرار بگیرد. این نکته‌ای که در قرآن مجید است کمتر کسی یا در ذهنش است یا به ذهنش می‌آید. اگر به این نکته دقت شود هر انسان دقت کننده‌ای در یک سیر و مسیر و سلوک درستی قرار می‌گیرد و غفلت از آن نکته انسان را از فیض پروردگار چه در دنیا و چه در آخرت باز می‌دارد و آن نکته این است که آفرینش ما از زمان آدم تا روز قیامت آفرینشی بر اساس مملوکیت است. مملوکیت به چه معناست؟ معنای مملوکیت را هر کدام از افراد بشر توجه بهش بکنند می‌فهمند کلاس نیاز ندارد که برای مرد و زن کلاس تشکیل دهند و معنای مملوکیت را برایشان توضیح و درس دهند.

### انسان در دنیا مالک هیچ چیز نیست

انسان وقتی که به وجود خودش توجه می‌کند می‌بیند که در به دنیا آمدن خود دست نداشته اختیار نداشته. به وجود خودش توجه می‌کند می‌بیند که رشد کردنش از طفل بودنش به جوان شدنش، از جوان شدنش به متوسط شدنش، از متوسط بودنش به پیر شدنش، از پیر شدنش به مردنش اختیاری ندارد و باز وقتی که به خودش توجه می‌کند می‌بیند که هیچ



چرخ در این عالم به اراده او نمی چرخد. خورشید طلوع می کند غروب می کند نه با اراده ما، ماه در می آید می رود نه به اراده ما، آب بخار می شود ابر می شود ابر می بارد آبی که از ابر می بارد باعث رشد گیاهان می شود نه به اراده ما؛ شب می آید روز می آید نه به اراده ما؛ جهان یک کشتی است که در دریای هستی در حرکت است نه به اراده ما. با دقت در این مسائل انسان می فهمد که اختیاردار چیزی در این عالم نیست. اختیاردار به دنیا آمدن و طفل شدن و جوان شدن و متوسط شدن و پیر شدن و مردن اش نیست. وقتی که مجموعه امور طبیعی و هستی در اختیار ما نباشد به اراده ما هم نباشد خیلی روشن است که در اختیار کسی دیگر است و به اراده کسی دیگر است یعنی کارگردان عالم و آدم شخص دیگری است. آنی که کارگردانی دستش است و اختیار همه چیز پیشش است او مالک است چون مالک است می تواند تصرف کند ما که مالک نیستیم قدرت تصرف نداریم.

### اگر میتوانی کاری کن خورشید از مغرب طلوع کند

در قرآن مجید یک داستانی را خدا در اواخر سوره بقره نقل می کند که پادشاه زمان ابراهیم علیه السلام که خیلی آدم متکبر و مغرور و غافلی بوده در دربارش برمی گردد به حضرت ابراهیم علیه السلام می گوید این خدایی که از او دم می زنی کیست؟ ابراهیم علیه السلام خیلی زیبا جواب داد جوابی که شاه را صد درصد در همان لحظه اول محکوم کرد. به شاه گفت خدای من کسی است که خورشید را حالا این یک دانه اش است، از مشرق طلوع می دهد از مغرب هم غروب می دهد حالا تو بیا این کار را برعکس کن خورشید را از مغرب دریاور و از مشرق هم غروبش بده همین یک کار را انجام بده. از میلیاردها برنامه ای که در این جهان خلقت است همین یک دانه اش را تو برخلاف آنچه هست انجام بده. میلیاردها سال است خداوند خورشید را از مشرق طلوع می دهد از مغرب هم به غروب می برد تو بیا این خورشید را از مغرب طلوع بده از مشرق هم غروبش بده. چه جوابی داشت بدهد؟ یک چنین اختیاری اراده ای دست کسی نبوده که حالا دست شاه باشد. قرآن مجید می فرماید وقتی که این جواب را



ابراهیم رضی الله عنه به آن شاه زمانش داد **«فَهَيْتَ الَّذِي كَفَرًا»** این آیه را خیلی که بخواهیم فارسی اش بکنیم، معنی اش این می شود که طرف مثل خر در گل ماند. جوابی نداشت بدهد.

## ادب مملوک در برابر مالک

تو یعنی انسان نه شاه زمان ابراهیم رضی الله عنه، قرآن مجید این خطاب را به انسان دارد. تو ای انسان که اختیاردار هیچ چیز نیستی پس معلوم می شود که محکوم کل جریانات هستی، می باشی. وقتی برای خودت معلوم است که محکوم جریانات عالمی پس مملوکی پس عبدی و مملوک با ادب و عید با ادب که این ادب سرمایه عظیمی است. این قدر این ادب ارزش دارد، قیمت دارد که پیغمبر اکرم گاهی که می خواستند از خودشان حرف بزنند - ما یکی را که می بینیم ما را نمی شناسد خودمان را معرفی می کنیم که من تهرانی ام، ترکام، اصفهانی ام، پدرم تاجر بوده خودم این قدر درس خواندم الآن زن و بچه دارم مغازه دارم - پیغمبر صلی الله علیه و آله هم می خواستند خودشان را به مردم معرفی کنند یک رشته معرفی کردنشان این بود. می دانید من چه کسی هستم؟ من کسی هستم که **«أَدَّبَنِي رَبِّي فَأَحْسَنَ تَأْدِيبِي»** کسی هستم که خدا من را به همه آداب مثبت مؤدب کرد و زیبا هم به آداب مثبت مؤدب کرد. وقتی من فهمیدم همه وجود من مملوک است نه مالک، همه وجود من مربوب است نه رب، همه وجود من عید است یعنی تحت اختیار کس دیگر است ادب اقتضا می دهد که من مملوک من عبد من مربوب، تابع مالکم باشم تابع آفریننده ام باشم تابع روزی دهنده ام باشم از این حالت مملوکیت درنیایم و طبل استقلال بزنم بگویم خودم هستم. نه از خودت نیستی کس دیگر است اگر خودت بودی به بیست و پنج سالگی که می رسیدی که اوج جوانی و اوج زیبایی و اوج فراوان بودن زلف و فوکل است و اوج خوشگلی، همان جا خودت را نگه می داشتی بیست و پنج سالگی تبدیل به بیست و شش سالگی نشود بیست و هفت سالگی

۱. بقره: ۲۵۸.

۲. بحار الأنوار ج ۶۸ ص ۳۸۲.

نشود پنجاه سالگی نشود. اگر همه چیز دست خودم بود نمی مردم از زمان آدم هر کس همه چیز دست خودش بود نمی مرد.

### توصیه امام حسین علیه السلام برای کسی که می خواست گناه نکند

یک روایتی داریم که به نظر من که پنجاه سال است با روایات سروکار دارم این روایت یکی از زیباترین روایات شیعه است که نمونه اش را هیچ مکتب و مدرسه و شخصی ندارد. روایت مفصل است در پنج بخش است دوتا بخش یا یک بخشش را برایتان عرض می کنم. یک آقایی به حضرت سیدالشهداء علیه السلام گفت یا ابن رسول الله «أَنَا رَجُلٌ عَاصٍ» من غرق در همه جور گناه هستم یک کاری برای من بکن من از هیچ گناهی روگردان نیستم. حضرت فرمودند چند تا چیز یادت می دهم اینها را انجام بده با انجام دادنش من به تو اجازه می دهم هر گناهی دلت می خواهد بکنی. خوب است دیگر آدم گناه را دوست دارد باینکه به گناه اصلاً نیاز ندارد. خداوند متعال انسان را نیازمند به گناه نیافریده ولی حالا چون گناه یا لذت بدنی دارد یا لذت خیالی دارد ملت دنبالش هستند و بیشتر مردم هم نمی دانند که قرآن مجید می گوید هر گناهی خودش بخشی از آتش دوزخ است خود گناه. خب این نسخه خوبی است من چند تا چیز بهت یاد می دهم عمل کن مجوز بهت می دهم هر گناهی دلت می خواهد بکن. گفت بگو یا ابن رسول الله خوب است. یکی این است، حضرت فرمود «لَا تَأْكُلْ مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَ أَدْنَبَ مَا شِئْتَ» از امروز به بعد روزی خدا را نخور یعنی آن سفره ای که خدا پهن می کند سرش ننشین آب نخور، میوه نخور، برنج نخور، گوشت نخور چیزی می خواهی بخوری مال خدا نباشد خودت بنشین بساز آب را خودت بساز نان را خودت بساز از مواد خدا هم استفاده نکنی ها، نگوئی می روم آرد می خرم خودم خمیر می کنم نان درست می کنم. آرد که گندمش مال خداست زمین آن گندم هم مال خداست هوایی هم که به آن گندم خورده مال خداست نوری که به آن گندم خورده مال

خداست آبی هم که پای گندم دادند مال خداست. نه، برای اینکه تو می‌خواهی گناه کنی بدنت انرژی می‌خواهد انرژی بدن از غذا باید تأمین شود تو از امروز به بعد «لا تاکل رزق الله» رزق خدا را نخور. می‌خواهی به بدنت انرژی بدهی خودت بنشین انرژی بساز آن هم انرژی را باید ابداع کنی نه قرض بگیری.

### تنها خالق، خداوند است

یک کسی به من گفت که مگر خدا خالق نیست؟ گفتم چرا گفت الان هم بشر به مقام خالقیت رسیده گفتم کدام بشر؟ گفت همین‌هایی که در اروپا و آمریکا و ایران هستند می‌آیند از سلول موجود زنده درست می‌کنند. در به اصطلاح سلول بنیادی می‌آیند در آزمایشگاه بدون گوسفند نر و ماده، گوسفند و گوساله درست می‌کنند. گفتم تو اشتباه می‌کنی درست نمی‌کنند این‌ها می‌آیند از سر سفره خدا مواد برمی‌دارند و بر اساس یک محاسبات فیزیکی و شیمیایی و ریاضی این گوسفند به وجود می‌آید این‌ها کجا خلق کردند؟ کجا ابداع کردند؟ اگر یک دانشمندی آمد و بدون اینکه دست به سفره طبیعت دراز کند خودش ماده اولیه چیزی که می‌خواهد درست کند به وجود بیاورد آن را می‌گویند خالق؟ ما خالقی نداریم ما مخلوق داریم. ما در بین بشر خالق نداریم کل بشرها مخلوق و مملوک هستند. پس رزق خدا را نخور اگر می‌خواهی زنده بمانی گناه کنی رزقت را خودت تأمین کن خب این شدنی است؟ اگر کل مردم امروز دنیا جمع شوند بخواهند یک‌دانه عدس بسازند که خوراکی باشد می‌شود؟ الان در این مغازه‌های تهران پر از گل فروشی گل‌های مصنوعی این‌ها می‌توانند یک برگ طبیعی بسازند؟ نه!

### همه اراده‌ها و توانایی‌ها از جانب خداست

یک جمله‌ای قرآن دارد خیلی جمله جالبی است می‌فرماید «وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ» اگر کل انسان‌ها یعنی از زمان آدم تا روز قیامت فرض کنید همه زنده و موجوداند. کل انسان‌ها اجتماع

کنند ﴿لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ﴾<sup>۱</sup> یک پشه نمی‌توانند بسازند پس تو چه کارهای؟ مملوکی. چه اختیاری داری؟ هیچ چیز. چی می‌توانی خلق کنی؟ هیچ چیز. چی می‌توانی ابداع کنی؟ هیچ چیز هیچ کاره. خب آنی که کارهای است کیست؟ همانی است که عالم را به وجود آورده آن کارهای است اما ما کارهای نیستیم ما به دنیا آمدیم خوردیم بزرگ شدیم کارهایی که می‌کنیم در سایه قدرت و اراده او داریم انجام می‌دهیم یعنی همین الآن که ما همه در این مسجد نشستیم پروردگار عالم اراده کند - که اراده نمی‌کند ولی اگر اراده کند - که به اندازه کمتر از یک پلک چشم به هم زدن توجهش را از ما بردارد کل ما درجا جنازه می‌شویم می‌افتیم در مسجد. آن وقت خانواده‌هایمان باید بیایند جنازه‌هایمان را بردارند ببرند. چه کارهای انسان؟ هیچ کاره. کارهایی هم که می‌کنی کار خودت نیست اراده او بدرقه‌ات می‌کند که نفس بکشی، اراده او بدرقه‌ات می‌کند که حرف می‌زنی و نگاه می‌کنی. اگر اراده او برداشته شود که تو قدرت غذا خوردن نداشته باشی فقط اراده کند که نخوری نمی‌توانی بخوری دیگر نمی‌توانی بخوری اگر بخواهند نگاهت دارند باید ببرندت در خانه تخت بزنند یا در بیمارستان سرم غذایی بهت وصل کنند تا از دنیا بروی. اگر نخواهد بخوری یا راه بروی دیگر نمی‌توانی بخوری یا بلند شوی این مقدمه.

### مملوکیّت و مربوبیت ما پیمان پروردگار

روشن شد برایتان که ما مملوکیم؟ این حالت مملوک بودن ما پیمان پروردگار از ماست برای اینکه نسبت به او ادب کنیم حرفش را گوش دهیم خود وجود ما پیمان است؛ یعنی مملوکیّت ما پیمان است مربوبیت ما پیمان است شما در مناجات سحر امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد کوفه این مسائلی که من فارسی‌اش را گفتم خیلی قوی‌تر و پرمیدان‌تر می‌بینید «مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمَالِكُ وَ أَنَا الْمَمْلُوكُ، أَنْتَ الرَّبُّ وَ أَنَا الْمَرْبُوبُ، أَنْتَ الْعَزِيزُ وَ أَنَا الدَّلِيلُ» ذلیل یعنی کاری دست من نیست هیچ کاری دستم نیست «أَنْتَ الْحَيُّ وَ أَنَا

الْمَيِّتُ» من با اینکه زنده‌ام اما در مقابل حَى بودن تو یک‌مرده‌ام. یک‌مرده در دست غسل. غسل هم تویی مثل اینکه غسل مرده را که دیگر هیچ اراده‌ای ندارد برای غسل دادن اش به راست می‌گرداند به چپ می‌گرداند من هم یک‌مرده‌ام دست تو که من را می‌چرخانی. از بچه بودن جوان می‌شوم می‌چرخانی متوسط می‌شوم می‌چرخانی پیر می‌شوم می‌چرخانی می‌میرم بعد از مردن هم می‌چرخانی زنده‌ام می‌کنی. من الآن مَيِّت در دست تو هستم این وجود ما پیمان بندگی است پیمان مملوکیست است پیمان گوش دادن به حرف پیمان گیرنده است یعنی خلقت ما پیمانی است که خدا از ما گرفته که تو هیچ کاره‌ای همه‌کاره من هستم بیا با من بساز که دنیا و آخرت آباد شود. اگر می‌خواهی از دایره مملوکیست و مربوبیت دریایی دماغت را به خاک می‌مالم هیچ‌کس هم نمی‌تواند به دادت برسد. برابر من شاخ‌وشانه نکش. در قرآن می‌گوید برای جنگ با ملت‌های گمراه و منحرف لشکرکشی نکردم از جایم هم تکان نخوردم هیچ‌چیز. برای نابود کردن یک ملت برای نابود کردن یک دولت نه به خودم تکان دادم نه از جایم عوض شدم و نه لشکرکشی کردم.

### وجود انسان، پیمان بندگی است

در سوره یاسین بخوانید ﴿وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِمْ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ﴾<sup>۱</sup> من ارتشی نفرستادم برای نابود کردن نمروود و دولتش یا نابود کردن فرعون و دولتش یا نابود کردن لشگر حبشه که با فیل آمدند خانه من را خراب کنند و دولتش؛ من لشکرکشی نکردم. من گاهی، با یک‌مشت آب کل فرعونیان را نابود کردم با یک‌مشت آب و از جایم هم تکان نخوردم و هیچ لشگری هم نفرستادم. گاهی ﴿إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ﴾<sup>۲</sup> فقط با یک صیحه و یک داد صد هزار نفر را نابود کردم «فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ» که بعد از آن صدا مثل تنه درخت خشک همه روی زمین افتاده بودند دیگر نفس کشی

۱. یس: ۲۸.

۲. یس: ۲۹.

وجود نداشت. شاخ‌وشانه برای من نکش چون پیروز نیستی. ادعای مالکیت نکن دروغ است چون مالک نیستی. ادعای اختیار و آزادی نکن چون اختیار هیچ‌چیز را نداری، یک‌خرده بتوانی با آن نیرویی که در بدنت گذاشتم آن نیرو هم مال من است یک‌خرده بتوانی دستشویی‌ات را نگاه‌داری فشار بهت بیاورد باز می‌شود می‌ریزد در لباس‌هایت. تو که اختیار یک دستشویی‌ات را نداری منم منم برای چه می‌کنی؟ طبل استقلال برای چه می‌زنی؟ اصلاً وجود تو پیمان بندگی است وجود تو، قیافه سازمانی و ساختمانی تو پیمان من است اصلاً تمام هویت تو پیمان من است. پیمان بندگی که مملوک باید در اختیار مالک باشد عبد باید در اختیار رب باشد اصلاً وجودت پیمان است.

### پیمان با بنی اسرائیل (کل انسان‌ها) در آیه ۸۳ سوره بقره

احتمالاً توضیح جمله اول آیه شریفه این باشد ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ﴾<sup>۱</sup> ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم با همین خلقتشان با همین وجودشان با همین نداشتن اختیارشان با همین مالک نبودنشان خود موجودیت انسان، پیمان الهی است. ساختن به این سبک یعنی تو را پیمانی و قراردادی ساختم که اصل وجودت قرارداد بندگی است نه قرارداد ربوبیت و خداوندی و ادعای مالکیت. وجودت قرارداد بندگی است. تو را به این سبک ساختم که چه کار بکنی؟ «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ» که غیر از من را که خالقت، رازقت، کارگردانت، اختیاردار، زنده کننده‌ات، میراننده‌ات هستم دوباره زنده کننده‌ات و روزی دهنده هستم من با این هویت شایسته این هستم که تو من را بندگی کنی و عبادت کنی. چون همه کاره‌ات من هستم عبادتت باید برای من باشد نه برای پول، نه برای هوای نفس، نه برای فرعون، نه برای نمرود، نه برای اعلا حضرت‌ها، نه برای وکیل و وزیر، نه برای رئیس‌ها تو فقط باید از من اطاعت کنی اصلاً وجودت پیمان است پیمان عبادت، این اولین مورد.



مورد دوم، یک زن و مرد رنج بردند زحمت کشیدند بی‌خوابی کشیدند جان کردند کار کردند نه ماه آن زن تو را در شکمش بزرگ کرد آن مرد هم نه ماه بهترین غذا را برای زنش آورد که تو در رحمش چُلاق نشوی شل نشوی لمس نشوی کج و کوله نشوی سالم به دنیا آمدی هر دوی‌شان هم چقدر بی‌خوابی کشیدند از گریه‌های تو از عرق سوزهای وسط پای تو تا کشاندنت به هفت‌سالگی وقت دندان‌درآوردنت چه رنج‌هایی کشیدند وقت مدرسه رفتنت مادرت چقدر هول کرد تا تو از مدرسه بیایی پدرت در مغازه همش در فکر بود بچه‌ام چی شد نیافتد دستش نشکند. این زن و مرد که اسمش پدر و مادرت هستند اصلاً وجود تو که از آن‌ها به وجودت آوردند پیمانی است که ﴿وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ به آن‌ها نیکی کنی. تو هیچ‌وقت نمی‌توانی به پدرت بگویی تو بابای من نیستی تو مادر من نیستی حالا هر که هست یا خوش‌اخلاق‌اند یا آدم‌های تندی هستند یا مؤمن هستند یا بی‌دین هستند تو باید به آن‌ها احسان کنی شرط احسان دین‌داری نیست شرط احسان پدر و مادر بودن این آدم‌هاست.

## علت دستور خداوند به حضرت موسی علیه السلام در خصوص سخن نرم با فرعون

در سوره طه می‌خوانیم به موسی می‌گوید و به هارون و برادرش «ادْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ» ﴿فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا﴾ موسی برو با برادرت پیش فرعون. با او نرم حرف بزن، صداقت را جلوی فرعون بالا نبر خیلی آرام و بامحبت. گفت خدایا این چقدر بچه کشته چقدر جوان‌های بنی‌اسرائیل را خوابانده سربریده ﴿يُدْبِحُ أَبْنَاءَهُمْ﴾ چقدر ظلم و جنایت کرده حالا تو به من می‌گویی وقتی باهاش روبرو شدی صداقت را بلند نکن؟ آدم با یک چنین

۱. بقره: ۸۳

۲. طه: ۴۳ و ۴۴

۳. قصص: ۴

حیوان خطرناکی که روبرو می‌شود خب طبیعتاً صدای آدم می‌رود بالا من بهش می‌گویم دست از ظلم بردار می‌گویی به تو چه. می‌گویم بیا خدا را عبادت کن می‌گویی خدا کیست؟ این جواب‌ها را به من می‌دهد آدم طبیعتاً صدایش بالا می‌رود. خطاب رسید در بین همه انبیا تو با این دشمن حق بلندبلند حرف زدن نداری چون بیست سال وقتی از آن جعبه گرفتت در آب تو را بزرگت کرد بوی حق پدری به تو می‌دهد نمی‌شود بلندبلند با او حرف بزنی. این پیمانی است که وجود ما دارد نشان می‌دهد. طبیعی که وجود ما دارد به ما می‌گوید که به پدر و مادر نیکی کن. حالا اگر خدا هم یاد ما نمی‌داد ما باید به پدر و مادر نیکی می‌کردیم، این دو جمله. ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا﴾ این خود پیمان که وجود خود ماست. حرفم تمام، قرآن چه دریایی است چقدر مطلب دارد این کتاب چقدر بیدارکننده است چه حقایقی در این کتاب الهی است.

### فراق حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

امیرالمؤمنین علیه السلام مسجد بود بچه‌ها چهارتا یا سه‌تا بچه بسیاری از علمای ما می‌گویند صدیقه کبری علیها السلام یک دختر داشته زینب و ام‌کلثوم لقبش بوده که حالا بعداً به نظر آمده که دوتا دختر بودند. بیشتر اعتقادشان این است که یک دختر بوده‌ام کلثوم لقب زینب کبری علیها السلام است حالا دوتا دختر داشت و دوتا پسر. این‌ها بعد از نماز ظهر آمدند وارد اتاق مادر شوند اسماء به چهارتا بچه که بزرگشان هشت سالش بود امام مجتبی علیه السلام، امام حسین علیه السلام شش سالش بود زینب کبری علیها السلام پنج سالش بود حضرت کلثوم علیها السلام چهار سالش بود گفت که در را باز نکن گفتند می‌خواهیم برویم پیش مادر گفت مادران استراحت کرده گفتند نه بالاخره در را باز کردند وقتی چهارتایی‌شان آمدند این‌طور که روایت می‌گویند این‌طوری نشستند امام حسن علیه السلام که هشت سالش بود بالاسر مادر دوتا دختر دو طرف مادر ابی‌عبدالله علیه السلام هم پایین پای مادر هر چه مادر را صدا زدند دیدند جواب نمی‌دهد امام حسین علیه السلام از جا بلند شد



گفت برادر خواهران من الآن می‌روم بابایم را خبر می‌کنم ابی‌عبدالله علیه السلام آمد مسجد به پدرش گفت پدر هر چه می‌توانید عجله کنید فکر نمی‌کنم دیگر مادرم را زنده ببینید این خبر را که به امیرالمؤمنین علیه السلام داد نوشتند از جا که بلند شد عبایش افتاد برداشت کفشش را هم نپوشید یعنی زهرا علیه السلام مقامی دارد که من علی باید پابرنه به زیارتش بروم درحالی که داشت به طرف خانه می‌آمد این‌طور زمزمه کرد «لِكُلِّ اجْتِمَاعٍ مِنْ خَلِيلَيْنِ فُرْقَةٌ»<sup>۱</sup> بین دو تا یار آخرش جدایی می‌افتد «وَكُلُّ الَّذِي دُونَ الْمَمَاتِ قَلِيلٌ» هر مصیبتی آسان است ولی مصیبت فراق یار خیلی سنگین است «وَ إِنَّ افْتِقَادِي فَاطِمًا بَعْدَ أَحْمَدٍ دَلِيلٌ عَلَيَّ أَنْ لَا يَدُومُ خَلِيلٌ» من که هنوز حرارت داغ مرگ پیغمبر از قلبم سرد نشده چه شد آمدی خبر مرگ زهرا را برایم آوردی؟ علی جان شما آمدی در اتاق را باز کردی فقط جنازه دیدی و بی‌تاب شدی اما پنجاه سال بعد دخترت آمد گودال قتلگاه...



۱. مروج الذهب طبع مطبعة سعادت مصر، ۱۳۶۷ هـ - ق، ج ۲، ص ۲۹۷ و ص ۲۹۸.



جلسہ پنجم

اہمیت و جایگاہ نماز (۱)



# نماز و تسبیح کل موجودات هستی

در یک بخش از سخن توجه فرمودید به دلیل دو آیه از آیات قرآن، سوره اسراء و نور نمازگزار بوسیله نمازش با کل موجودات عالم هستی هماهنگ است، تنها نیست بیگانه نیست. در یک صفی قرار دارد که همه ملکوتیان عالم و همه موجودات، همه درختان همه پرندگان در این صف قرار دارند. در آیه نور شنیدید که نماز، حتی برای همه درختان و پرندگان تسبیح است. علاوه بر اینکه نماز و تسبیح دارند به نماز و تسبیحشان هم معرفت دارند. درخت نماز خودش را می‌فهمد تسبیح خودش را می‌فهمد ﴿كُلُّ قَدٍّ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَ تَسْبِيحَهُ﴾ این یک بخش از کلام بود.

## دعای دائمی برای مؤمنان نمازگزار

نمازگزار که به خاطر مؤمن بودنش اهل نماز است و کسی که خدا باور و قیامت باور نیست نماز نمی‌خواند اگر هم بخواند قرآن می‌گوید این نمازش کلاه برداری، حيله و تقلب است. بی‌نماز یک انسان بیگانه و غریبه از کل موجودات است. نمازگزار آشنای این عالم هستی است دانستید در آیه هفتم سوره مؤمن ملائکه عرش و اطراف عرش به اهل ایمان پیوسته دعا می‌کنند نه یک بار نه یک روز نه یک شب بلکه یک دعای دائمی. کسی که مؤمن



نیست و طبیعتاً نماز نمی‌خواند هیچ دعایی بدرقهٔ راهش نیست چون وقتی که دعاکنندگان عالم فرشتگان، انبیا، ائمه و اهل دعا، دعا می‌کنند دعایشان بیگانه را نمی‌گیرد دعا متوجه آشناست.

### عدم تخفیف در عذاب روی‌گردانان از نماز

در یک بخش سخن هم شنیدید - که هنوز توضیح آیاتش تمام نشده - روی‌گردان از نماز در قیامت عذاب دارد و آیهٔ شریفه می‌فرماید در عذابش هم تخفیف داده نمی‌شود. معلوم می‌شود بعضی از جهنمی‌ها یک کارهایی در دنیا داشتند که باعث تخفیف عذابشان است این از مفهوم مخالف آیه استفاده می‌شود. در روایاتمان هم دارد وجود مبارک امام باقر علیه السلام می‌فرماید یک کافری قیامت به جهنم برده می‌شود کفر عامل دوزخ رفتن است ولی به اندازهٔ کفرش عذاب ندارد کمتر است، تخفیف دارد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید علت تخفیفش این است که در دنیا یک همسایهٔ مؤمنی داشت و این کافر هر وقت این مؤمن یک کاری داشت مثلاً مهمانی داشت عروسی داشت، یک فرشی می‌خواست یک ظرفی می‌خواست این کافر آدم مهربانی بود با این مؤمن دشمن نبود کمکش می‌کرد؛ مشککش را حل می‌کرد این در قیامت تخفیف دارد؛ اما کسی که بین ملت اسلام زندگی می‌کند مسلمان هم به دنیا آمده ولی روی‌گردان از نماز است، می‌بیند پدر، مادر، عمه، خاله، همسایه‌ها و مردم محل مشتاقانه نماز می‌خوانند این قدر هم نماز را دوست دارند که او نماز دوستی این‌ها را درک نمی‌کند، ایراد هم می‌گیرد، می‌گوید که چی؟! نیم ساعت به اذان در این هوای سرد از رختخواب گرم بلند می‌شوند می‌روند با آب یخ وضو می‌گیرند از خانه‌شان پیاده راه می‌افتند می‌روند مسجد نماز می‌خوانند چه حوصله‌ای دارند! این دیگر چیست؟!

### علت نماز نخواندن روی‌گردانان از نماز

روی‌گردان از نماز، اشتیاق مردم مؤمن را به نماز می‌بیند ولی نماز نمی‌خواند علت نخواندنش هم چنان که قرآن مجید می‌فرماید یکی کبیر است یعنی به خودش نمی‌بیند رکوع و سجود





کند. علت دیگر هم این است که عبادت خدا انگار یک کوهی روی دوشش است ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾<sup>۱</sup>. که حالا به این آیه می‌رسیم از نماز کمک بگیرید، چه کمکی بگیریم؟ بیان شده بعد می‌گوید این نماز «لَكَبِيرَةٌ» یک بار سنگینی به دوش یک عده‌ای است «إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» مگر آن‌هایی که یک قلب فروتن و متواضعی نسبت به پروردگار مهربان عالم دارند آن‌ها نماز برایشان بار نیست، سنگین نیست، حمالی نیست. شوق است که راحت خواب، رختخواب و تختخواب را کنار می‌زنند بلند می‌شوند وضو می‌گیرند راه می‌افتند به مسجد می‌آیند. خیلی هم برایشان راحت و نرم است. کارشان شوق و ذوق است، حال است. خوششان می‌آید.

### علاقه به نماز از توفیقات الهی

علت این خوش آمدنشان هم این است که خدا به آن‌ها توفیق داده آمدند و این نماز را خواندند «الَّذِينَ إِذَا أَحْسَنُوا إِسْتَبْشَرُوا» این جمله با چهارتا دیگر جمله کنار این جمله از فرمایشات وجود مبارک امام باقر علیه السلام به نقل از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله است که یک نفر می‌آید پیش حضرت از ویژگی‌های بندگان خدا می‌پرسد «سُئِلَ عَنْ خِيَارِ الْعِبَادِ» آمد گفت آقا بندگان خوب خدا چگونه‌اند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: این خصلت بندگان خداست این چند تا خصلت اولی‌اش «إِذَا أَحْسَنُوا إِسْتَبْشَرُوا» هر کار خوبی که می‌کنند شاد می‌شوند نه اینکه مغرور شوند. مغرور لغتش عجب است خودبین بشوند و به خودشان ببالند و من بودم که نمازت را خواندم نه نماز را می‌خواند خوشحال می‌شود که پروردگار عالم به او لطف کرد محبت کرد و در گردونه نماز آوردش. «إِذَا أَحْسَنُوا إِسْتَبْشَرُوا» این خوشحالی خوشحالی خدایی است نه خوشحالی غرور نه خوشحالی منت. «وَ إِذَا أَسَاءُوا اسْتَغْفَرُوا» اگر دچار لغزشی بشوند توبه می‌کنند طلب مغفرت می‌کنند بخشش خدا را می‌خواهند «إِذَا غَضِبُوا

۱. بقره: ۴۵.

۲. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ج ۱، ص ۴۴۵.

عَفْوًا» اگر از کوره در بروند از دست دامادشان، عروسشان، بچه‌شان، زنشان، رفیقشان یا کسی، عصبانی شوند، گذشت می‌کنند دنبال این عصبانیت را نمی‌گیرند که به طرف ضربه آبرویی و شخصیتی بزنند می‌بخشند. «وَ إِذَا أُعْطُوا شَكَرُوا» هر وقت پروردگار عالم یک نعمتی به آن‌ها می‌دهد شکر می‌کنند.

### معنای صحیح شکر

شکر یعنی چه؟ یعنی تا نعمت پیششان آمد می‌گویند الهی شکر؟ نه این معنی شکر نیست. قرآن شکر را معنی کرده ﴿اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا﴾ عمل شکر است این «شُكْرًا» در آیه شریفه از نظر ادبی مفعول لِأَجَلِهِ است یعنی به خاطر شکر من عمل کن. یعنی تا یک نعمتی خدا بهشان می‌دهد نعمت را در همان راهی که خدا می‌خواهد هزینه می‌کنند. پول بهشان می‌دهد مثبت هزینه می‌کنند نسبت به این پول ناسپاسی نمی‌کنند ناشکری نمی‌کنند. بلند نمی‌شوند بروند برای دو ساعت عروسی بچه‌شان دخترشان پسرشان یک هشتصد نهصد میلیون تومان به یک هتل بدهند آن هم شب که مردم خیلی نمی‌توانند پرخوری کنند مهمان‌ها یکی چهار پنج لقمه می‌خورند بقیه‌اش را هم می‌برند دور می‌ریزند با پولشان این کار را نمی‌کنند، با پولشان شکر می‌کنند.

قبل از انقلاب یک پولداری، پولدار مؤمن که بلد بود نعمت خدا را چگونه هزینه کند این پرسش را می‌خواست زن بدهد از دوستان دوستان ما بود. من ندیدمش ولی آن دوستم برایم گفت ظاهراً برای او هم کارت فرستاده بود. هم خانواده داماد هم خانواده عروس خانواده پرجمعیت و آدم‌های پولدار و با موقعیتی بودند. این پدر داماد با پدر عروس نشستند باهم توافق کردند که آن زمان در یکی از بهترین هتل‌های گران تهران عروسی برقرار کنند توافق کردند. چطوری توافق کردند؟ این طوری، هزارتا مهمان داشتند هزارتا کارت چاپ کردند پشت پاکت‌های کارت نوشتند حضور محترم آقای حاج محمدحسن، آقای حاج محمدحسین،



آقای آ میرزا تقی روز پنجشنبه ساعت هفت بعد از اذان تا ساعت ده این پسر و این دختر عروسی دارند تشریف بیاورید مقدماتان گرامی. آن وقت در هر پاکتی یک کارت گذاشته بودند که از اینکه قبول کردید تشریف بیاورید متشکریم ما این خرج سنگین عروسی را دادیم ده تا دختر و پسر عروسی کنند. این پول خرج کردن را بلد بودن این شکر است. خیلی‌ها فکر می‌کنند شکر همین «الحمد لله» گفتن است این همه آیات قرآن راجع به شکر این واقعاً همین «الحمد لله» گفتن است؟ یا همانی است که خود پروردگار معنی کرده «اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا» عمل کنید به خاطر اینکه شکر تحقق پیدا کند عمل شما شکر است. الآن این نمازی که امروز صبح خواندید، این شکر بدنتان، شکر عقلتان، شکر زبانتان است، مفاصل زانو و کمرتان است که توانستید باهاس رکوع و سجود کنید. خود این نماز، روزه ماه رمضان و گریه بر ابی عبدالله علیه السلام شکر است؛ یعنی این گریه یکی از بالاترین موارد شکر است برای حضرت سیدالشهدا علیه السلام. هر کار خوب و مثبتی شکر است.

### بی نماز بیماری کبر ابلیسی دارد

خب حالا کسی که نسبت به پروردگار تکبر دارد این تکبر تکبری که روی منبرها می‌شنوید یا در اشعار می‌شنوید که خیلی زشت است و قیامت آدم را خراب می‌کند این تکبر ما در مقابل همدیگر، نیست آن هم بد است که حالا یکی به من باذوق و شوق سلام می‌کند من درست جوابش را نمی‌دهم هم‌چین خودم را کسی می‌دانم و آن را کسی نمی‌دانم. این کبر است ولی این آدم را جهنم نمی‌برد. این عمل بدی است. یا اینکه یکی را باید احترام کنم نکردم علت احترام نکردنم هم این بوده که خودم را بزرگ می‌دانستم این کبر است ولی با این کبر ما را جهنم نمی‌برند. مقاممان را کم می‌کنند نمره‌مان باید بیست می‌شد هجده می‌دهند آدم به خدا بگوید چرا دوتا نمره از من کم کردی؟ خطاب می‌رسد که نسبت به بندگان من تکبر کردی خودت را کسی دانستی او را کسی ندانستی کار بدی کردی اما با این کبر آدم جهنم نمی‌رود. آن کبری که متکبر را می‌برد جهنم کبر ابلیسی است ﴿أَبَى وَ

إِسْتَكْبَرُوا كَانِ مِنَ الْكَافِرِينَ<sup>۱</sup>. کبر ابلیسی چیست؟ این کبر در قرآن بیان شده: پروردگار عالم از روی حکمت و مصلحتش به بنده‌اش گفته این کار را بکن «أَبِي» بگوید نمی‌کنم و نسبت به امر خدا تکبر کند، تکبر ابلیسی همین بوده که خداوند به کل فرشتگان و ابلیس امر کرد امر واجب، ﴿فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾<sup>۲</sup> به این مخلوق جدید من سجده کنید ﴿فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ﴾<sup>۳</sup> همه ملائکه سجده کردند «إِلَّا إِبْلِيسَ» او گوش به حرف من ندارد. فارسی‌اش این است کسی که به حرف خدا گوش ندهد. به خاطر کبر ما خودمان کسی هستیم او کیست که من به او سجده کنم؟ این کبر ابلیس است. کبر ابلیسی در هر کس باشد چه کار می‌کند؟ همان کاری را می‌کند که با ابلیس کرد که پروردگار به ابلیس گفت «لَا مَلَأَنَّ جَهَنَّمَ» این آیه قرآن است در سوره اعراف است ﴿لَا مَلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ﴾<sup>۴</sup> من این هفت طبقه جهنم را از شخص تو و هر که در این تکبر از تو تبعیت کند یعنی در برابر امر من بایستد و نه بگوید. تو (خدا) نزدیک به صدار در قرآن مسئله نماز را مطرح کردی اما من نمی‌خواهم بخوانم. جهنم را از تو و آن‌هایی که در این تکبر در برابر خواسته‌های من مثل تو عمل کنند هفت طبقه‌اش را پرکنم. این کبر ابلیسی. بی‌نماز بیماری کبر ابلیسی را دارد.

### عدم تخفیف در عذاب بی‌نماز و بی‌یار بودن او در قیامت

این بی‌نماز در آیه هشتاد و ششم سوره بقره است به دلیل آیه هشتاد و سوم سوره بقره این بی‌نماز این معرض با ضاد و عین که لغتش در آیه ۸۳ است ﴿وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ﴾<sup>۵</sup> من از شما پیمان گرفتم اهل نماز بشوید اما شما روی گردانی کردید شانه بالا انداختید گفتید

۱. بقره: ۳۴.

۲. حجر: ۲۹ و ص: ۷۲.

۳. حجر: ۳ و ص: ۷۳.

۴. اعراف: ۱۸.

۵. بقره: ۸۳.



نمی‌خواهم، نمی‌خواهم بخوانم مگر زور است. نه نماز زور نیست نماز عشق است نماز شوق است نماز ذوق است نماز اتصال یک موجود ضعیف خاکی به قدرت بینهایت عالم و به منبع خیر است. چه زوری؟! که اسمش را می‌گذارد زور، مگر زور است؟! نمی‌خواهم بخوانم. زور نیست کبر است نه زور؛ این بی‌نماز در قیامت ﴿فَلَا يُخَفِّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ﴾ من در جهنم عذابشان را تخفیف نمی‌دهم؛ اما آن کافری که امام باقر علیه السلام فرمود به مومن همسایه‌اش خدمت می‌کرد آن را تخفیف می‌دهد اما بی‌نماز را تخفیف نمی‌دهد ﴿وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾ و در قیامت از میلیاردها بشر و میلیاردها فرشته یک نفر پیدا نمی‌شود که بی‌نماز را کمک دهد نرود جهنم، هیچ کس سراغش نمی‌آید. چون بیگانه است غریبه است قرآن می‌گوید نماز برای کل موجودات است من وقتی نماز نخوانم پشت به کل موجودات کردم و از این صف آدم بیرون آشنایی ندارم که قیامت بیاید سراغم.

### آشناهای قیامت، منبع عظیم مهربانی و محبت

برای قیامتمان بکوشیم آشنا داشته باشیم، آشناهای قیامت منبع عظیم مهربانی و محبت هستند و فریادرس و دلسوز. ما در روایات مهمی داریم که روز قیامت - روایات خیلی مهمی در کتاب‌های خیلی ریشه‌دار و اصیلمان داریم - پروردگار به صدیقه کبری علیه السلام خطاب می‌کند ﴿قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ﴾ تو که پرونده نداری دادگاه نداری معطلی نداری الان که از قبر بیرون آوردمت تمام درهای بهشت به رویت باز است برو. این وضع خیلی عالی‌ای است قیامت که آدم وارد محشر شود بهش بگویند تو جزء کسانی هستی که «به غیر حساب» حسابی نداری برو اما صدیقه کبری علیه السلام همه امتیازش به این بود که در همه شئون زندگی عبدالله بود همین روحیه را هم قیامت دارد. وقتی خدا بهش خطاب می‌کند

۱. بقره: ۸۶

۲. بقره: ۴۸

۳. یس: ۲۶



«قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ» وارد بهشت شو هشت در بهشت هم به رویت باز است البته در نه به معنی این درهاست یعنی هشت مقام بهشت در اختیارت است بهشت که در ندارد.

## اندازه ی بهشت

قرآن مجید می گوید ﴿وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ﴾<sup>۱</sup> بهشت به پهنای آسمان ها و زمین است تا حالا هیچ حسابگری در شرق و غرب پهنای آسمان را نفهمیده است. نمی شود فهمید. وقتی دانشمندان علوم جدید که حرف هایشان در این زمینه ثابت است انحرافی ندارد به ما می گویند نور در یک ثانیه که یک ثانیه یک شصتم یک دقیقه است. شصت ثانیه می شود یک دقیقه پشت چراغ قرمزها که می ایستید عدد می زند هر روشن خاموش شدنش یک ثانیه است، نور در هر ثانیه سیصد هزار کیلومتر راه طی می کند یعنی وقتی که از یک گوشه ای نور در بیاید در یک ثانیه راهش باز باشد سیصد هزار کیلومتر می رود وقتی به ما می گویند جدیداً حالا آینده نمی دانیم چی ها کشف می شود جدیداً جدید که من می گویم برای هفت هشت سال پیش است داشتیم می دیدم می خواندم چون این مطالب را من خیلی دنبال می کنم. ستاره ای را کشف کردند که فاصله اش با زمین با نور ارزیابی می شود کل ستاره ها با نور ارزیابی می شوند. می گویند خورشید تا زمین چقدر فاصله نوری دارد؟ هشت دقیقه و مثلاً چند ثانیه وقتی طلوع می کند تا از صد و پنجاه میلیون کیلومتری به ما برسد مثلاً هشت دقیقه می کشد تا برسد مثلاً، آن وقت آن ستاره پر نور که بعضی هایشان چند میلیون برابر خورشید است یعنی چند میلیون خورشید داخلش جا می شود خورشید یک میلیون و سیصد هزار برابر زمین حجم دارد اینها آسمان های خداست. نوشتند آن ستاره نورش را که به طرف زمین حرکت بدهد ثانیه ای سیصد هزار کیلومتر بیاید پانصد میلیارد سال بعد به زمین می رسد، این پهنای آسمان است.

۱. آل عمران: ۱۳۳.



## تمام هشت مقام بهشت در اختیار صدیقه کبری علیها السلام

خب بهشت پهنای همه آسمان‌ها و زمین است کجایش را خدا در بگذارد؟ آنجا که جای در نیست این در کنایه از مقام است هشت مقام بهشت. صدیقه کبری علیها السلام بهش خطاب می‌شود که تمام مقامات بهشت در اختیار است برو وارد شو. ایشان تشریف می‌آورند خب کنار بهشت داخل نمی‌روند بالاخره صحرای محشر بیرون بهشت است همان جا می‌ایستند خود پروردگار خطاب می‌کند چرا نمی‌روی داخل بهشت؟ می‌گوید تنها نمی‌توانم بروم از دستم بر نمی‌آید یعنی پا دیگر حرکت ندارد در تنهایی، خطاب می‌رسد چه کسی را می‌خواهی؟ می‌گوید هر کسی که زمان ما بعد از مرگ ما تا قیامت یار ما بوده مددکار ما بوده کمک ما بوده شیعه ما بوده مخصوصا می‌خواهم با آنهایی وارد بهشت شوم که گریه‌کن و عزا دار حسین من بودند. این یک یار. یار در قیامت کسی است که منبع محبت است منبع مهر است تنهایی نمی‌تواند برود خطاب می‌رسد من حدی برایت معین نمی‌کنم هر کس را می‌خواهی صدا بزن عدد معین نمی‌کنم.

## اهمیت نماز

خب آدم وقتی نماز می‌خواند یک چنین یارانی پیدا می‌کند یارانی مثل فرشتگان عرش پیدا می‌کند کسی که اعراض از نماز دارد یار ندارد بیگانه است غریبه است مسخره است و روز قیامت ﴿فَلَا يُخَفِّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾<sup>۱</sup> خب همان دعایی که حضرت ابراهیم علیه السلام راجع به نماز داشت و در قرآن است من آن دعا را فارسی اش را در حق خودمان و زن و بچه و نسل‌مان تا قیامت از خدا بخواهم. حضرت ابراهیم علیه السلام هم همین را خواست گفت خدایا برای زن و بچه‌ام برای نسل‌ام تا قیامت نماز می‌خواهم. معلوم می‌شود انبیا نگران بودند نکند ما بمیریم دو هزار سال دیگر در نسل‌مان یک بچه‌ای بی نماز از آب در بیاید.

۱. بقره: ۸۶

نگران بودند که دعا می‌کردند ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَرَبِّ ذُرِّيَّتِي﴾ خدایا خودم نماز می‌خواهم برای نسلم هم تا قیامت نماز می‌خواهم اینقدر نماز مهم است؛ و ای کاش کل مردم ایران عظمت و ارزش نماز را می‌دانستند ولی همه نمی‌دانند. خدایا به حقیقت فاطمه زهرا علیها السلام به ما زن و بچه‌هایمان نسل‌مان این لطف را داشته باش ما و کل نسل و زن و بچه‌مان را اهل شوق و ذوق به نماز قرار بده. خدایا این گوهر گرانبهای بی نظیر عالم هستی یعنی نماز را هیچ وقت حتی یک بار از ما و زن و بچه‌ها و نسل‌مان نگیر.

### ارزش نماز مستحب برای اهل بیت

این نمازهایی که ما می‌خوانیم نماز واجب است، نمازهای مستحب چون اسمش نماز بوده خیلی هم باارزش است اما ارزش نمازهای واجب را ندارد. خیلی هم باارزش است و اهل بیت حاضر نبودند در هیچ شرایطی حتی نماز مستحب را از دست بدهند. شب یازدهم که این‌ها داغ هفتاد و دو نفر را دیده بودند دو شبانه‌روز تشنه بودند عصر عاشورا بعد از شهادت ابی‌عبدالله علیه السلام همه‌شان کتک‌خورده بودند تازیانه خورده بودند در این بیابان‌ها دویده بودند. حضرت سکینه علیها السلام می‌فرماید من خوابم نمی‌برد آن شب گفتم بروم پیش عمه‌ام دیدم نیست. بین خانم‌ها، دخترها و خواهرها نیست. در آن تاریکی شب یازدهم که ماه هم خیلی نور نداشت از جمعیت بیرون آمدم - از خانم‌ها و دخترها - یک‌چند قدم این طرف چند قدم آن طرف کنار یک تپه دیدم صدایش دارد می‌آید وقتی رفتم دیدم نشسته دارد نماز شب می‌خواند.





جلسه ششم

سیر حرکت انسان از دنیا تا قیامت



## هرجا عبادت نباشد، فساد حاکم است

ما به شدت برای دنیا و آخرت‌مان نیازمند به عبادتیم. ما مملوک و عبد آفریده شدیم؛ عبد و مملوک باید فرمان مالک و ربّ را که به سود و منفعتش نظام داده‌شده تبعیت کند. آنجایی که عبادت وجود ندارد قطعاً فساد حاکم است. فساد دنیا سبب فساد آخرت است رسول خدا ﷺ می‌فرماید «الدنيا مزرعة الآخرة» مردم در این دنیا زارع هستند می‌کارند فقط، کشتشان هم سه نوع است بذری که می‌پاشند سه نوع است؛ یک بذر بذر اعتقادی است که مربوط به قلب است از جمله بذر کفر، نفاق، شرک، کبر، کینه، حرس، طمع، حسد. سازمان خلقت را خدا این‌گونه قرار داده هیچ‌کس هم نمی‌تواند تغییرش دهد چند بار در قرآن فرموده «وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا»<sup>۱</sup> این روش و نظامی که بر جهان حاکم کرده اصلاً تغییری در او نخواهید دید هیچ‌کس هم قدرت تغییرش را ندارد.

### درخواست انسان برای بازگشت به فنا و نیستی و مخالفت خداوند

یکی می‌گفت خدا چرا ما را خلق کرده؟ گفتند این حرف را نزن چرا ندارد، دست ما نبوده ما را خلق کرده؛ حالا ما بین چند چیز قرار داریم: یک این که به خدا بگوییم ما را به عدم

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۷، ص ۱۰۹.

۲. فاطر: ۴۳.

برگردان یعنی به آن روزی که نبودیم. ﴿هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً﴾ یک روزگاری بر انسان گذشته که چیزی نبوده که قابل ذکر باشد، اصلاً نبوده است. از نبود که نمی شود خبر داد از نبود که نمی شود حرف زد. حکما می گویند نبود مساوی با ظلمت است ظلمت عدمی، نبود، حالا بود شده آن وجود مقدسی که او را بود کرده و حالا انسان می گوید من هستم، اگر به پروردگار بگویند که من را به آن نیستی که پیش از وجودم بود برگردان این دعا مستجاب نمی شود. یعنی اگر بزرگترین پیغمبران الهی یا اولیاء الهی هم چنین درخواستی می کردند محترمانه بهشان می گفتند نمی شود خب این یک مرحله که مطلقاً به خواسته ما گوش نمی دهند که ما گریه کنیم زاری کنیم دعا کنیم ما را به آن فنا و نیستی و عدم برگردان پس به ناچار باید در دنیا باشیم.

### درخواست انسان برای آزاد بودن و انجام هر کاری! و مخالفت خداوند

حالا یک حرف دیگر به خدا می زنیم می گوییم به حرف اولمان که گوش نمی دهی و می گویی من شمارا مطلقاً به روزگار نبودن و نیستی بر نمی گردانم پس ما را آزاد بگذار هر کاری دلمان می خواهد بکنیم. اما بعد از مرگ ما را زنده نکن که ببری جهنم این دعا هم مستجاب نمی شود که پروردگار عالم ما را آزاد رها کن ما هم هر گناهی دلمان بخواد بکنیم و بعد که مردیم به ما دست نزن. می گوید این دعا هم مستجاب نیست: ﴿كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أََمْواتًا﴾ شما یک روزی خاک بودید میت خاک «كُنْتُمْ أََمْواتًا» یعنی خاک مرده. «فَأَحْيَاكُم» این خاک را تبدیل به یک موجود زنده ای به نام انسان کردم «ثُمَّ يُمِيتُكُمْ». بعد از این حیات اول و مرگ اول دوباره شمارا می میرانم «ثُمَّ يُحْيِيكُمْ»، بعد از این مردن دوم چون یک بار مرده بودید. به صورت خاک بودید، حیات، حرکت و حس نداشتید، من شمارا به یک موجود زنده تبدیل کردم. مرگ دوم سراغتان می آید، همین مرگی که تابوت دارد و

۱. انسان: ۱.

۲. بقره: ۲۸. ﴿كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أََمْواتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُخِيبِكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾.



مرده‌شور خانه دارد و غسل و کفن و قبر دارد این مرگ دوم است. بعد از مرگ دوم حیات دوم شروع می‌شود «ثُمَّ يُحْيِيكُمْ» شما را زنده می‌کنم. تعجب هم نکنید چطور خاک پوسیده بدن شما دوباره زنده می‌کنم یک‌بار این کار را کردم. چون یک‌وقتی خاک بودید این خاک محصول داد نخود لوبیا عدس ماش گندم جو سبزی خربزه هندوانه و علف‌های بیابان که گوسفندها خوردند و پدر و مادر شما هم باهم عروسی کردند و این رویدنی‌های زمین و آن گوشت پاک چهارپایانی را که از علف‌های زمین خورده بودند این‌ها را خریدند و مخلوط کردند و پختند و دوتایی نشستند خوردند و نطفه شما از همان خاک در صلب پدر ایجاد شد، در رحم مادر آمد و شما به وجود آمدید. پس یک‌بار خاک بودید شما را ساختم حالا دوباره شما را به خاک برمی‌گردانم و همان خاک را زنده می‌کنم، به همین صورتی که در دنیا بودید. یعنی صورت انسانی یعنی بدن و جان. البته فقط شکل‌ها تغییر می‌کند.

### تفاوت چهره‌ها در قیامت!

قرآن مجید می‌گوید مردم مؤمن و مطیع خدا «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ» با چهره شاداب و درخشان وارد محشر می‌شوند و بدان روزگار هم که خیلی‌هایشان مرد و زنشان خوشگل بودند و آرایش و جلب‌توجه می‌کردند قرآن می‌گوید با یک چهره شکسته خرد و سیاه «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ» هم چهره درهم‌برهم شکسته و هم سیاه؛ همین این تغییر در ظاهر هم پیدا می‌شود.

### تغییر قیافه مؤمنان قبل از ورود به بهشت

یادم می‌آید پای یک منبری بودم - نوجوان بودم - منبرش آدم بسیار عالمی بود و جزء مدرسین تهران بود که من وقتی طلبه شدم یک مقدار کتاب رسائل شیخ انصاری را پیش او

۱. غاشیه: ۸

۲. غاشیه: ۲

خواندم خیلی آدم واردی بود. منبرهایش دو محور داشت اصلاً از این دو محور بیرون نمی‌رفت: آیات قرآن و روایات اهل بیت؛ اثرگذار هم بود. داشت راجع به زنده شدن مردگان از طریق قرآن می‌گفت و بهشت و جهنم و این موارد. یک پیرمردی همان جلوی منبر - دیگر سن ما قیافه‌ها همه شکسته و درهم و ورشکسته و بی‌ریخت است دیگر - گفت آقا خدا ما را بهشت می‌برد؟ گفت تو یکی را با این قیافهات مرده‌شور این ریختت را ببرد آخر تو به درد بهشت می‌خوری؟! بعد فرمود که ناراحت نشی، قیامت وقتی تو را می‌آورد بیرون چون مؤمن، اهل عبادت، اهل منبر و اهل تقوا هستی قیافهات می‌شود مثل یک دختر هجده‌ساله؛ با این قیافه از قبر بیرون نمی‌آورد، این تغییر در قیافه‌ها پیدا می‌شود.

### حسابرسی اعمال در قیامت

«ثُمَّ يُحْيِيكُمْ» خب این حیات دوم است. ما یک مرگ اول داریم یک حیات اول یک مرگ دوم یک حیات دوم. چهارتایش در یک آیه است. «كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ كُنْتُمْ أَمْوَاتًا» یک روزگاری خاک مرده بودید «فَأَحْيَاكُمْ» حالا شدید انسان زنده به وسیله من این مرگ اول و حیات اول. «ثُمَّ يُمِيتُكُمْ» ملک الموت را دنبال شما می‌فرستم جانتان را می‌گیرد می‌میرید این مرگ دوم. «ثُمَّ يُحْيِيكُمْ» بعد از این مرگ دوم به شما حیات دوباره می‌دهم، حالا که شمارا از قبرها بیرون می‌آورم کجا می‌برم؟ «ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» شمارا در قیامت به پیشگاه خودم می‌آورم، برای اینکه حساب عمرتان را به دستتان بدهم. نه اینکه ندانم شما چه کاره بودید نه، حسابرسی معنی‌اش این نیست که خدا بغل ما یک استادهایی از علوم ریاضی در ملائکه می‌گذارد و می‌گوید ببینیم این‌ها چه کار کردند. او خبر دارد فرشتگان هم خبردارند آن‌ها هم می‌دانند ما چه کاره بودیم. «وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ كَرَامًا كَاتِبِينَ يَكْتُبُونَ مَا تَعْمَلُونَ» فرشتگان من از آنچه در دوره عمرتان انجام دادید خبردارند.

## علت تشکیل دادگاه قیامت

پس دادگاه‌ها می‌خواهند چه کار کنند؟ می‌خواهند حساب ما را که خودشان می‌دانند و خودمان هم خبرداریم اما یادمان رفته به دستمان بدهند ﴿مُرْتَدُونَ إِلَىٰ عَالِي الْأَعْيَابِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنشَرُ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ قیامت شمارا می‌آورم خبر دهم که از اول تکلیف تا روز مرگ چه کار کردید. این درخواست دوم ما درخواست اول را که شنیدید مطلقاً قبول نمی‌کند که من به خدا بگویم از بودن خودم راضی نیستم، بی‌خود من را خلق کردی بی‌خود من را به وجود آوردی من اصلاً دلم نمی‌خواهد باشم، من را به همان خاک اولیه که دیگر زنده‌اش نکن، برگردان تا به عدم و نیستی بروم. خدا این دعا را مستجاب نمی‌کند ما را بر نمی‌گرداند. حالا هستیم حالا که مجبوریم باشیم دست خودمان هم نیست چون ما عبد و مملوکیم دست خودمان نیست. ما اگر دست خودمان بود خودمان را برمی‌گردانیم به عدم و نیستی که دیگر هست هم نشویم ما دست خودمان نیست پس ما مجبوریم باشیم. حالا می‌آییم به خدا می‌گوییم حالا که ما را بر نمی‌گردانی خودمان هم که نمی‌توانیم خودمان را برگردانیم و مجبوریم که باشیم پس ما را آزاد بگذار که هر لذت و گناهی در این دنیا هست مرتکب بشویم اما وقتی مردیم ما را زنده نکن، این را هم گوش نمی‌دهد.

## مجرم باید جریمه شود

می‌گوییم خیلی خب حالا که گوش به حرف ما نمی‌دهی و بعد از مردن ما را زنده می‌کنی به خاطر کثرت گناه ما را جهنم نبر، می‌گوید نه، مجرم جریمه دارد. خودتان هم جرم و جریمه را قبول دارید خودتان از چراغ قرمز رد می‌شوید دوربین عکس می‌گیرد یک قبض دوپست تومانی می‌آید در خانه‌تان بی‌خود هم ناراحت می‌شوید. مجرمید، ورود ممنوع رفتید خب جرم جریمه دارد همه هم قبول دارند آمریکایی‌ها اروپایی‌ها آفریقایی‌ها همه جرم را قبول دارند جریمه را هم قبول دارند. این طور نیست که به من بگویی من پنجاه شصت سال

جرم کردم چقدر دل حضرت موسی علیه السلام را لرزاند، چقدر حضرت نوح علیه السلام را اذیت کردم، در کربلا ابی عبدالله علیه السلام را کشتم و هفتادودو تن را قطعه‌قطعه کردم، شب و روز عرق خوردم، ورق بازی کردم، زنا کردم، ربا خوردم، حالا اگر من را گوش نمی‌دهی که زنده‌ام نکنی و زنده‌ام می‌کنی پس جهنم نبر. می‌گویند جرم جریمه دارد می‌برمت جهنم هیچ کاری هم نمی‌توانی بکنی. اگر هم قیامت بگویم برو جهنم، نیروی به فرشتگانم می‌گویم، در قرآن هم است ﴿خُذُوهُ﴾ بگیریدش «فَعَلُوهُ» از گردن تا مچ پا به زنجیر ببندیدش حالا زنجیرهای قیامت، ﴿قُرْ الْجَحِيمِ صَلْوُهُ﴾<sup>۲</sup> ببندازیدش در جهنم با همین زنجیرها این هم که گوش نمی‌دهد که ما را آزاد بگذارد هر کاری دلمان می‌خواهد بکنیم و قیامت ما را نبرد جهنم.

### تنها راه نجات گوش دادن به اوامر الهی

می‌ماند فقط یک مسئله که می‌توانیم به آن شادباشیم این که به حرف خداوند گوش بدهیم قیامت هم برویم بهشت همین. این حرف را گوش بدهیم که خدایا به من به زن و بچه‌ام به نسلم به دوستانم این لطف را بکن این محبت را بکن از باطن ما را کمک کن ما تو را عبادت کنیم، حرام نخوریم، زکات و خمس را بدهیم، روزه‌مان را بگیریم دیگر لازم نیست به خدا بگوییم در ضمن ما را بهشت ببر. در قرآن وعده قطعی داده که شما مؤمن با عمل صالح باشید بهشت رفتنتان صد درصد است. زحمت طلب بهشت را هم از من نکشید من به بهشت می‌برم فقط این یک حرف را گوش دهید. اما من را به عدم برگردان می‌گویند نه، بعد از مردن زنده‌ام نکن می‌گویند نه، قیامت واردم کردی جهنم نبر می‌گویند می‌برمت با زنجیر هم می‌برمت خب این‌ها را که گوش نمی‌دهد فقط یک حرف می‌ماند که گوش داده و آن همین است ﴿إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾<sup>۳</sup> دستم بگیر که راه انحرافی نروم،

۱. حاقه: ۳۰.

۲. حاقه: ۳۱.

۳. فاتحه: ۶.



شما هم راه خدا را حرکت کن هیچ زحمت درخواست بهشت هم نداشته باش چون وعده صد در صد است.

## محور اصلی دعای اولیاء خدا

اولیاء خدا دعاهایشان در قرآن هست. محور اصلی دعاهای اولیاء خدا این است که: حالا که ما با تو آشنا هستیم، مؤمن و اهل عمل صالح هستیم ﴿وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾<sup>۱</sup> یک لطفی به ما بکن که ما خودمان را جهنمی نکنیم اما نگفتند به ما بهشت بده. شما جهنمی نشو بهشت مال شما می‌شود. لازم نیست بخواهی، این حقیقت می‌ماند با توجه به اینکه حرف گوش داده‌ای. حرف اول منبر حالا کاملاً روشن شد که ما به عبادت نیازمندیم عبادت دنیای ما را یک دنیایی می‌سازد که خدا از آن دنیای ما راضی است ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ﴾<sup>۲</sup>.

## عبادت، بذر بهشت!

عبادت غیر از اینکه دنیای ما را مورد رضای خدا قرار می‌دهد بذری است که ما در این زمین دنیا می‌پاشیم. سه نوع بذر است به قول کشاورزها یک کَرْتَش را اعتقاد می‌پاشیم. باور داشتن خدا، قیامت، انبیا و قرآن. یک کرتش هم عمل صالح می‌کاریم. یک کرتش هم اخلاق حسنه می‌کاریم. این دنیا مزرعه است کاشتیم. حالا وارد آخرت می‌شویم پروردگار عالم بهشت را به ما نشان می‌دهد که ما با چشم سر می‌بینیم به ما می‌گویند وقتی که بهشت را نشان دادند ﴿أَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾<sup>۳</sup> می‌گویند این بهشتی است که در دنیا بهتان قولش را داده بودیم این میوه کشت‌هایت، ایمانت، اعمال و اخلاقت است ﴿جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾<sup>۴</sup> از این آیات در قرآن زیاد است.

۱. آل عمران: ۱۶.

۲. مائده: ۱۱۹.

۳. فصلت: ۳۰.

۴. سجده: ۱۷.

## روشنایی راه بهشت برای اهل ایمان و عبادت

یا وقتی وارد قیامت می شویم. این آیه را کامل دقت کنید من آرام می خوانم کلمه به کلمه در سوره حدید به پیغمبر ﷺ می گوید قیامت روزی است که ﴿يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾ حبيب من هر چه مرد مؤمن از زمان آدم تا قیامت نه فقط امت خودت هر چه مرد مؤمن و «الْمُؤْمِنَاتِ» و هر چه زن مؤمن، آن ها را می بینی «يَسْمَعِي نُورَهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ» نورشان، این خیلی جالب است خدا نمی گوید نور من می گوید نور خودشان این نور خودشان همین روشنایی ایمان است، روشنایی نماز است روشنایی عبادات است «الْوُضُوءِ نُورٌ» «الْعِلْمُ نُورٌ» «الصَّلَاةُ نُورٌ» این ها همه در روایات است نور خودشان پیشاپیششان در حرکت است مثل قدیم ها که پولدارها اصلاً یکی در استخدامشان بود برای شب که می خواهند مهمانی بروند عروسی بروند چراغ جلوی شان می کشیدند اسمشان را چراغ دار می گفتند. فردای قیامت حبيب من می بینی نور مؤمنین و مؤمنات روشنایی خودشان است و این نور پیشاپیششان حرکت می کند ﴿وَبَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ﴾ و دست راستشان یعنی حقیقت وجودشان نه این دست راست اصطلاحی، اینجا هم نور است همین طوری که مردان مؤمن و زنان مؤمن دارند می روند به آن ها خطاب می شود «بُشْرَاكُمْ الْيَوْمَ» مژده باد به شما. چه زمان؟ همین الان مژده باد «الْيَوْمَ» نه صدسال دیگر. چی؟ «جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» این بهشت روبه روی تان است با این نور تان دارید می روید طرف بهشت و رسیدن شما به بهشت پیروزی بزرگ است که این پیروزی را شما در دنیا به دست آوردید چون سه تا بذر کاشتید. یک کشتان اعتقادات

۱. حدید: ۱۲.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۱.

۳. این عبارت در روایات مختلفی آمده است از جمله حدیث عنوان بصری.

۴. «الصَّلَاةُ نُورُ الْمُؤْمِنِ» نهج الفصاحة، ج ۱، ص ۵۵۰، حدیث ۱۸۷۴.

۵. حدید: ۱۲.



درست بوده، یک کشتان اخلاق خوب بوده، یک کشتان هم عمل صالح. این پاداش شما متدین‌ها است.

### عاقبت کشت بذر فساد در دنیا

یک عده‌ای هم الآن با ما زندگی می‌کنند در مملکت زندگی می‌کنند در بازار در خیابان در پاساژها فقط دارند بذر فساد می‌پاشند. بی‌دین، لائیک، منافق، مشرک و کافر هستند این بذر قلبی. ردایل اخلاقی دارند حسد، کبر، غرور و حرس دارند می‌کارند. عمل زشت هم دارند زنا، ربا و عرق و ورق دارند می‌کارند. این‌ها وقتی روز قیامت بیرون می‌آیند جهنم جلوی‌شان است می‌گویند ﴿هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾<sup>۱</sup> این است همان جهنمی که در دنیا به شما می‌گفتم با این کشتی که دارید می‌کنید درگیرش می‌شوید.

در نوشته‌های مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی جوانی‌هایم دیدم - خیلی وقت است دیگر کتاب‌های ایشان را نخواندم. جوان که بودم چند تا کتاب داشت ایشان آنجا خواندم از پیش‌نمازهای مسجد گوهرشاد بود و آدم عالمی بود و یک بیست‌تایی کتاب به‌دردبخور نوشت - در یکی از کتاب‌هایش دیدم که فضیله درس می‌خواند یک‌چند روزی یکی از شاگردهایش نیامد پرسید کجاست؟ گفتند مریض است همان روزآمد دیدنش نشست بالای سر این شاگردش هر کاری کرد که این‌یک «لا إله إلا الله» بگوید نگفت چشمش هم باز بود زبانش هم باز بود فضیله به او گفت خب یک‌دانه «لا إله إلا الله» بگو. آخرش به فضیله گفت این قدر به من فشار نیاور من قبول ندارم و مرد. فضیله خیلی نگران شد باطن این آدم را که نمی‌دانست ولی می‌دید می‌آید درس می‌خواند. امروز ما پیدا نیستیم چه کسی هستیم قیامت حسابی پیدایمان می‌شود که چه کسی بودیم. خیلی نگران بود ایشان می‌نویسد یک‌شب - این رؤیای صادقه است این خوابی است که با قرآن می‌خواند - خواب دید قیامت است یک‌دفعه دید شاگردش را به زنجیر کشیدند کل هیکلش هم در



آتش است دارند می‌برندش جهنم به فرشتگان گفت به من اجازه می‌دهید با این یک کلمه حرف بزنم؟ گفتند بفرمایید گفت تو که درس ما می‌آمدی ما هم که درسمان درس خداشناسی و دین‌شناسی و معرفت بود، پس چرا این طوری شد؟ گفت فضیل من تا آخر عمرم دچار سه‌تا گناه بودم، یکی دو به هم زنی؛ خیلی گناه زشتی است آدم بین زن و شوهر بین برادر و برادر بین شریک و شریک بین این مسجد و آن مسجد بین این شهر و آن شهر به هم بریزیم دو به هم زنی. یک گناه دیگر هم حسد اصلاً تحمل نداشتم نعمت خدا را به دیگران ببینم همش دست‌وپا می‌زدم که این نعمت از این آدم گرفته شود که من لذت ببرم و گناه سوم هم سالی یک‌بار، بیشتر نه سالی یک‌بار یک لیوان مشروب می‌خوردم. حالا یک عده‌ای هم صبحانه مشروب می‌خورند هم نهار هم شام حتی الآن در عروسی‌های خیلی شهرها آنجاها هم من شنیدم شراب - هم نیرو انتظامی هم مردم گفتند روی منبر بگو، یعنی بوده - بعضی عروسی‌ها مشروب هم می‌دهند. این کشت فاسد. کشت‌ها هم ابداً باهم اشتباه نمی‌شود.

### هر چه بکاریم همان را درو می‌کنیم

از مکافات عمل غافل مشو      گندم از گندم بروید جو ز جو  
هیچ وقت ما نخود نمی‌کاریم گندم بشود. این داستان ما، وجود ما، قبل ما، الآن ما، مرگ ما، زنده شدن ما، قیامت ما، بهشت ما، جهنم ما و کشت ما.  
ای جوان‌ها از ما که گذشته داریم می‌میریم.  
سپید گشتن مو ترجمان این سخن است      که سر بر آر ز خواب گران سپیده دمید  
مال ما دیگر بوی مردن و قیامت و برزخ به مشاممان دارد می‌خورد یا امروز یا فردا ما همه چیزمان شل است یکی هم مغزمان. یک دفعه نشستیم مغز دیگر نمی‌تواند حرکت کند می‌ایستد ما می‌میریم. یکی قلبمان شل است خبر هم ازش نداریم یک دفعه می‌ایستد. اما شما جوان‌ها که این منبر را امروز شنیدید مواظب خودتان باشید این چندروزه عمر بذر فاسد نکارید تا فردا جهنم درو نکنید «لا إله إلا الله».



## از بین بردن بذر فاسد قبل از تبدیل شدن به آتش جهنم!

حالا اگر بین خودمان و خدا بذر فاسد کاشته باشیم نه بین خودمان و مردم حالا ممکن است در حق مردم فساد داشته پولشان را بردم، مالشان را خوردم زمینشان را خوردم آنها نه، آنها را نمی‌گویم اما یک بذرهایی بوده بین خودمان و خدا فقط هم خودش می‌داند زمان بچه‌مان پدرمان مادرمان خواهرمان خبر ندارد یک گناهی داشتیم بذرش را هم پاشیدیم بذر هم سبز شود ولی می‌شود این بذرهایی فاسد کاشته شده را تا به صورت جهنم نشده، نابود کنیم؟ بله می‌شود! یک‌راه قوی نابود کردنش - این که می‌گویم ایمانم است یقینم است اعتقادم است مدرک هم دارم چه مدرک‌هایی - یک‌راه نابود کردن بذرهایی فاسد که به قیامت نرسد، چون اگر به آنجا برسد به صورت آتش سر برمی‌آورد؛ اما همین‌جا می‌توانیم بذر را یک کاری بکنیم که ریشه نگیرد ساقه هم ندهد از بین برود یک‌راهش که قوی‌ترین راهش است گریه بر حضرت سیدالشهدا علیه السلام است. این یک راهش، یک‌راه بسیار مهم. چه روزگار خوشی داریم ما هرروز صبح کاملا وارد روز نشده با گریه بر ابی‌عبدالله علیه السلام روز را شروع می‌کنیم عجب روز عالی‌ای...



جلسه، مقوم

اهمیت نماز (۲) و نظام پاداش

و عذاب در قیامت





## ضرر رساندن به خود حرام است!

کتاب خدا گاهی نماز را مستقلاً بیان فرموده یا به صورت امر به نماز، آن هم امر واجب. طبق قرآن انجام امر واجب پاداش دارد و بازهم طبق قرآن ترک امر واجب کیفر دارد. ممکن است کسی بگوید من نمی‌خواهم این امر واجب را انجام بدهم جوابش با توجه به آیات قرآن این است که هیچ‌کسی حق ندارد خودش را در معرض جهنم قرار بدهد اگر کسی یک چاقوی تیزی را بردارد و یکجایی از بدنش را بی‌علت بی‌د حرام است. ما یک قاعده‌ای داریم اضرار به جسم، اضرار به بدن و اضرار به دیگران در این دنیا حرام است. ضررها متفاوت است و بالاترین ضرر دوزخ است. وقتی من بی‌علت با نوک چاقو به بدنم خراش بدهم حرام است، جهنم رفتن حلال است؟ امر واجب در عمقش است نمی‌خواهم بروی جهنم می‌خواهم با انجام امر واجب اهل پاداش باشی. ضرر زدن حرام است پس کسی که دارد خودش را آماده رفتن به جهنم می‌کند در طول تکلیفش دارد کار حرام انجام می‌دهد پس کار خلاف انجام می‌دهد، چرا؟ چون پروردگار عالم هیچ آیه‌ای در قرآن، تورات، انجیل و زبور داود ندارد - آن‌ها را هم من خواندم یک‌بخشی‌اش را آیات مربوط به انسان را در تورات در انجیل در زبور دارم و سعی کردم این تورات و انجیل و زبور را از خود کلیساهای اصلی بروم بخرم - در این کتاب‌های آسمانی ندارد که من ابتدائاً بشرها را به دو بخش خلق کردم اصلاً ابتدائاً هدفم این بوده که یک گروهی را خلق کنم برای رفتن به بهشت یک گروهی را خلق کنم برای رفتن به جهنم.



## از صفات بارز خداوند، ظلم نکردن خداوند به بندگان

وقتی خود پروردگار یا احکام و فقهش در قرآن یا به زبان پیغمبر ﷺ یا ائمه طاهرين  اعلام می‌کند اضرار به بدن حرام است آن وقت خود پروردگار می‌آید این حرام را مرتکب بشود! می‌گوید ضرر زدن به بدن خلاف عقل، خلاف اخلاق، خلاف انسانیت و خلاف شرع است آن وقت خودش می‌آید در همین رابطه یک خلاف بسیار بزرگی را که خلق کردن انسان برای جهنم بردن است مرتکب شود؟! می‌شود به پروردگار نسبت خلاف داد؟! حالا به یکی دو تا آیه در این زمینه توجه کنید آیات خیلی نورانی است. قرآن به همه آنچه به ذهن انسان می‌آید و درست نیست جواب داده اصلاً ما با قرآن می‌توانیم به همه وسوسه‌ها، سفسطه‌ها، شبهه‌ها و ایرادها جواب بدهیم. یک بخش از آیات قرآن معرفی پروردگار است که خدا صفاتش، فعلش و کارش چیست؟ ﴿أَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرَ﴾ من برای بندگانم کفر را ابداً نمی‌پسندم مگر اهل ستم به احدی از بندگانم نیست. اینکه ابتدائاً کسی، قومی یا ملتی را خلق کند که فقط بردشان جهنم اصلاً علت خلقت این باشد، این ظلم است و ظلم بر خداوند متعال روا نیست. محال است در دنیا انسانی در معرض ظلم پروردگار قرار بگیرد محال است. در قرآن دارد ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ﴾ من برای بندگانم کفر را ابداً نمی‌پسندم مگر اینکه خودشان به دست خودشان کاری کنند که بروند جهنم من این را نمی‌پسندم. خودش که هیچ کس را برای بردن به جهنم خلق نکرده در این آیه‌ای که خواندم می‌گوید اصلاً من راضی نیستم از بنده‌ای که کاری بکند که برود جهنم. از یک چنین آدمی خوشم نمی‌آید. نمی‌خواهم کسی برود جهنم این برای دنیا؛ اما برخورد پروردگار در قیامت با هر چه آدم بد، عرق‌خور، ربا‌خور، کافر، مشرک، منافق، بی‌دین، بی‌نماز، آدمکش، غارتگر، فرعون، شمر، یزید، معاویه برخورد با این‌ها در قیامت چگونه است؟ این هم خیلی جالب است در قرآن که پروردگار در آیات متعددی می‌فرماید کیفر تمام مجرمان به اندازه جرمشان

۱. آل عمران: ۱۸۲.

۲. زمر: ۷.

است ولی پاداش نیکوکاران به اندازه نیکی شان نیست. هر چه مشرک و کافر و بی دین است کیفر و عذابی به تناسب جرمش دارد ولی هر چه مؤمن است پاداشش به تناسب خوبی، عبادات و کار خیرش نیست.

### مقدار پاداش مؤمنان و کیفر بدکاران

پاداش مؤمنان بر چه ملاکی است؟ می گوید ﴿لِيُوَفِّيَهُمْ أُجُورَهُمْ﴾ پاداش تمام مؤمنان را کامل و پر می دهم و هیچ چیز کم نمی گذارم «وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ» از احسانم اضافه هم به آن ها می دهم، ولی به بدکاران عالم عذاب اضافه نمی دهم. چقدر خدای خوبی است هیچ کس را سراغ دارید این اخلاق را داشته باشد؟ بدکاران جریمه شان به تناسب جرمشان است اما پاداش مؤمنان نسبت به عبادات و کار خیر و ایمانشان اضافه تر است. یک مرحله دیگر در قیامت - این یک نوع برخورد پروردگار با مجرمان عالم در قیامت است - آیه در سوره انبیا است ﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ تمام معیارهایی که با آن ها می خواهیم مردم را بسنجم بر اساس عدالت است. عدالت یعنی چه؟ یعنی نه افراط نه تفریط. نه اینکه عذاب فرعون را بیشتر از جرمش کف دستش بگذارد افراط، نه اینکه از عذابش کم کند تفریط. تمام معیارهای سنجش در قیامت بر اساس عدالت است پرونده هر کس را برسم «فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا» به احدی در رسیدگی به پرونده اش ستم نخواهد شد. این حرف خداست.

### سه گروه عذاب مضاعف دریافت می کنند!

ممکن است بعضی از شماها به آیات قرآن وارد باشید، بگویید خدا که در آیات فرموده من کیفر را اضافه نمی کنم در حد جرم مجرم را کیفر می کنم پس چرا در سوره فرقان می گوید

۱. فاطر: ۳۰.

۲. انبیاء: ۴۷.

﴿يُضَاعَفُ لَهُ الْعَذَابُ﴾<sup>۱</sup> من عذاب یک عده‌ای را دوچندان می‌کنم. این چیست؟ یکی عذاب قاتل است که مؤمنی را بی‌گناه کشته دیه هم نداده رضایت هم نگرفته گفته کشتم که کشتم بازهم دستم بیاید می‌کشم! این آدم پر رو عذابش دوچندان است. دوم عذاب کسی که در برابر پروردگار بتی را عَلم بکند و او را به‌جای خدا بپرستد. الآن این دوسه‌روزه این دیوانه‌ای که در امریکا سرکار آمده همین دوسه‌روزه به پادشاه عربستان که بنده‌اش است قبلاً هم بندهٔ اواما بود، آن بت شکست این بت جدید است چون آن‌ها عبادتشان به‌طرف واشنگتن است، امر طاغوت را اطاعت می‌کنند و این شرک است، بت است. به عربستان می‌گویند من رب تو هستم، این را این دوسه‌روزه اعلام کرده است که من در امریکا جدید آدم سرکار (آمریکا شانزده تریلیون دلار بدهکار است) ما محاسبه کردیم شما با فروش روزی دوازده میلیون بشکه نفت که یک میلیارد دلار به خزانه‌تان برود مابقی این پول‌ها را بده بیاید این طرف ما بدهکاریمان را بدهیم جیک هم بزنی کلّ تان را بلند می‌کنم یک خر دیگر را به‌جای شما آنجا شاه می‌کنم این را دیروز اعلام کرد که از فروش نفتت که روزی یک میلیارد دلار گِیرت می‌آید باید بدهی منی که خدای تو هستم را تأمین کنی. حالا اگر جرئت داشته باشد تأمین نکند. عذاب این نوع مشرکان هم در دنیا دو برابر است. دارد اعلام می‌کند «يُضَاعَفُ لَهُ الْعَذَابُ» همه حواسشان را جمع بکنند به این عذاب دو برابر دچار نشوند. چرا ما در زیارت عاشورا هرروز صبح می‌خوانیم «فَضَاعِفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابُ» عذاب این‌ها را دوچندان کن. طبق همین آیهٔ سورهٔ فرقان چون قاتل مؤمن هستند و این‌ها هفتادودو مؤمنی را کشتند که ابی‌عبدالله ع شب عاشورا فرمود نه درگذشتهٔ عالم نه در آیندهٔ عالم نمونهٔ این هفتادودو نفر را من خبر ندارم. باید عذابش دو برابر باشد این عذاب دو برابر در حقیقت کیفر جرم است بازهم دقت عقلی کنیم دو برابر نیست آن دو برابر کیفر مطابق با جرمش است بازهم خدا افراط نکرده یکی عذاب قاتل مردم مؤمن دوچندان است که همین دوچندان مناسب با جرم است بازهم اضافه



نیست نمی‌دانم دقت می‌فرمایید چه می‌گوییم؟ یکی هم عذاب مشرکین است مثل آل سعود و همه مشرکین دوره گذشته و آینده؛ اما گناهان سوم که عذابش مضاعف است باز هم این مضاعف وزن همان گناه است اضافی نیست آن چیست؟ که متأسفانه در دنیا و در جامعه ما هم کم نیست و این گناه است که خدا این گناه را در رده‌بندی قرآنش کنار کشتن مؤمن و بت‌پرستی گذاشته به این معنی که گفتیم، این گناه زناست. اینکه مسئله زنا را کنار شرک و قتل مؤمن آورده معلوم می‌شود این روابط نامشروع خیلی گناه سنگینی است که در آیه می‌گوید «و من یفعل ذلك یضاعف له العذاب» کسی که اهل زناست کیفرش برابر جرمش کیفر مضاعف است یعنی همان کیفر هم‌وزن گناهش است اضافه‌تر نیست این هم در ذهنتان حل شد. این پروردگار است که در قرآن می‌گوید مؤمن پاداشش هم‌وزن ایمان و عملش نیست پاداش ایمان و عملش را پر می‌دهم «و یزیدهم من فضل» اضافه هم می‌دهم اما کیفر گناهکاران حرفه‌ای هم‌وزن گناهشان است «یضاعف له العذاب» آن هم همان هم‌وزن گناه است می‌خواستند انجام ندهند. خدا که در قرآن، تورات، انجیل و زبور در زمان صدویست و چهار هزار پیغمبر سفارش کرده خودتان را درگیر جهنم نکنید و کسی را برای جهنم رفتن نیافریده هر کس جهنم می‌رود با پای خودش می‌رود نه بر اساس آفرینش خدا. رضایت هم ندارد کسی برود جهنم وقتی می‌گوید چاقو برداری بعد دستت را یا پایت را زخم کنی این اضرار است و حرام است آن وقت حاضر است که من کل بدنم را تا ابد ببرم جهنم؟ خدا حاضر نیست من به جسمم یک ضرر بزنم حاضر هم نیست به دیگران ضرر بزنم آن وقت اگر من پدری باشم که خودم جهنمی زنم هم دنبال خودم بکشم بچه‌ام را هم بکشم داماد و عروسم را هم بکشم این اضرار چه گناه سنگینی است؟! حالا می‌خواهی بروی جهنم سرت را پایین بیانداز و خودت برو جهنم برای چه خدا سه‌تا دختر بهت داده همه را بی‌حجاب کردی؟ دو تا پسر بهت داده هر دو را بی‌دین بار آوردی؟ جهنم می‌خواهی بروی خودت برو چرا داری جهنمت را به تعداد نسلی که باعث بی‌دین شدنش شدی سنگین می‌کنی؟



## استخاره برای ازدواج!

من به بعضی‌ها گفتم به بعضی از جوان‌ها می‌آیند می‌گویند استخاره می‌خواهیم می‌گویم برای ازدواج می‌خواهید؟ می‌گویند بله می‌گویم من استخاره نمی‌کنم ازدواج که استخاره ندارد از هر صد ازدواج الان چهل‌تایش به طلاق می‌خورد از این چهل تا هم سی و پنج تا قبلاً استخاره کردند خوب آمده ازدواج استخاره ندارد ازدواج تحقیق و مشورت دارد. می‌گویم استخاره نمی‌کنم حالا این دختری که دیدی خوب است؟ خانواده‌اش خوب هستند؟ می‌گوید خوب هستند اما حجاب ندارد نماز و این‌ها هم نمی‌خواند گفته اگر تو من را بگیری من باحجاب می‌شوم نمازخوان هم می‌شوم به او می‌گویم از صدا تا این دخترها که عاشق تو جوان می‌شوند می‌خواهند ازدواج بکنند می‌گویند ما باحجاب می‌شویم و نماز می‌خوانیم دروغ می‌گویند. این را می‌خواهند پل‌ی قرار بدهند که به تو برسند. وقتی به تو رسیدند نه باحجاب می‌شوند نه با نماز خود تو را هم جهنمی می‌کنند. حالا اگر بروی ازدواج کنی بچه‌ای که از تو به دنیا می‌آید دخترت بی‌حجاب، پسرش هم بی‌دین می‌شود و این دوتا گردن تو و آن زن است بچه‌های آن‌ها هم که بی‌دین می‌شوند گردن تو و زنت هستند بچه‌های این‌ها تا سیصد سال دیگر که بی‌دین به دنیا می‌آیند گردن تو و زنت است تا روز قیامت هر چه بی‌دین از نسل تو بیاید بیرون گردن تو و زنت است چقدر طاقت جهنم را داری؟ چقدر؟

## امر به اقامه نماز

مردم عمق گناهانمان را نمی‌دانند موج گناه را نمی‌بینند این که از قدیم اهل حال اهل دل که شخصیت‌های کم‌نظیری بودند مثل آخوند ملا عبدصمد همدانی صاحب بحر المعارف، مثل آخوند ملا حسین قلی همدانی، مثل مرحوم آیت‌الله آقا سید علی آقای شوشتری، مثل مرحوم آیت‌الله سید علی قاضی شخصیت‌هایی مثل این‌ها به شاگردانشان دوتا سفارش مهم داشتند می‌گفتند اهل مراقبه باشید یعنی با مواظبت زندگی کنید بی‌گدار به آب نزنید هر ازدواجی نکنید، هر معامله اقتصادی را نکنید، با هر کسی رفیق نشوید، با هر کسی رفت‌وآمد



نکنید، هرکسی را در خانه‌تان راه ندهید. یکی هم شب‌به‌شب قبل از اینکه بخوابید روزتان را محاسبه کنید که امروز این دوازده ساعت عمرتان را خرج شیطان کردید یا خرج خدا؟ خرج خودتان کردید یا خرج خدا؟ چه کار کردید؟ نتیجه این چند لحظه‌ای که سخن گفته شد این شد که در بعضی از آیات فقط نماز تنها به صورت امر مطرح شده است «أَقِمِ الصَّلَاةَ» این فقط خطاب به پیغمبر ﷺ نیست که برادری پای منبر به ذهنش بیاید «أَقِمْ» امر به یک نفر است این طور امرها که به یک نفر است خطاب به شخص پیغمبر ﷺ تنها نیست «أَقِمْ» ای انسان نماز بخوان این خطاب همگانی است و نه تنها به پیغمبر ﷺ بلکه خطاب به انسان است. معنی امر این است که انجامش واجب است و واجب را که انسان انجام بدهد پاداش دارد. اگر کسی بیاید بگوید خدایا من این امر تو را نمی‌خواهم انجام بدهم خدا می‌گوید وقتی یک چاقو برداری یکجا دست یا پایت را زخمی کنی حرام است، جهنم رفتن برایت حلال است؟! اگر این امر من را اطاعت نکنی اضرار به خودت است، با این کار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل ضرر نمی‌کنند تو که حرف من را در نماز اطاعت نکنی تو ضرر می‌کنی بالاترین ضررت غیر از ضررهای دنیایی بی‌نمازی این است که می‌روی جهنم و من دوست ندارم بروی جهنم.

حالا اگر یک بی‌نمازی گفت من خودم دوست دارم بروم جهنم، بهش می‌گویند به جهنم، برو جهنم. جلویش را نمی‌گیرند خدا می‌گوید ضرر به خودت نزن خدا می‌گوید من راضی نیستم بروی جهنم خدا می‌گوید من دوست ندارم خودت را با کیفر قیامت درگیر کنی اما اگر دلت بخواهد بروی من که «أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» هستم جلویت را نمی‌گیرم برو. اینجا اجبار در کار نیست که مجبوراً نگذارم بروی جهنم یا مجبوراً تو را هل بدهم بروی بهشت. خودتان می‌خواهید بروید بهشت تمام درهای بهشت به رویتان باز است بروید من هم خوشم می‌آید بروید بهشت راضی هستم. جهنم می‌خواهید بروید با پای خودتان من که می‌گویم راضی نیستم ضرر به بدن نزنید اما حالا می‌خواهید بروید راه جهنم هم باز است هیچ‌کس جلوی‌تان را نمی‌گیرد.



## پانزده نشانه اهل صدق و تقوا در آیه ۱۷۷ سوره مبارکه بقره

گاهی در قرآن نماز در آیات تنها آمده گاهی در قرآن همراهی با چند تا حکم آمده مثلاً پنج یا شش یا ده تا. بیشترین آیه‌ای که کنار نماز مطلب آمده که چهارده تا مطلب کنار نماز است با نماز می‌شود پانزده تا آیه ۱۷۷ سوره بقره است حالا عددش را یادتان باشد بعد خودتان در قرآن ببینید یادداشت هم بکنید بگذارید در جیبتان هرروز یک‌بار این کاغذ را در بیابید بخوانید ببینید کاملاً جهان با این پانزده تا کامل هستند. اهل صدق با این پانزده تا اهل صدق اند اهل تقوی با این پانزده تا اهل تقوی هستند این‌ها در خود آیه هم آمده همین‌هایی که گفتم اهل صدق و اهل تقوی پانزده تا را که می‌شمرد آخر آیه می‌فرماید «أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا» این‌ها اهل صدق‌اند. اهل صدق‌اند یعنی چه؟ یعنی در زندگی‌شان با همه با دنیا با نعمت‌ها با من خدا راست و حسینی و صاف هستند آشغال و آلودگی ندارند «أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» این‌هایی که این پانزده تا، برنامه قلبی و اخلاقی و عملی‌شان است این‌ها اهل تقوی هستند یعنی نماز یکی از نشانه‌های اهل تقوی است نه همه نشانه‌ها یکی از نشانه‌ها است چهارده تا دیگر هم هست. نماز یکی از نشانه‌های اهل صدق است چهارده تا دیگر هم هست این نوع آیات دین را معنی کرده است. دین یعنی چه؟ یعنی این پانزده تا و این دو نوع آیه. بعضی از آیات، نماز را به‌عنوان نشانه اولیاءش نقل می‌کند که اولیاء الهی یک نشانه‌شان همه‌اش نه همه‌چیز که نماز نیست! یک نشانه اولیاء الهی نماز است عجیب هم عاشق نماز هستند.

### اهمیت مسجد

من یک روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام دیدم چون هیچ‌کدام از ما در آن فضا نیستیم مزه‌اش را نمی‌چشیم نمی‌دانیم امیرالمؤمنین علیه السلام چه گفته است! مسجدهای زمان امیرالمؤمنین علیه السلام چراغ نداشت، کاه‌گلی بود در و پنجره حسابی هم نداشت، دستشویی هم نداشت چون پیغمبر صلی الله علیه و آله می‌فرمود: هر کاری دارید خانه‌تان بکنید بعد مسجد بروید. یک چهاردیواری و





یک سقف اسمش مسجد بود، خانه خدا. داخلش هم یک لیف خرما یا حصیر افتاده بود این مسجد زمان امیرالمؤمنین علیه السلام. حضرت می فرمایند: بودنم در مسجد برای عبادت خدا برایم خوش تر از در بهشت بودن است چون در بهشت بدنم لذت می برد، ولی در خانه خدا در اتصال به عبادت، جانم لذت می برد. این مسجد برای من محبوب تر از بهشت است. مسجد خیلی مهم است.

فکر نمی کنم به این سادگی بحث نماز تمام بشود آیات بسیار مهمی را درباره نماز و روایات مهمی را یادداشت کردم هرروز هم فکر می کنم به آن آیات و روایات می رسم می بینم نماز بحثش عین دریا می ماند ساحل ندارد و دقایقی که در آیات است لطایفی که در روایات است معرکه است. ان شاء الله فردا که شب جمعه و ایام فجر و شکافتن نور هم هست باز هم همین بحث به خواست خدا دنبال می شود. الا اینکه این سه روز آخر مجلس من کاری دارم ناچارم زودتر بروم تقاضا کردم ان شاء الله منبر فردا بعد از تمام شدن نماز شروع می شود البته تشریف دارید مشرف هستید در مسجد دوستانی که یک مقدار دیرتر می آیند برای اینکه محروم از آن آیات و روایات نباشند اگر زودتر محضرشان برسیم که همه بحث را باشند بودندن برای من خیلی خوشحالی دارد. زیارتتان، گوش دادن و دل دادنتان اینها هم همه علامت ایمان است خوشحال باشید که علائم ایمان در شما هست.

### شهادت جانسوز حضرت علی اصغر علیه السلام

ما که سنمان یک مقدار بالاتر است یادمان است روزگار بچگی ما شیشه شیر برای بچه ها نبوده اگر بچه ای شیر مادر نداشت می خواستند شیر دیگری به بچه بدهند یا اگر می خواستند به بچه آب بدهند با قاشق چای خوری آرام آرام به بچه می دادند بعداً شیشه شیر آمد در خانه ما هم همین طور بود مادر ما ته نعلبکی یک خرده آب می ریخت با یک پنبه تمیز پارچه سفید می زد در این نعلبکی نمدار می شد می کشید به لب بچه شش هفت ماهه همان نم آب که می رفت در دهان بچه در گلوی بچه آرام می شد. این بچه شش ماهه چقدر آب می خواست؟ کربلا آب نبود! کربلا که رودخانه عظیم فرات جریان داشت چقدر آب می خواست؟ خیلی



مصیبت دلسوزی بود که ابی‌عبدالله علیه السلام بعد از شهادت این بچه به پروردگار گفت خدایا دیدی که این‌ها به کوچک و بزرگ من رحم نکردند و یک جمله‌ای را به ابی‌عبدالله علیه السلام نسبت می‌دهند من که می‌گویم این جمله درست است که حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام به پروردگار عرض کردند: «یا لَلْحَفَّ نَفْسِی عَلَی رَضِیعِ الثَّانِی فَطَمَّتُهُ سِهَامَ قَبْلِ انْفِصَالِ» یک خط است دیگر! معنی‌اش این است خدایا جان من برای این بچه سوخت؛ اما این حرف را کنار هیچ شهیدی نزد جانم سوخت یک جمله در جمله دوم ابی‌عبدالله علیه السلام گفت خدایا جمله دوم «فَطَمَّتُهُ سِهَامَ قَبْلِ انْفِصَالِ» خیلی دلسوزی دارد خدایا هر مادری که می‌خواهد بچه‌اش را از شیر بگیرد ده جور بهانه می‌آورد، سینه‌اش را سیاه می‌کند، یک‌خرده ماده تلخ می‌مالد، چهار پنج روز با این بچه بازی می‌کند تا بچه دیگر شیر نخورد؛ اما بچه من بهانه نمی‌خواست، تیر سه شعبه بچه من را از شیر مادر گرفت برای ما قابل‌درک نیست ابی‌عبدالله علیه السلام این بچه را چطوری برگرداند به خیمه ولی مشهور این است و به نظر درست می‌رسد چون امام علیه السلام وقتی می‌خواست بچه را ببرد با لباس جنگ نرفت، می‌گویند عمامه پیغمبر صلی الله علیه و آله را بست، عبا دوشش انداخت، وقتی با تیر سه شعبه بچه را زدند، بچه را گرفت زیر عبا، پنهانش کرد و طرف خیمه‌ها آمد. فقط خواهرش را صدا زد بچه را داد بغل زینب کبری علیه السلام روی زمین نشست صدا زد خدایا! این شهید را ذخیره قیامت من قرار بده.

جلسہ ہشتم

پرستش غیر خدا خسران محض و

احسان بہ والدین



## آیاتی از قرآن فقط مخصوص نماز!

گفته شد نماز در بعضی از آیات قرآن به صورت مستقل ذکر شده یعنی آیه شریفه مخصوص نماز است، ویژه نماز است. این یک پیامی دارد این که یک حکم را پروردگار عالم در یک آیه ذکر کرده دلیل بر عظمت، جایگاه و بزرگی این عمل است که در یک آیه به تنهایی مورد توجه پروردگار عالم قرار گرفته؛ اما آیاتی را هم در قرآن می بینیم که نماز در کنار یک سلسله احکام قرار گرفته که پیام این آیات هم این است که با همه عظمتی که نماز دارد فقط به نماز قناعت نکنید. یک سلسله مسائل الهی است که باید عمل بکنید این مجموعه پرونده شما را کامل و جامع می کند. از جمله آیه هشتاد و سه سورة مبارکه بقره است که حالا آیه قرائت شود عنایت کنید ببینید چه مسائل باارزش و فوق العاده ای را پروردگار مطرح فرموده که یکی از این موارد نماز است. «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ» این پیمان خدا با شماست حالا یا پیمان فطری است یا خلقت وجودتان نشان می دهد که سراپای شما به این دلیل که مملوک آفریده شدید پیمان است، یا در کنار انبیاء خدا اولیاء الهی ائمه طاهرین عالمان ربانی اقرار کردید که این ها همه حق است و ما هم عمل می کنیم. این که جز پروردگار عالم را نپرستیم عبادت را ویژه او قرار دهیم جایی دیگر برای عبادت سر فرود نیاوریم زیر پرچم دیگری به عنوان عبادت نرویم و زیر بلیط هیچ کس غیر از خدا نباشیم چرا؟ علتش این است که پروردگار عالم با توجه به کلمه



«الله» که بیش از دو هزار بار در قرآن این کلمه آمده در دعاها هم فراوان آمده در روایات هم زیاد آمده است.

### معنای لفظ جلاله «الله»

وقتی اهل تحقیق، عالمان دین و آگاهان به قرآن «الله» را معنا می‌کنند آن را خدا معنی نمی‌کنند یعنی معادل فارسی «الله» خدا نیست. خدا یک لغت من‌درآوردی ایرانی است و ارتباطی با کلمه «الله» ندارد این که می‌بینید در دعاها و آیات وقتی که مترجمین «الله» را کلمه خدا ترجمه می‌کنند علتش این است که واقعاً قافیه برایشان خیلی تنگ است اگر بخواهند آن معنای واقعی «الله» را مثلاً ذیل «بسم الله الرحمن الرحیم» بیاورند معنی درستش این است: به نام وجود مقدسی که مستجمع جمیع صفات کمال است که از این صفات جامع کمال دو مورد رحمانیت و رحیمیت است. خب برای معنی کردن «بسم الله» یک خط و نصف باید معنی بیاورند این که «الله» را خدا معنی کردند به همین خاطر عادت ذهن مردم برای معنای این لغت، لفظ خدا است و الا معنی «الله» خدا نیست و همین معنا - یعنی اگر آدم اهل دقت، اهل دل، اهل عقل و اهل انصاف باشد - همین معنای ذات مستجمع جمیع صفات کمال برایش بس است که عبادت را ویژه او قرار بدهد. هرکس غیر از پروردگار عالم، مخلوق و ضعیف است، نبوده، آورده شده، برده می‌شود، کهنه می‌شود، مریض می‌شود، سکنه می‌کند، چوب است، سنگ و مجسمه است شایسته عبادت نیست همین معنی «الله» را آدم عمقی بفهمد بنده خدا می‌شود. علت اینکه تمام انبیاء و ائمه و اولیاء پرستش، عبادت و اطاعت را ویژه وجود مبارک او قرار داده بودند معرفتشان بود یعنی معرفتشان این دو رشته بود خدا مستجمع جمیع صفات کمال است و هرچه غیر از خدا هم مخلوق و ناقص است. نبوده، آورده شده؛ مریض می‌شود، می‌افتد، سکنه می‌کند، ناتوان است و بعد هم می‌میرد خب او را عبادت کردن معنی ندارد.



## زور تو به یک پشه هم نمی‌رسد

یک پشه‌ای می‌آمد روی صورت هارون می‌نشست هارون هم خیلی متکبر بود، قدرتش هم خیلی فراوان و کشورش هم پهناور بود و جوان مرگ هم شد یعنی چهل و پنج شش سالش بود رفت جهنم ولی خیلی باد داشت. این پشه می‌آمد می‌نشست روی پلکش کنارش می‌زد، می‌رفت از یک طرف دیگر می‌آمد می‌نشست روی گونه‌اش می‌زد می‌رفت می‌آمد روی چانه‌اش، می‌زد می‌آمد کنار لبش. به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام گفت خدا این را برای چه خلق کرد؟ فرمود برای اینکه باد تو را خالی کند و به تو بفهماند که زورت به یک پشه هم نمی‌رسد. او قابل عبادت است او قابل پرستش است.

## ماجرای ابلیس و ادعای خدایی کردن فرعون!

یکی از علمای بزرگ ما که من از جوانی شاید هم زودتر از نوجوانی ده یازده سالم بود خیلی به او ارادت پیدا کردم مرحوم ملا احمد نراقی است. علت اینکه من در آن سن ده دوازده سالگی ایشان را شناختم این بود که هم پدر پدرم که کمتر یادم می‌آید هم پدر خودم تا نزدیکی‌های آخر عمرش یکی از کتاب‌های نراقی را به نام طاق‌دیس که کتاب شعر است را شب‌ها می‌خواندند و زارزار گریه می‌کردند! و من در آن عالم بچگی نوجوانی فکر می‌کردم صاحب این کتاب کیست؟ حرف‌های این کتاب چیست؟ که پدر من وقتی می‌خواند شانه‌هایش از گریه تکان می‌خورد. یواش یواش که مدرسه یک‌خرده کلاس‌هایم رفت بالاتر و این کتاب در خانه خودمان بود و دیدم عجب کتاب غوغایی است هم یک مناجات خیلی باحالی دارد و هم یک اشعاری که مسائل الهی را طرح کرده و هم یک اشعار نصیحتی مهمی دارد. در این کتاب طاق‌دیس مرحوم نراقی طبق قرآن نقل می‌کند که فرعون سال‌ها، حالا شما بگیرید چهل پنجاه سال شعارش در بین ملت مصر این بود **«أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى»** مدبر عالی‌تر و رب عالی‌تر و همه کاره عالی‌تر شما منم و شما حق ندارید



دنبال خدای موسی عليه السلام باشید. خدا در قرآن می‌فرماید دیوانگی این متکبران خیلی جالب است. فرعون به وزیرش گفت با آجر پخته و نه خشت، یک برجی برای من بساز بروم نوک برج اینکه موسی عليه السلام مدام می‌گوید خدا، خدا را در زمین که نمی‌بینیم! برویم آن بالا ببینیم خدا را پیدایش می‌کنیم؟!

نراقی نقل می‌کند یک روز ابلیس خلوت بود و مردم شهر هم خانه‌هایشان بودند آمد در خانه فرعون، در بسته بود در کاخ آن‌هم می‌پایید که الآن فرعون خواب نیست نه‌ار نمی‌خورد کار خاصی ندارد الآن دارد از دالان پشت در رد می‌شود محکم در را زد خود فرعون دنگش گرفت که در را خودش باز کند دیگر به مأمور نگوید برو بین کیست آمد گفت کیه؟ گفت خاک بر آن سر تو که خدایی بکنند. مرده شورت را ببرند احمق بی‌شعور اگر تو خدایی چرا نمی‌دانی پشت در کیست؟ کسی که نمی‌داند پشت این چهارتا تکه تخته کیست غلط می‌کند بگویند من «رب» مردمم.

فهم لغت «الله» کافی است آدم را به دایره توحید ببرد ذات مستجمع جمیع صفات کمال این کافی است که آدم را در بندگی در عبادت در اطاعت هزینه وجود مقدس او کند. سخنان انبیاء را درباره خدا در قرآن ببینید مثلاً وقتی از ابراهیم عليه السلام می‌پرسند خدا کیست؟ می‌گوید «يُطْعِمُنِي» کسی است که غذا و روزی من را می‌دهد اگر کسی را می‌شناسید که روزی من را می‌دهد بگویند کیست؟ هیچ‌کس نیست. رزاق تنها یک نفر است.

## ماجرای عین الدوله و دو گدا

عین الدوله زمانی نخست‌وزیر ایران بود خیلی هم آدم سختگیر و قدرت‌طلبی بود. دوتا گدا نزدیک خانه عین الدوله در همین منطقه ارگ و سرچشمه قاجاریه همه اینجا بودند روزها می‌آمدند می‌نشستند برای گدایی یکی از این گداها می‌گفت که کار دست عین الدوله است. آن گدای دومی هم آدم نترسی بود می‌گفت عین الدوله خر کی است؟ کار دست خداست. به





گوش عین الدوله رسید که یکی‌شان می‌گوید کار دست عین الدوله است. صندلی دارها معمولاً از تملق خوششان می‌آید مثلاً اگر روی این بنرها می‌نویسند معلم فلانی و بعد اسم من را می‌نویسند من بیایم می‌گویم درست است من معلم هستم، اما اگر بنویسند حجت‌الاسلام قند در دلم آب می‌شود یک المسلمین هم اضافه کنند بیشتر خوشم می‌آید یک روز بیایم بینم نوشتند آیت‌الله که دروغ هم هست ولی با این دروغ من باد می‌کنم اما اهل خدا این‌طور نیستند، همه‌چیز را از خدا می‌دانند برای خودشان اسم‌ورسم و هویت و موجودیتی قائل نیستند.

شب جمعه است این اقرار امیرالمؤمنین علیه السلام راجع به خودش است که من چه کسی هستم؟ «أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمَسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ»<sup>۱</sup> این نسبت من علی با تو خدا. بیشتر از این نیستیم ما.

عین الدوله به نوکرش گفت من شنیدم دوتا گدا این نزدیکی‌ها هستند یکی از آن‌ها می‌گوید کار دست عین الدوله است و دیگری می‌گوید عین الدوله خر کی است؟ حالا این دوتا بدبخت آن یکی که می‌گوید عین الدوله خر کی است چه کارش کنیم؟ امروز یک ظرف مرغ و پلو از آشپزخانه و ده بیست تا اشرفی طلا - یعنی سکه - این‌ها را هم بگذار زیر پلو مرغ از این درهایی که روی چلوکباب‌ها می‌گذاشتند تا بیست سی سال پیش بود از این‌ها هم بگذار رویش بده به آنکه می‌گوید کار دست عین الدوله است. یک نصف کفگیر برنج با خورشت هم برای آن یکی ببر. بردند وقتی درها را بلند کردند این گدایی که می‌گفت کار دست عین الدوله است به آن گدا گفت که من چشمم به مرغ که می‌افتد استفراغم می‌گیرد عاشق خورشتم، از مرغ بدم می‌آید بیا غذاهایمان را عوض کنیم گفت باشد قیمة را این یکی گرفت که می‌گفت کار دست عین الدوله است پلو مرغ را داد به آن یکی وقتی شروع کردند به خوردن غذا که داشت تمام می‌شد آن گدا که می‌گفت عین الدوله خر کی است دید ده تا سکه زیر پلو است آن یکی هم هر چه هم زد دید هیچ چیز نیست به او گفت مردک نگفتم

۱. فرازی از دعای کمیل.

عین الدوله خر کی است؟ ببین کار دست خداست تو باید مرغ دوست نداشته باشی بشقابت را با من عوض کنی از قیمة هم خوشت بیاید حالا هم این پول گیر من آمد گفت نه من دیگر از فردا به بعد نمی‌گویم کار دست عین الدوله است منم با تو هم عقیده هستیم، عین الدوله خر کی است؟

### پرستش خداوند، پادشاهی است

مسئله اول این است که انسان وجود خودش را در راه عبادت هزینه نکند و هزینه بت زنده، مرده و بت جاندار بکند نه اینکه فقط هیچ چیز گیرش نمی‌آید بلکه خسارت سنگینی هم می‌خورد. پیوند با خدا چقدر هم لذت دارد «لا تعبدون الا الله» واقعاً هم پیوند با خدا چقدر لذت دارد زندگی کردن کنار خدا چقدر لذت دارد ما یک وقت که مشکل پیدا می‌کنیم، می‌نشینیم یک گوشه یا در مسجد یا در جمعیت یا در تاریکی اتاق که همه خوابند آرام آرام گریه می‌کنیم با پروردگار حرف می‌زنیم دردمان را بیان می‌کنیم در دلمان هم امید داریم که پروردگار ما مشکل ما را حل می‌کند سبک و راحت می‌شویم مشکلمان هم حل می‌شود تا حالا صدفبار اتفاق افتاده ولی کسی که خدا را نمی‌شناسد سرکاری با خدا ندارد آن در گرفتاری‌ها چه کار می‌خواهد بکند؟ رنجش را چطوری می‌خواهد مداوا کند؟ چطوری می‌تواند سبک شود؟ با خدا زندگی کردن. قدیم‌ها پدرانمان می‌خواندند. باخدا باش و پادشاهی کن. تو باخدای خود انداز کار و دل خوش دار که رحم اگر نکند مدعی خدا بکند

### نیکی به والدین

اما مسئله دوم که به شب جمعه هم خورد این مسئله «و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» به پدر و مادرتان نیکی کنید پیششان بروید احوالشان را بپرسید نسخه‌شان را از دواخانه بگیرید

۱. اسراء: ۲۳. «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا فِئًا وَلَا تَنْهَرَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا»



گاهی بفرستیدشان مشهد کربلا هر وقت می‌روید دیدنشان با دست‌پر بروید اگر نیاز به خدمتکار دارند می‌توانید هفته‌ای یک روز دو روز یک خدمتکار بفرستید برود به این پیرزن و پیرمرد کمک دهد آنجا را تمیز کند غذایی درست کند لباس‌هایشان را بشوید.

یک آیه از سوره اسراء برایتان بخوانم چه آیه فوق‌العاده‌ای است یکی می‌گفت که این طور آیات عمل کردنش سخت است حالا باطناً که سخت نیست ولی دین این است. خود دین هم یک امتحان است که آیا در این امتحان قبول می‌شوی؟ خدا بپذیردت یا ردّ می‌شوی؟ ردت بکند ولی در هر صورت دین این است. «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ» خدا حکم واجب کرده نه اینکه می‌خواهد حکم واجب بکند «قَضَىٰ» یعنی حکم کردن و فرمان دادن. قاضی یعنی کسی که حکم می‌دهد این ربطی به قضا و قدر ندارد این آیه اصلاً کلمه «قَضَىٰ» به معنای فرمان دادن و حکم کردن است. خدا حکم کرد که جز او را نپرستید بلافاصله مسئله پدر و مادر را کنار خودش گذاشته «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» هیچ حکم دیگر را هم بیان نکرده فقط گفته من را عبادت کنید و به پدر و مادر نیکی کنید. حالا توضیح می‌دهد. خود خدا می‌داند و می‌بیند «إِمَّا يَلْعُنَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا» یا یکی پیرتر و از کار افتاده‌تر است. پنجاه سال رفته جان کنده برای شما بچه‌ها وسیله تهیه کرده عروسی‌تان را به پا کرده خانه بهتان داده از بس که کار کرده حالا دوتا زانویش از کار افتاده و پایش قدرت ندارد، معده‌اش ناراحت است و توانش از دست‌رفته یا یکی از آن‌ها این طوری شده «أَوْ كِلَاهُمَا» یا هر دوی‌شان. این دوتا دیگر آن حوصله، نشاط و حال جوانی را ندارند بنده من حواس باشد اگر این‌ها تلخی کردند یک‌چیزی گفتند یک برنامه‌ای پیش آوردند «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌّ» یک‌بار کنار آن‌ها آه نگو. چه اوضاعی است من راضی نیستم «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌّ و لا تنهرهما» پرخاش بهشان نکن پرخاش نکن چطور می‌بازشون حرف بزن «و قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» سخنان بالارزش بهشان بگو «وَإِخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ» در

۱. اسراء: ۲۴. «وَإِخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا»

کمال مهربانی پر تواضع را در برابر آنها بازکن بعدها چشمت به این دوتا می افتد برگرد به من بگو «قُلْ رَبِّ ارْحَمُهُمَا» خدایا به این پیرمرد به این پیرزن محبت کن مهربانی کن «کَمَا رَبِّيَانِي صَغِيرًا» خدایا من وقتی بچه در گهواره بودم تازه راه افتاده بودم تازه دندان درآورده بودم داشتم می رفتم به طرف هفت سالگی اینها خیلی به من محبت کردند «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمُهُمَا كَمَا رَبِّيَانِي صَغِيرًا» خدایا زحمات آنها نسبت به ایام کودکی من را جبران کن. این آیه نازل شد بعضی از جوانها آمدند به پیغمبر ﷺ گفتند آقا فرصت ما به کل ازدست رفته که پدر ما مرده مادر ما مرده ما با اینها خوب تا نکردیم حالا چه کار کنیم؟ حضرت فرمودند رابطه شما با آنها قطع نشده شما بچه های آنها را ببینید رابطه آنها هم با شما قطع نشده آنها هم پدر و مادر شما هستند این پیوند ابدی است این محبت همیشگی است.

### به بهشت رفتن مردم مؤمن

خدا دو بار در قرآن یکی در سوره رعد و یکی در سوره مؤمن می فرماید: من مردم مؤمن را که می خواهم به بهشت ببرم در بهشت پدر، مادر، زن و فرزندان را هم کنار آنها قرار می دهم که پدر و مادرشان در بهشت دل تنگ فرزندان نشوند. برای چه می گوید پدر و مادر را کنارشان می گذارم؟ چون محبت اینها یک طوری است که اگر جایشان را در بهشت یک جای دیگر قرار بده بنا نشود بچه ها را ببینند آزرده می شوند بهشت هم جای آزرده نیست جای ناراحتی نیست. پدر و مادرها دوست دارند در بهشت بچه هایشان کنار خودشان باشند لذا پیغمبر ﷺ می فرماید در بهشت خانه من خانه فاطمه علیها السلام خانه علی علیه السلام خانه حسن و حسین علیهم السلام وصل به هم و کنار هم است. «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمُهُمَا كَمَا رَبِّيَانِي صَغِيرًا» ﴿وَالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ﴾ به قوم و خویش هایتان هم نیکی کنید. شب عید است ببینید چه کمبودهایی دارند می توانند جبران کنید و «وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ» به ایتام و رفیق های



از کار افتاده‌تان که لمس شدند بی‌کار شدند دیگر نمی‌توانند تکان بخورند «مَسْكِينٌ» یعنی زمین‌گیر به این‌ها هم برسید. هم به خودتان برسید هم به پدر و مادر هم به اقوام هم به یتیم هم به مسکین ﴿قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ با زبان خوش با مردم حرف بزنید.

خب امشب شب دو نفر است و شبی است که ملت شیعه و مسلمان و طوایف دیگر ایران به همدیگر کمک دادند و یک بتی را نابود کردند و شرش را از سر مردم کم کردند شب بیست و دو بهمن. اما ذات امشب مال دو نفر است یکی برای پروردگار است که در اصول کافی امام باقر علیه السلام می‌فرمایند غروب شب جمعه خداوند خودش به اهل زمین می‌گوید گرفتاری مریضی گناهکاری مشکل‌داری هست بیاید پیش من کارهایش را حل کنم. یکی هم شب ابی‌عبدالله الحسین علیه السلام شب جمعه چقدر نور دارد این شب.





جلسه نهم

جایگاه خاص نماز در بین عبادات و

بررسی اجزاء نماز





## نماز بالاترین عمل

قبل از اینکه به بقیه مسائل آیه هشتاد و سوم سوره بقره که هشت مسئله مهم در آن مطرح است پرداخته شود دو سه نکته درباره نماز عرض می‌کنم که نشان‌دهنده جایگاه خاص نماز در بین عبادات است. خبردارید اذان و اقامه در نماز مستحب است؟ ولی یک مستحب فوق‌العاده‌ای است. شکستن نماز حرام است، نمازگزار وقتی نماز را شروع می‌کند واجب است تمام کند. اگر کسی نماز را شروع کرد این نمازی که شکستنش حرام است و بعد از رفتن به رکوع یادش آمد اذان و اقامه نگفته، عیبی ندارد که نماز را شکسته و قطع کند و اذان و اقامه را بگوید و دوباره نماز را شروع کند. یک جمله‌ای در این اذان و اقامه هست، که به نظر اینکه می‌شود نماز را به خاطر فراموشی اذان و اقامه شکست و اذان و اقامه را گفت، به نظر می‌رسد به خاطر همین جمله است. این جمله را انسان در نمازهای فردی خودش و در نماز جماعت که یک نفر مأمور به اذان و اقامه است و اقامه آن‌هم با امام جماعت است و بقیه حق ندارند بگویند آن‌ها باید گوش بدهند. به خاطر همین یک جمله است که صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشا خدا می‌خواهد به انسان تلقین کند چه کار داری می‌کنی؟ و آن یک جمله هم این است «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» عجله کنید، بشتابید و بکوشید برای انجام بهترین عمل. ما خیلی عبادت داریم، عبادت مالی، بدنی و حقوقی داریم اما اگر این عبادات را بخواهیم با همدیگر در ترازو بگذاریم و بسنجیم هیچ عبادتی وزنش سنگین‌تر از نماز نیست. این یک جمله یادتان می‌ماند پروردگار عالم در



ضمن اذان و اقامه که جبرئیل هم اذان و اقامه را نازل کرده می‌خواهد شبانه‌روز به مشاعر ما به قلب و فکر ما تلقین کند که بهترین عبادت نماز است و آدمی که نماز نمی‌خواند خودش را از بهترین حقیقت محروم کرده است. ظاهر نماز باری ندارد به قول امروزی‌ها از نظر فیزیکی یک سلسله عمل است یک مقدار ایستادن است که در آن ایستادن یک مقدار گفتن است، یک رکوع است، یک سجود است، یک تشهد و یک سلام است خیلی ساده است. ولی یک نکته این است که باطنی که خدا برای نماز قرار داده برای هیچ عبادتی قرار نداده وزن معنوی‌ای که برای نماز قرار داده برای هیچ عبادتی قرار نداده است. شکستن نماز حرام است اما هر جای نماز فرادی آدم یادش آمد اذان و اقامه نگفته، می‌تواند نماز را بشکند و برود سراغ آن فریاد الهی و به خودش تلقین کند «حَى عَلٰی خَیْرِ الْعَمَلِ». البته من روایات خیلی مهمی را آماده کرده بودم که به تدریج برایتان بخوانم ولی هنوز پیش نیامده است. این بحث هم با دو دهه و سه دهه و پنج دهه تمام‌شدنی نیست. ما وقتی که با دقت و کمک آیات و روایات نماز را نگاه می‌کنیم با یک دریایی روبه‌رو می‌شویم که این دریا پر از گوهرهای غیرقابل‌شمارش است.

### اصول الهی موجود در تشهد و سلام نماز

من یک وقتی خداوند هدایتیم کرد! تصمیم گرفتم فقط مبحث تشهد نماز را در منبر بگویم، بیست جلسه گفتم تمام نشد حالا منتظرم که یک فرصتی پیش بیاید دنباله آن بیست جلسه را بگویم. فیزیک نماز معمولی و ساده است اما باطن نماز مثلاً این تشهدی که ما امروز خواندیم پنج اصل الهی در این تشهد است یک اصل توحید است «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ» اصل بعدی عبودیت است، نه عبادت. عبادت خود نماز است اما عبودیت، روح تسلیم بودن به پروردگار برای عبادت است. این دو، رسالت و نبوت و رسوله در درود به آل پیغمبر عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ولایت مطرح است. در سه تا سلام امنیت مطرح است. سلام در نماز به معنی سلام لفظی نیست که ما رسمان است که به همدیگر می‌رسیم بگوییم سلام‌علیکم. سلام اسم پروردگار است. چه مدرکی داریم که سلام اسم خداست؟



آخرین آیات سوره حشر ﴿السَّلَامُ الْمَوْمِنُ الْمُهْتِمُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ﴾ روز قیامت وقتی می‌خواهند به شما مردم مؤمن بگویند وارد بهشت شوید، فرشتگان یا خود خدا در قرآن مجید اعلام می‌کنند. ورود به بهشت این آیه است ﴿أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ﴾<sup>۱</sup> این معنی‌اش این نیست که وقتی پایتان را در بهشت گذاشتید سلام کنید «أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ» این «ب» در ادبیات عرب اسمش «ب» استعانت است، یعنی «ب» معیت است، همراه با امنیت یک سلام است و امن و امان وارد بهشت بشوید و آنجا هیچ ضرر و زیان یا خطر و مرض و مشکل و گره‌ای رو به شما نمی‌کند «بِسَلَامٍ» یعنی با امنیت.

تشهد و سلام پنج اصل است: توحید، عبودیت، نبوت، ولایت و امنیت. این امنیت یکبار واجب و دو بار هم مستحب است. اگر کسی بخواهد در نماز یک سلام بگوید واجب است با این امنیت هم از نماز بیرون می‌آید مثلاً «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» اما این قدر این امنیت مهم است که سه بار در سلام نماز تکرار شده است. توحید یکبار، عبودیت یکبار، نبوت و ولایت یکبار و سه بار امنیت است. «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» این دعاست یعنی امنیت برای ما و بندگان شایسته حق. «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ» به کل می‌گوید «عَلَيْكُمْ» یعنی به همه فرشتگان، به همه مردم مؤمن، به همه زنان اهل ایمان و همه اولیاء خدا، این فقط پیکره سلام نماز است.

### عظمت سوره مبارکه حمد

حالا «الله اکبر» که اول نماز است یک داستان عجیبی دارد «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» تا «وَلَا الضَّالِّينَ» هم که شگفت‌آور است. هفت تا آیه است دیگر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آیه اول است «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» تا «وَلَا الضَّالِّينَ» آیه هفتم است.

۱. حشر: ۲۳.

۲. حجر: ۴۶.

یک کتابی در ترکیه نوشته شده حدود دویست سال پیش عالمی که این کتاب را نوشته اهل بلخ افغانستان است. چه شده که از بلخ مهاجرت کرده و به استانبول رفته است، آن هم در آن جاده‌های قدیم. این چهار جلد کتاب را آنجا نوشته و مذهبش هم حنفی است.

### احتجاجی با مذاهب چهارگانه اهل سنت

سنی‌ها چهار رشته دینی دارند شافعی، مالکی، حنبلی، حنفی. ما با هر چهارتایشان هم حرف داریم نه امروز، هزار و سیصد سال است حرف داریم. یک کلمه از آن حرف‌هایمان این است که جناب شافعی، جناب مالکی، جناب ابوحنیفه، جناب احمد ابن حنبل شما چهارتا هیچ کدامتان زمان پیغمبر ﷺ نبودید. اولی که ابوحنیفه است بالای صدسال بعد از درگذشت پیغمبر ﷺ به دنیا آمده است. این چهارتا دینی که صد و پنجاه سال بعد از وفات پیغمبر ﷺ برای این ملت ساختید! این‌ها را به چه مجوزی ساختید؟ از کجا آوردید؟ حالا ما خیالمان نسبت به دین خودمان راحت است. آقای شیعه دین خودت را از چه کسی گرفتی؟ علی ابن ابیطالب علیه السلام. علی چه زمانی بوده؟ زمان پیغمبر ﷺ. چقدر با پیغمبر ﷺ بوده؟ از وقتی به دنیا آمده تا وقتی پیغمبر ﷺ از دنیا رفته است. عقلاً آن اطمینان را به خودمان داریم و خیالمان راحت است که ما دین را از سرچشمه گرفتیم. شما دین را از چهارتا بیابان خشک بی‌آب و علف گرفتید. آن‌ها این چهارتا دین را از کجا آوردند؟ این فتواها را از کجا آوردند؟ خشک‌ترین این چهارتا هم مذهب حنفی‌هاست.

### ادامه داستان دانشمند سنی افغانی

این آقا که از بلخ افغانستان رفته استانبول، حنفی مذهب بوده و این چهار جلد کتاب ایشان از قیمتی‌ترین کتاب‌هایی است که در این هزار و پانصد سال نوشته شده، واقعاً قیمتی است. این چهار جلد درباره کیست؟ فقط اهل بیت. روایاتش را از کجا آورده؟ همه را از کتاب‌های خودشان نوشته است. در جلد اول از راوی خودشان ابن عباس نقل می‌کند البته راویان دیگر هم دارد یعنی روایتش سند دارد و آخرین نفر سند ابن عباس است. این روایت را یک سنی



حنفی مسلک نقل می‌کند و خیلی مهم است و برای ما خیلی ارزش دارد. می‌گوید ابن عباس شاگرد تفسیر علی ابن ابیطالب رضی الله عنه بوده این ابن عباس نقل می‌کند که امیرالمؤمنین رضی الله عنه به من فرمودند: اگر این هفت آیه سوره حمد را من با این علمی که دارم تفسیر کنم از «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» تا «وَلَا الضَّالِّينَ» و شماها هم قلم دستتان باشد و مطالب من علی ابن ابیطالب رضی الله عنه را درباره این هفت آیه بنویسید بعد من به شما بگویم به اندازه ظرفیت شما سوره حمد را گفتم و دیگر نمی‌گویم یعنی تمام نمی‌شود فقط به اندازه ظرفیت شما گفته می‌شود. اگر بخواهند این نوشته‌ها و مطالب من درباره سوره حمد را بار کنند ببرند جای دیگر، باید هفتاد شتر بیاورند که این کاغذها را بار کنند و ببرند. باری که شتر حمل می‌کند از همه حیوان‌ها بیشتر است. هیچ حیوانی بار به سنگینی شتر نمی‌برد. شما امروز صبح که آمدید در این خانه خدا نماز خواندید حمد را برایتان خواندند و شما هم خودتان حمد را نخواندید ولی حمد به گوشتان خورد یعنی وارد جاتان شد و می‌دانید با دو رکعت نماز چه بار عظیم معنوی را به پیشگاه خدا بردید؟ که اگر آن حمد را به صورت نوشته دریاورند، حقایقی در این هفت آیه هست که هفتاد شتر لازم است که این بار را بردارد. خدا خیلی به ما احترام کرده، خیلی لطف و محبت کرده ما را در نماز راه داده است.

گو برو و آستین به خون جگر شوی هر که در این آستانه راه ندارد

## عظمت نماز جماعت با ۱۱ نفر!

فکر می‌کنید خیلی راحت است که خداوند از درون به ما کمک کند پنج صبح بلند شویم و وضو بگیریم و به مسجد بیاییم و وارد چنین معرکه‌ای شویم؟ که معنای هفت آیه‌اش اگر نوشته شود باید هفتاد شتر بیاورند، بار کنند و به جای دیگر انتقال بدهند، ما هر روز یک چنین حقایقی را با خودمان حمل می‌کنیم، از بس که مهم است.

پیغمبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید نماز جماعت از ده نفر بیشتر شود، نه به خاطر ما بلکه به خاطر عظمت نماز. اگر ده تا شانسه‌شانه همدیگر روبه‌قبله بایستند و یک نفر هم جلو بیاید و یازده نفر بشوند، با جماعت خواندن نماز صبح یازده نفر، این را مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی

یادم است در توضیح المسائلش هم آورده یعنی آن مرجع کم‌نظیر این روایت را قبول داشت، یعنی برایش مسلم بود که این روایت گفته پیغمبر ﷺ است اگر عدد از یازده بیشتر شود، تمام دریاها مرکب و تمام درختان قلم شوند و تمام جن و انس نویسنده شوند ثواب این نمازی که با یازده نفر خوانده شده را نمی‌توانند بنویسند. قلم‌ها و مرکب‌ها تمام می‌شود ولی پادش این نماز تمام نمی‌شود. به همین خاطر آدم تا این مقدمات را نفهمد بعضی از آیات و روایات را نمی‌فهمد. من خودم چون روایات برایم چیز ساده‌ای نیست وقتی می‌خواهم یک روایت را بفهمم کاری به الفاظش ندارم، لفظ که چیزی نیست می‌خواهم بفهمم پیغمبر ﷺ برای چه این حرف را راجع به نماز زده اول می‌نشینم فکر می‌کنم یا کتاب‌ها را ورق می‌زنم، یک سلسله مقدماتی را کنار هم می‌چینم تا روایت را بفهمم این است نماز که پیغمبر ﷺ می‌فرماید: نماز در این دنیا شادی قلب من است یعنی من با نماز شاد زندگی می‌کنم، با نماز دل خوش زندگی می‌کنم. دلم خوش است خدا من را خلق کرده که نماز می‌خوانم، دلم خوش است که خدا من را شصت و سه سال در دنیا آورده است که دارم نماز می‌خوانم، دلم خوش است. «فُرَّةٌ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ» این اصطلاح عربی است نور چشم اینجا یعنی دل خوشی، شادی قلب و لذت باطن نماز است. در نکته سوم روایات نماز خیلی دقت بفرمایید خیلی مهم است من خودم در دوره عمرم از زمانی که پا منبرها بودم از هفت هشت سالگی‌ام تا وقتی خودم طلبه شدم این نکته را نشنیدم شاید هم گفته باشند، دیگر من خودم منبری شدم پای منبرها نتوانستم بروم اما دوره عمر خودم این نکته را نشنیدم. نماز قدرت دارد تمام کمبودهای دینی و عبادتی ما را در قیامت جبران کند ولی اگر نماز نداشته باشیم هیچ چیز از عقاید و عبادات نمی‌تواند نماز را جبران کند چون زورش نمی‌رسد و این قدرت را فقط نماز دارد.

## دو روایت مهم در خصوص قدرت نماز!

دوتا روایت در این زمینه بخوانم حظ کنید روز جمعه و روز بیست و دو بهمن و روز ملی است، روز پیروزی است شادباشید. روایت در وسائل الشیعه است شما نجف که بروید قم و مشهد



که بروید در این سه تا شهر هر مرجع تقلیدی نه هر استاد، کتاب‌های سطح کسی که دارد با دویست طلبه رسائل می‌گوید، با سیصد طلبه مکاسب می‌گوید و با صد طلبه کفایه می‌گوید این کتاب وسائل زیر بغلش نیست. در درس این کتاب را فقط مراجع می‌آورند روی منبر که برای طلبه‌هایی که درس می‌دهند که اگر طلبه‌ای ذهنش به اشکالی در یک مسئله اجتهادی برخورد مرجع تقلید بخواهد جوابش را بدهد و قانعش کند، کتاب را از بغل دستش برمی‌دارد باز می‌کند می‌گوید حرف‌هایی که زدم دلیلش این روایت کتاب وسائل است آن طلبه هم قانع می‌شود. این کتاب که چهارصد سال پیش نوشته شده، بیست جلد است. مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی سی سال زحمت کشید و این کتاب را کامل کرده، چهل جلد نوشته است. آیت‌الله‌العظمی بروجردی خیلی برای این کتاب‌ها زحمت کشیده است.

## بار معنوی نماز

در کتاب وسائل الشیعه از امام صادق علیه السلام نقل شده اگر کسی بعد از هفتاد هشتاد سال دو رکعت نماز قبول شده با خودش به قیامت ببرد و فقط دو رکعت یک نماز صبح قبول شده باشد. پرونده نمازش را که باز کنند ببینند دو رکعت نمازش قابل قبول است و بقیه نمازهایش عیب دارد شصت سال نماز مریض و عیب دار خوانده یا حالا با کسالت خوانده یا خواب‌آلود خوانده یا آخر وقت خوانده یا آمده انگار پریز به برق زدی چرخ گوشت دارد می‌چرخد تند «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» هفتادسال نماز عیب دار و دو رکعت نماز قابل قبول دارد خطاب می‌رسد که ای ملائکه به کل هفتادسال نمازش نگاه نکنید به خاطر این دو رکعت آن‌ها را هم قبول می‌کنم. این قدرت نماز است بنده‌ام را به این راحتی به جهنم نبرید، این در کل عمرش دو رکعت نماز قبول شده دارد این قدرت نماز است - این یک روایت که نماز می‌تواند بقیه نمازهایی که ناقص است، کم دارد، عیب دارد. باطل نیست اما کم دارد همان طوری که گفتیم یا آخر وقت خوانده یا بی‌حال خوانده نماز باطل که باید قضایش را به‌جا بیاورد - اما دو رکعت نماز این قدر قدرت دارد که می‌تواند عیب و نقص و کمبود نمازهای هفتادساله را جبران کند این قدر که بار معنویت نماز بالاست.

## قبولی نماز، شرط قبولی باقی عبادات

روایت دیگر نماز. اینها همه نکته است ها من آن روایات را که می‌خواهم بخوانم اینها داخلش نیست اینها نکات نماز است «الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ» هر دوییش آمده عمود یا عماد یعنی ستون همین ستونی که طاق مسجد رویش است. عمود بیشتر یعنی آن ستونی که خیمه رویش ایستاده است. «الصَّلَاةُ عَمُودُ (عماد) الدین» اگر نماز در قیامت قبول شود تمام عبادات دیگر از برکت نماز قبول می‌شود اما اگر خدا به یک بنده‌ای بگوید نمازت مردود است هیچ چیز دیگرش را قبول نمی‌کند اگر بگوید من روزه و حج هم دارم، کارهای دیگر هم دارم خدا می‌گوید نه آنها همه بدون نماز قبول نیستند. «فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا وَ إِنْ رُدَّتْ رُدَّتْ مَا سِوَاهَا» این نماز است.

چه مسئله‌ای است این نماز! شما تا حالا شنیدید میت را بعد از اینکه غسل می‌دهند کفن می‌کنند مرجع روحانی یا عالم یا استادی گفته باشد یک‌دانه روزه بدرقه‌اش بکنید؟! نه نشنیدید یا یک عبادت دیگر را بدرقه یک‌مرده کنید؟ اما دین خدا واجب شرعی کرده مرده را تا در قبر نگذاشتید با نماز میت بدرقه‌اش کنید بگذارید با نماز این سفر را طی کند. به او نماز بدهید خودش که الآن دیگر نمی‌تواند نماز بخواند شما مردم مؤمن جلوی تابوتش، جلوی جنازه‌اش بایستید همه نماز بخوانید با نماز بفرستیدش پیش من بیاید، این نماز است.

## سجده بر تربت ابي عبدالله عليه السلام

یک نکته بسیار مهم دیگر که برای سجده نماز است. این را هم بگویم به آیه شریفه نمی‌رسم تا فردا از برکت صدیقه کبری عليه السلام که عاشق قرآن بود این آیه هشتادوسه را تمامش کنم که پرونده نماز این ده‌روزه اینجا کامل شود بقیه‌اش که می‌ماند. وجود مبارک امام صادق عليه السلام این روایت را من از کجا برایتان می‌گویم؟ این کتابی که می‌گویم دو سه روز پیش نصف صفحاتش را ورق زدم، نصف مطالبش را نگاه کردم، این روایت در آن کتاب





است. کتاب را کل علمای شیعه قبول دارند به نام «ارشاد العلوم دیلمی» دیلمی صاحب این کتاب برای همین گیلان بوده از علمای بسیار بزرگ شیعه است کتابش هم ابزار کار منبرهای خوب است نه منبرهایی که داخلش نه قرآن پیدا می‌شود نه روایت. این کتاب یکی از وسایل و ابزار عالی منبرهای خوب است که من بچه بودم منبری‌های آن زمان از این کتاب خیلی روایت نقل می‌کردند حتی دیده بودم تهران پیش‌نمازهایی را که این کتاب کنار جانمازشان بود بین دو نماز بلند می‌شدند رویشان را می‌کردند به مردم از این کتاب یک، دو یا سه روایت می‌خواندند، خیلی کتاب مهمی است.

مرحوم دیلمی نقل می‌کند که امام ششم که عمر مبارکش از همه ائمه بیشتر بود، شصت و هفت سالش بود شهید شد امام ششم یک نماز صبح، یک نماز ظهر و عصر و یک نماز مغرب و عشا را بدون سجده بر تربت ابي عبدالله علیه السلام نخواند. سجده بر خاک ابي عبدالله علیه السلام همه عیب‌های معنوی نماز را می‌شوید و یک نماز شسته‌رفته تحویل خدا می‌دهد.

امام زین‌العابدین علیه السلام اولین سفری که بعد از دفن ابي عبدالله علیه السلام به کربلا آمد یک دستمال پر از خاک قبر با خودش برداشت و به مدینه آورد. هر وقت تیمم لازم داشت روی این خاک تیمم می‌کرد و هر وقت نماز واجب می‌خواند بر این خاک سجده می‌کرد، خاک ابي عبدالله علیه السلام.

## دفن پیکر مطهر شهدای کربلا

شب تاریک است ماه درست نمی‌درخشد زنان طایفه بنی اسد به مردها فشار آوردند که بروید این هفتاد و دو جنازه را دفن کنید، اگر این کار را نکنید ما زن‌ها خودمان می‌رویم دفن می‌کنیم. خجالت بکشید، مردان بنی اسد بیل و کلنگ برداشتند آوردند خانم‌ها هم آمدند؛ اما مردها ماندند که خب این جنازه‌ها کدام برای کیست؟! این‌ها که سر ندارند! بعضی‌ها لباس ندارد! بعضی‌ها بدن‌ها سالم نیست و جای سالمی ندارد، حیران شده بودند که دیدند یک شترسوار دارد می‌آید ترسیدند مأمور این زیاد باشد خواستند فرار کنند، از بالای شتر فرمود فرار نکنید من این جنازه‌ها را می‌شناسم و می‌دانم هر کدام متعلق به

کیست. هفتاد نفر را در یک قسمت دفن کردند، دوپیکر مطهر را کنار هم قراردادند پیکر مطهر علی اکبر علیه السلام و ابی عبدالله علیه السلام. دوستان یکبار در حرم ابی عبدالله علیه السلام به من گفتند یک روزه بخوان آنجا نمی توانستم بخوانم اصلاً روی پا بند نبودم گفتم چه روزه ای بخوانم گفتند روزه علی اکبر علیه السلام را بخوان، گفتم پدرش را از حرم بیرون ببرید که من بخوانم! اینجا که نمی شود روزه خواند. وقتی نوبت به بدن ابی عبدالله علیه السلام رسید فرمود بنی اسد در خیمه های ما حصیر هست حالا نیم سوخته یا درست یکدانه بیاورید. قدیمی ها می گفتند مگر به کربلا کفن به غیر بوریا نبود؟ اما شهید کفن ندارد. زین العابدین علیه السلام برای چه حصیر خواست؟ چون دید هیچ جوری نمی تواند این بدن را بلند کند این قدر شمشیر زدند که دست به بدن بزند یک مرتبه یک قطعه اش می افتد! حصیر خواست و آرام کشید زیر بدن مبارک. علی جان شما زهرا علیه السلام را دفن کردید ظاهر بدن سالم بود کفن کردید، اما عزیزت این بدن را با بوریا بلند کرد و میان قبر سرازیر کرد. حالا می خواهد صورت میت را روبه قبله بگذارد بدن سر ندارد گلوی بریده را روبه قبله گذاشت و صورت را روی گلوی بریده قرارداد «آبتاه! إِنَّ الدُّنْيَا مِنْ بَعْدِكَ مُظْلِمَةٌ وِ الْآخِرَةُ بِنُورٍ وَجْهَكَ مُشْرِقَةٌ...»<sup>۱</sup>



جلسه دهم

هدف خدا از امتحان، علم به

وضعیت بندگان نیست



در همه کشورهای معلمان و اساتید از کلاس اول ابتدایی تا پایان دکترا در دانشگاه‌ها، دانش‌آموز، محصل و دانشجو را امتحان می‌کنند. چرا امتحان می‌کنند؟ در حوزه‌های علمیه هم این امتحان هست چون سه ماه به سه ماه یا در طول نه ماه تحصیل تقریباً هیچ معلم، استاد یا آموزگاری خبر قطعی و صد درصد از وضع تحصیلی محصل ندارد و نمی‌داند آیا این دانش‌آموز این دانشجو این طلبه برای درس زحمت کشیده یا نه؟ خوب خوانده یا نه؟ می‌شود او را به درجات بالا فرستاد؟ مثلاً از کلاس ششم به هفتم، از نهم به دهم، از سال اول دانشگاه به سال دوم فرستاد یا نه؟ برای فهمیدن وضع محصل است که امتحان می‌گیرند. معلم یا استاد جواب سؤال‌های امتحانی را که می‌بیند صد درصد می‌فهمد که شاگرد یا دانشجو یا طلبه نسبت به تحصیل و علم چه وضعیتی دارد، قبل از امتحان نمی‌فهمد، پس حتماً باید امتحان بگیرند.

اینکه در آیات قرآن و روایات آمده که خدا شمارا امتحان می‌کند! این خدا شمارا امتحان می‌کند؛ یعنی چه؟ امتحان پروردگار از قبیل همین امتحان مدارس و حوزه‌ها و دانشگاه‌هاست؟! اگر بگوییم از این قبیل است که به خدا کفر ورزیدیم چون به این معنی است که خدا از اوضاع و احوال بندگانش اطلاع قطعی و آگاهی صد در صد ندارد و این‌ها را امتحان می‌کند که برای خودش معلوم شود که عبد و بنده‌اش در چه حال و وضعیتی بوده؟! معنی امتحان در پروردگار عالم این است؟ اگر این باشد که کفر است. امتحان خدا یعنی چه؟



این امتحان فقط مال خداست مال انبیا و ائمه نیست یعنی آن‌ها مسئول امتحان مردم نیستند به هیچ پیامبری دستور داده نشد که ملت یا امت را امتحان کن. مسئولیت تمام انبیا خدا ابلاغ دین بوده نه امتحان. ﴿وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ﴾<sup>۱</sup> یا در آیه دیگر دارد ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكَّرٌ﴾<sup>۲</sup> حبیب من شما پنددهنده‌ای، تذکردهنده‌ای و خیرخواهی ﴿أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ﴾<sup>۳</sup> من تو را مسلط بر بندگانم قرار ندادم که هر تصمیمی دلت بخواهد در حق آن‌ها بگیری یا می‌فرماید: ﴿إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ﴾<sup>۴</sup> بازگشت بندگان من در قیامت به من است ﴿مُرَّانَ عَلَيْنَا حِسَابُهُمْ﴾<sup>۵</sup> و انجام حساب اعمال آن‌ها کار خود من است. حساب اعمال بندگانم در اختیار تو نیست امتحان هم فقط ویژه پروردگار است، خدا بندگان را امتحان می‌کند.

## مفهوم امتحان الهی

خب امتحان خدا یعنی چه؟ این را ما بدانیم خیلی خوب است خیلی‌ها نکته امتحان الهی را نمی‌دانند که کیفیت امتحان پروردگار چگونه است و قبولی و رفوزگی چه مقوله‌ای است. خب وقتی که پای امتحان در کار باشد پای دو حقیقت قبولی و رفوزگی هم در کار است. اصلاً زلف امتحان با قبولی و رفوزگی گره خورده. در آیات قرآن و روایات که دقت می‌کنیم می‌بینیم امتحان پروردگار عالم ارائه تکالیف به بندگان است. او تکالیف را به وسیله انبیاء، کتاب‌هایش و قرآن ارائه می‌دهد این همان امتحان است که ارائه می‌شود؛ و اما قبولی بندگان، بنگانی که به تکالیف الهی عمل کنند این‌ها همان دانش‌آموز قبول شده هستند. محصلی که قبول می‌شود به رتبه بالاتر می‌رود. یک مرد یا زن، یک پیر یا جوان، یک عامی

۱. عنکبوت: ۱۸.

۲. غاشیه: ۲۱.

۳. غاشیه: ۲۲.

۴. غاشیه: ۲۵.

۵. غاشیه: ۲۶.



یا یک عالم وقتی که امتحانش را پس داد یعنی قبول شد یعنی به تکالیف ارائه شده پروردگار عمل کرد حالا نمره اش چیست؟ همه مدارس و دانشگاه ها یک نمره می دهند پانزده، هجده، بیست، چهارده و می گویند قبول. یا هفت و هشت و می گویند رفوزه، یعنی یک بار دیگر این کلاس را طی کن.

### پاداش قبول شدگان و تکلیف رد شدگان در امتحان خداوند

پروردگار مهربان عالم سه تا نمره به بندگان که قبول می شوند می دهد. یک نمره همان طور که در قرآن مجید آمده است بهشت است. نمره دیگر که بازهم در قرآن مجید آمده است رضایت از بنده اش است که خوب به امتحان عمل کردی و من از تو راضی هستم ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ﴾ یک نمره دیگر هم فقط برای کسانی است که نمره بالا آوردند نه برای افرادی که نمره متوسط آوردند پس آنهایی که نمره بالا آوردند مقام قرب دارند. افرادی هم که وقتی تکالیف ارائه شد شانه بالا انداختند که نه، ما حال و حوصله نماز و روزه و زکات و خمس و کار خیر و پولت را اینجا مصرف کن و آنجا مصرف کن را نداریم ما خودمانیم و پولمان و کار دیگری هم به هیچ کاری نداریم اینها رفوزهها هستند. رفوزهها را چه کار می کند؟ رفوزهها دیگر به درجه بالا نمی روند چون نمره ندارند، یا باید تا نمره اند در همین کلاس دنیا دوباره به تکالیف رو کنند و عمل کنند اگر رو نیاوردند و به تکالیف عمل نکردند هفت تا دَرک برایشان قرار داده که اسمهای مختلفی دارد. سَقَر یک اسم و هاویه یک اسم دیگر از دَرک است و همچنین اسامی دیگر را هم داریم. رفوزهها باید به جهنم بروند. هر رفوزه ای به تناسب وضعیتش یا به طبقه اول یا طبقه دوم و یا آن طبقه آخر که برای منافقین امت و منافقین گذشته است می رود که می فرماید: ﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ﴾ آن دَرک آسفل آتش برای آنهاست.

۱. مائده: ۱۱۹.

۲. نساء: ۱۴۵.

این مقدمه که روشن شد و برایتان آشکار شد که امتحان الهی چه نوع امتحانی است و قبولی و رفوزگی آن چیست؟ نمره قبولی آن که سه نمره است چیست؟ و نمره رفوزگی آن چیست؟

## امتحانات الهی موجود در آیه ۸۳ سوره بقره

به سراغ آیه هشتاد و سوم سوره بقره که چند روز است در این آیه شریفه بحث می‌شود برویم. خداوند هشتاد تا تکلیف یعنی امتحان در این آیه شریفه به بندگانش ارائه داده است البته همه تکالیف همین هشتاد تا نیست، این آیه هشتاد تا تکلیف ارائه کرده این ارائه تکلیف همان امتحانات الهی است.

### اولین امتحان آیه ۸۳ سوره بقره: عبادت ویژه خداوند

تکلیف اول «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ» عبادت را فقط ویژه خدا قرار بده. از احدی چهره پرستیده شدن نسازید هیچ کسی لایق عبادت و پرستش شما نیست. پرستیدن یعنی چه؟ عبادت یعنی چه؟ یعنی همین رکوع و سجود و تعظیم. ببینید عبادت و پرستش از دیدگاه ائمه طاهرين به چه معناست، این روایت در کتاب شریف اصول کافی است خیلی روایت جالب و مهمی است، یعنی روایت آمده و عبادت بندگان را معنی کرده. عبادت یعنی چه که می‌گوید غیر خدا را عبادت نکنید؟ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ أَصْغَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ» کسی که به خواسته‌های نامشروع دیگران گوش دهد یعنی قبول کند خواسته‌های نامشروع را انجام دهد شخص درخواست کننده را عبادت کرده است. البته خواسته‌های نامشروع هم در زندگی‌ها زیاد است.

### اجابت دعوت نامشروع، عبادت غیر خداوند و شرک است

مثلاً در دادگاه حق باکسی نیست و قاضی هم نتوانسته بفهمد حق است یا خیر پس به یکی از احکام الهی متوسل می‌شود و می‌گوید برو سه، چهار یا پنجاه تا شاهد بیاور که قسم بخورند تا





من حکم بدهم این شخص هم سه چهار نفر را برمی دارد و به دادگاه می برد که شهادت بدهند در صورتی که آن ها می دانند حق با این شخص نیست حالا یا پدرشان، مادرشان، عمویشان یا رفیقشان است می دانند که حق با او نیست ولی وقتی می گوید بیاید به نفع من شهادت بدهید و قبول می کنند این شاهدان که دارند می روند ظالمانه و به ناحق شهادت بدهند این ها همان هایی هستند که امام صادق علیه السلام می فرماید «مَنْ أَصْغَىٰ إِلَىٰ نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ» این شاهدان که حرف زور، حرف ظالمانه، دعوت خلاف و نامشروع رفیق یا قوم و خویششان را گوش دادند و رفتند به ناحق شهادت دادند، امام صادق علیه السلام می فرماید: این ها این دعوت کننده را عبادت کردند یعنی یک کسی را مقابل خدا عَلم کردند و بر ضد خدا و برخلاف قرآن و برخلاف خواسته پروردگار از او اطاعت کردند آن وقت قرآن می گوید روز قیامت عابد و معبود یعنی هم کسی که پرستیده و هم کسی که پرستیده شده هر دو در جهنم هستند. چه کار کنیم با قرآن؟ چه کنیم با روایات؟ یعنی به قرآن بگوییم ما یکی را ببخش و بگذار حرف ناباب دیگران را گوش دهیم حالا یک چیزی گیر ما می آید یا نمی آید. یا به خدا بگوییم ما را ببخش، چه کار کنیم؟ در این موارد بخشیدن نیست ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ﴾ کسی که در برابر من کسی را عَلم کند و او را اطاعت کند در حالی که اطاعت از او ضد اطاعت من است این مشرک است و من مشرک را نمی آمرزم؛ اما حالا یکی خودش تصمیم گرفته یک دروغی بگوید، غیبتی بکند، خدایی نکرده یک لیوان مشروبی بخورد، یک رابطه نامشروعی برقرار کند و بعد از اینکه گناه کرد پشیمان شد و به غلط کردن و به گریه افتاد و تصمیم قطعی هم گرفت که دیگر مرتکب این گناهها نشود. این موارد را خداوند در قرآن فرموده راحت می بخشم.

### گناه بعد از نیشمانی بخشیده می شود ولی شرک هرگز

فرمایش خداوند است که عبادت خلاف و در ضد خودم را نمی بخشم. حالا شما بنشین بگو خدا به داد ارتش زمان شاه برسد که به دستور شاه در این خیابان ها چقدر جوان و مرد و

زن را کشتند. نه! خدا به داد این‌هایی که شاه را پرستیدند نمی‌رسد. یا خدا به داد ارتش صدام برسد! خدا به داد این ارتش امریکا برسد که در افغانستان و در عراق بالای یک‌میلیون بی‌گناه را کشتند. یا خدا به داد این آل یهود عربستان برسد که یک سال و نیم است در یمن بیشتر افرادی که کشتند یا بچه شیرخواره بوده یا بچه هفت‌هشت‌ساله بوده یا زن بوده یا کاسب در بازار بوده و همین چند وقت پیش یک مدرسه را بمباران کردند و بچه‌ها را تکه‌تکه کردند. این ارتشی که در حال گوش دادن به شاه سعودی، وزیر خارجه سعودی به دولت سعودی است این مشرک است «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ» من مشرک را نمی‌بخشم. ای بی‌شعور تو که خودت را در گردانه اطاعت کردن انداختی چرا از آل سعود اطاعت می‌کنی؟! از خدا اطاعت کن. چرا از ترامپ اطاعت می‌کنی؟! از خدا اطاعت کن. چرا از شاهی که جرثومه همه گناهان بوده اطاعت کردی؟! از خدا اطاعت کن. این آژان‌هایی که زمان رضاخان که ما یادمان نیست اما مسن‌های دیگر یادشان هست زمانی که به دنیا نیامده بودیم چند سال در خیابان، در کوچه، کنار حسینیه‌ها و مسجدها با باتوم زن‌ها را زدند و چادرشان را کشیدند و پاره‌پاره کردند خیلی از زن‌ها دق کردند و مردند این‌ها بنده رضاشاه بودند، این‌ها مشرک بودند؛ اما حالا آدم بین خودش و خدا یک گناهی مرتکب می‌شود بعد هم واقعاً توبه می‌کند در این مورد خدا وعده داده که می‌بخشم؛ اما اینکه یک بتی را در برابر من عَلم بکنید و به‌جای پرستش و اطاعت من از او اطاعت کنید این قابل بخشیدن و آمرزش نیست.

### اجابت دعوت حق، عبادت خداوند است

یک جمله‌ای امام صادق علیه السلام به روایتشان اضافه می‌کنند که این جمله هم خیلی زیباست می‌فرمایند: اگر شما مردم از یک انسان کامل، جامع عالم ربانی دلسوز و خیرخواه مثل انبیا مثل ائمه مثل عالمان ربانی واجد شرایط اطاعت کنید کسی که از این گروه اطاعت می‌کند «فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ» است، یعنی خدا را عبادت کرده است. من حرف‌های پیامبر صلی الله علیه و آله را گوش بدهم، خدا را عبادت کرده‌ام. حرف‌های امیرالمؤمنین علیه السلام و صدیقه کبری علیها السلام را گوش بدهم، خدا را عبادت کرده‌ام.



## چه کسی مشرک به حساب می آید؟

یک کتابی بود که من شصت سال می‌گشتم و نبود چون یک‌بار چاپ‌شده بود و نویسنده‌اش هم مجتهد، فیلسوف، حکیم، عارف و یک شخصیت کم‌نظیر علمی بود به نام ملکه اسلام. این کتاب شرح حال شخصیت و علم صدیقه کبری علیها السلام است نه تاریخ زندگی ایشان. این کتاب دویست صفحه بود و بازهم روی این کتاب خیلی کار شد و کتاب نه صد صفحه شد؛ کتاب ملکه اسلام، اگر حوصله داشتید این کتاب را می‌گرفتید و می‌خواندید. حضرت زهرا علیها السلام مثل آفتاب وسط روز در دوتا سخنرانی با آیات قرآن ثابت کرده است که آن‌هایی که بعد از وفات پیغمبر صلی الله علیه و آله با اهل بیت علیهم السلام درگیر شدند، مشرک بودند و حضرت آن‌ها را به سخت‌ترین عذاب قیامت تهدید کرد و بعد هم به خانه برگشت. خب آن جامعه مدینه که از آن‌ها اطاعت کردند و امام علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام را تنها گذاشتند صد درصد مشرک بودند و بخشش و آمرزشی ندارند چون همین اطاعت از ضد خدا بود که این خسارت‌های عجیب را در تاریخ به بار آورد. اطاعت از ضد خدا یک میلیون نفر را در افغانستان و عراق و یمن به کشتن داد و الا این‌ها اگر از این سگ‌های هار و خوک‌های درنده اطاعت نمی‌کردند، یک بچه شیرخواره هم کشته نمی‌شد. این سی‌هزار نفری که آمده بودند کربلا مطیع چه کسی بودند؟ یزید و ابن زیاد. چون اگر مطیع خدا بودند حادثه کربلا اتفاق نمی‌افتاد. این است که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: کسی که در چند هکتار زمین، درخت مو می‌کارد و هدفش این است که این موها پر از انگور شود و کامیون کامیون این انگورها را برای مشروب سازی ببرد، می‌فرمایند: کارگری که آن مو را می‌کارد و می‌داند که هدف مالک چیست، این کارگر و مالک و کارگر هرس‌کننده و کسی که انگورها را می‌چیند و کسی که انگورها را در جعبه می‌گذارد و کسی که آن‌ها را بار کامیون می‌کند و راننده‌ای که آن‌ها را می‌برد و دلالی که انگورها را می‌فروشد و کسی که آن‌ها را می‌خرد و کسی که آن‌ها را به مشروب سازی می‌برد که مشروب کند همه آن‌ها را خدا لعنت کرده است. چون اگر این‌ها از خدا اطاعت می‌کردند انگور را برای مشروب نمی‌کاشتند، راننده

هم این انگورها را تا مشروب سازی نمی‌برد و دلال هم این انگورها را به کارخانه نمی‌فروخت. علت انجام این کارها این است که این افراد خدا را اطاعت نمی‌کنند پس در امتحان الهی یعنی در تکالیف ارائه‌شده و در تکلیف ﴿لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ﴾ که غیر خدا را عبادت نکنید، رفوزه شدند و اهل دوزخ هستند.

### اجابت دعوت نامشروع، عبادت ابلیس است

این موارد را در ذهنتان تفکیک کنید ما گناه می‌کنیم ولی مشرک نیستیم اما خدایی نکرده اگر در گناهی از کسی اطاعت کنیم مثلاً فلانی بگوید تو قدرت داری، توان داری، زبان داری، قلم داری، رفیق و آشنا داری این زن ما را به‌ناحق طلاق بده و هیچ ملاکی هم برای طلاق نیست، این عروس من را طلاق بده چون خوشم نمی‌آید عروسم باشد، اطاعت از این فرد اطاعت از ضد خداست «مَنْ أَضْعَىٰ إِلَىٰ نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ» حالا اگر این متکلم حرفش حرف خدا باشد «فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ» اما اگر حرفش ضد خدا باشد «وَ إِنْ كَانَ النَّاطِقُ يَنْطِقُ عَنْ لِسَانِ إبْلِيسَ فَقَدْ عَبَدَ إبْلِيسَ<sup>۲</sup>» است. این ارائه یک تکلیف و امتحان در آیه است حالا من اگر عمل کنم آن سه‌تا نمره را که اول منبر گفتم به من می‌دهند اما اگر عمل نکنم نمره‌ام دوزخ است؛ به تناسب جرم و گناهم دَرَك، اَسْفَل، سعیر و هاویه و... است.

### دومین امتحان الهی در آیه ۸۳ سوره بقره، احسان به والدین

دومین مورد «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» که در جلسات قبل توضیح داده شد و این هم یک تکلیف الهی است. مواظب باشید آن‌هایی که پدر و مادرشان زنده‌اند یا یکی از آن‌ها زنده است در این تکلیف «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» رفوزه نشوید، مواظب باشید؛ یعنی اگر اهل احسان به پدر و مادر نباشند رفوزه و اگر به پدر و مادر احسان کنند در این امتحان قبول هستند.

۱. بقره: ۸۳

۲. تحف العقول، ص ۴۷۹.



## رسیدگی به ذی القربی، ایتام و مساکین

«وَذِي الْقُرْبَى» شب عید است همه ما قوم و خویش‌هایی داریم که یک کمبودهایی دارند خدا هم به ما لطف کرده و می‌توانیم کمبود آن‌ها را جبران کنیم. ارائه تکلیف نسبت به قوم و خویش هم یک امتحان الهی است، مثلاً یک عمه یا خاله دارم که شوهرش مرده و بچه ندارد یا پیر و تک‌وتنه‌است و نان‌آوری ندارد، آبرومند است. این که به او برسیم تکلیف است.

«وَالْيَتَامَى» مسئولیت نسبت به ایتام امتحان الهی است. حالا یا در قوم و خویش‌ها یتیم دارم یا اگر ندارم کمیته امداد چند هزار یتیم دارد می‌توانیم مراجعه و اعلام کنیم که من در توانم هست مثلاً ماهی پانصد تومان به یک خانواده یتیم کمک کنم با آن‌ها رفت‌وآمد نمی‌کنم ولی خرجشان را اداره می‌کنم. کسی که پول دارد و به یتیم رسیدگی نمی‌کند رفوزه این امتحان است.

«وَالْمَسَاكِينَ» یک عده‌ای هستند مسکین‌اند مسکین یعنی زمین‌گیر یعنی از کارافتاده با دستش کار می‌کرده حالا نمی‌تواند پا داشته حالا از پافتاده حالا رعشه دارد نمی‌تواند کار کند در محل هم هست مستحق هم هست مردم رسیدگی به او امتحانشان است. یک امتحان دیگر زبان است «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» با مردم خوب حرف بزنید این یک امتحان است. غیبت کردن رفوزه شدن است. تهمت رفوزه شدن است؛ فحش رفوزه شدن است؛ تحقیر رفوزه شدن است؛ اما آدم سالم با مردم حرف بزند خوب حرف بزند نرم حرف بزند با محبت حرف بزند این قبولی امتحان است بفرمایید بنشینید، خوش آمدی. آقا جان بنشین، بابا بتمرگ هر دو را میتواند بگوید و زبان را ده جور می‌تواند بچرخد ما باید در تعارف به مردم از اولی استفاده کنیم «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» آقا محبت کنید بفرمایید خیلی خوش آمدید این قبول شدن در امتحان است.

## هفتمین و هشتمین امتحان الهی، اقامه نماز و پرداخت زکات

یک امتحان دیگر «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ» این نماز امتحان الهی است. اگر مرتب دارید می‌خوانید نمره‌های شما یعنی بهشت و رضایت و قرب سر جایش است؛ اما آن‌هایی که نماز

## هشت امتحان الهی (تفسیر آیه ۸۳ سوره بقره)

نمی‌خوانند در حال رفوزگی هستند، خیلی هم زشت است آدم به قول امام صادق علیه السلام شصت هفتادسال در دنیا نمک خدا را بخورد و نمکدان بشکند.

«وَآتُوا الزَّكَاةَ» کسی که طلا، نقره، شتر، گوسفند، گاو، مویز و گندم و جو دارد به یک حدی‌اش زکات تعلق می‌گیرد و پرداخت آن قبولی و بی‌توجهی به این مورد رفوزگی در این امتحان الهی است.

### عاقبت روی گردانی از امتحانات الهی

در آخر آیه خدا گلایه می‌کند: «ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ» تعداد کمی در این امتحان هشت‌گانه‌ای که در آیه است قبول شدید ولی بیشترتان رفوزه شدید «وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ» اصلاً عادت کردید که از امتحان من رو برگردانید. اعراض یعنی رو برگرداندن یعنی من تکالیفم را ارائه می‌کنم اما شما عادت دارید بگویید نمی‌خواهیم، قبول نمی‌کنیم، انجام نمی‌دهیم و در قیامت تکلیف آن‌هایی که رفوزه می‌شوند یعنی به این هشت امتحان عمل نمی‌کنند چیست؟ خدا در دنباله همین آیه سه آیه بعد می‌فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ»<sup>۱</sup> این‌ها آخرت را به کل مفت فروختند و دنیا را با همین بازیگری‌هایشان خریدند «فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ» و این‌ها که رفوزه شدند در جریمه‌شان تخفیف داده نمی‌شود «وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ» و یک یار هم قیامت ندارند که به دادشان برسد.

### لطف و کمک از جانب خدا و پاداش برای بنده!

خدایا نمی‌دانیم تو را چقدر شکر کنیم! اصلاً شکر هم از دست ما بر نمی‌آید. تو کمک دادی که ما این امتحان‌ها را قبول شدیم و الا اگر تو کمک نمی‌دادی ما در یک‌دانه از این هشت‌تا امتحانی که در آیه آوردی قبول نمی‌شدیم. تو لطف کردی، کمکش را تو دادی آن‌وقت بهشت و رضایت و قربش را هم تو می‌دهی! همه این امتحان‌هایی را که ما قبول



شدیم کار خود تو بوده آن وقت آن سه تا مزد را هم به ما می‌دهی، چطوری شکر کنیم؟  
ابی‌عبداللہ رضی اللہ عنہ می‌فرماید: خدایا اگر عمر دهر را به من بدهی و من تو را شکر کنم، در کل عمر دهر شکر یک‌بند انگشتم هم انجام نمی‌شود.

### چند روز قبل از شهادت حضرت فاطمه زهرا رضی اللہ عنہا

این چندروزه یعنی تقریباً از چهار پنج روز پیش یک تعدادی از زنان بنی‌هاشم آمدند عیادت صدیقہ کبری رضی اللہ عنہا از پادرامده بود، دیگر نمی‌توانست راه برود و در بستر افتاده بود. امام صادق رضی اللہ عنہ می‌فرمایند: یکپارچہ سیاه به پیشانی‌اش بسته بود و بی‌صدا گریه می‌کرد چون دیگر صدا نداشت. گفتند خانم ما آمدیم عیادت شما و آمدیم از شما بخواهیم اگر در خانه کاری دارید که دیگر نمی‌توانید انجام بدهید ما امروز برایتان انجام دهیم. فرمود: هیچ کاری ندارم، بلند شدم با هر زحمتی نان پختم و لباس‌های علی و بچه‌هایم را هم شستم که این چندروزه بعد از شهادت من کاری نداشته باشند اما خودتان دلتان می‌خواهد یک کاری برای من بکنید. من چند روز است دیگر توان رفتن سر مزار پدرم را نداشتم خیلی علاقه دارم یک‌بار دیگر بروم به من کمک کنید و من را ببرید. زیر بغل ایشان را گرفتند، برادرانم خواهرانم من مخصوصاً یک‌شب ساعت دوازده شب که مدینه خیلی خلوت بود رفتم خانہ صدیقہ کبری رضی اللہ عنہا که خانہ ایشان در قسمت پایین مزار شریف پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم است، از خانہ تا در جبرئیل که وارد حرم می‌شویم قدم کردم که زهرا رضی اللہ عنہا را که از خانہ آوردند بیرون چون در خانہ‌شان را به روی مسجد بسته بودند باید این خانم‌ها حضرت را از داخل کوچه به داخل حرم می‌بردند. این مسیر را که قدم کردم حدود هفده قدم بود. از دم در خانہ خودش تا کنار قبر پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم زیر بغلش را گرفتند، پنج شش قدم که راه رفتند صدا زد خانم‌ها بگذارید بنشینم دیگر نمی‌توانم راه بروم. روی زمین نشست و شروع کرد ناله زدن هر کس رد می‌شد می‌دید چند تا خانم باهم جمع شده‌اند و یکی هم دارد ناله می‌کند می‌گفتند کیست؟ می‌گفتند دختر پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم است. دوباره زیر بغلش را گرفتند آن وقت‌ها که ضریح نبود، مزار

## هشت امتحان الهی (تفسیر آیه ۸۳ سوره بقره)

مطهر پیدا بود تا چشمش به مزار مطهر افتاد عین پرندہ‌ای که می‌خواهد وارد لانه شود خودش را از دست زن‌ها رها کرد و روی قبر پیامبر ﷺ انداخت «أَبْتَاهُ زُفِعَتْ قُوَّتِي وَ خَانِي جِلْدِي وَ شَمَّتَ بِي عَدُوِّي وَ الْكَمْدُ قَاتِلِي» بابا بلند شو ببین غصه دارد من را می‌کشد. دختر پیغمبر من می‌خواهم از جانب این مردم از شما یک سؤال داشته باشم یک مطلب بپرسم برای شما سخت‌تر بود که خودتان را روی قبر گلی انداختید؟ یا برای دختر سیزده‌ساله‌تان که خودش را روی بدن ابی‌عبدالله ﷺ انداخت و می‌گفت مردم من نمی‌خواهم بیایم بگذارید پیش پدرم بمانم و این قدر گریه کنم تا بمیرم. من بقیه‌اش را دل ندارم بگویم دیدند بلند نمی‌شود فقط عربی‌اش را می‌گویم «فَأَجْتَمَعَتْ عِدَّةٌ مِنَ الْأَعْرَابِ حَتَّى جَرُّوَهَا عَنْهُ»